



۷

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۴ | شماره پیاپی ۳۷۷ |
فروردین ماه ۱۴۰۵ | صفحه ۴۸

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir

ای

تغییر دهنده

دیده‌ها

و

دل‌ها



! روح طوری خلق شده است که اگر این تعبیر درست باشد، همیشه غلبه بر دیگران برایش از تسلط بر خویشتن آسان تر است ... خنده و وقار باید هم دوش یکدیگر پیش بروند.

! خویشتن را به احساس امنیت و خلق خوش ملزم کنید.

! تعلیم و تربیت احترامی مضاعف است.

! پشت هر تعلیم و تربیتی و در تمام سطح ها باید یک افق انسانیت موجود باشد.

! تعلیم و تربیت «فتح مداوم» است، بی آنکه سنین گذشته انکار شوند.

تعلیم و تربیت فتح وجود خویشتن به کمک ادب و نزاکت به معنای وسیع آن است که با دانستن آداب معاشرت فرق دارد.

! تربیت یاری کردن کودک است تا به شخصیت آزاد و منضبطی که همان موجود اخلاقی است، برسد.

صفحه ۴۴





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

رشد

www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۴
شماره پی در پی ۳۷۷ | فروردین ماه ۱۴۰۵

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات در
دسترس جامعه آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه مخاطبان در
میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.
قیمت: ۳۰۹۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: سید سعید بدیعی
سرپرست: دکتر عباسعلی مظفری
شورای برنامه ریزی:
دکتر حامد عباسی
دکتر جعفر چراغیان
دکتر مختار ذاکری
دکتر منوچهر فضل خانی
دکتر لیلیا میرزایی
دکتر زهراسادات الطافی
مدیر داخلی: الهام الیکایی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: مجتبی زند
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پیامنگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست



نشانی کانال مجله رشد
@roshd_moallem



وبگاه نظرسنجی
مجلات رشد

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. برای مندرج در مقاله‌ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



برای اشتراک مجلات
رشد پوش کنید

- سرمقاله** / سواد دیجیتال و رسانه، در کنار هم / به قلم منصور اسکندری * ۲
- نقد و نظر** / مردی که معلم نشد: اما مدرسه ساخت / تنظیم‌کننده: دکتر عباسعلی مظفری * ۴
- درس زندگی** / تمام الفبا خدا بود / احسان سروش * ۷
- درخشنده** / محمد آشفته * ۳۶
- مهارت‌های معلمی** / معلم آگاه، انتخاب آگاهانه (بخش نخست) / دکتر جعفر چراغیان * ۸
- معلم، معمار تعامل** / دکتر زهراسادات الطافی * ۱۴
- نامه نگاری با دانش آموزان و والدین** / دکتر مرتضی مجدفر * ۱۷
- ادبیات و فلسفه ابزار زیبایی شناسی** / محمدرضا قبادی * ۲۲
- تو هیچ وقت موفق نمی‌شوی!** / حنا سرحسابی * ۳۸
- فراتر از کمک درسی** / دکتر محمد نیرو * ۴۳
- فناوری‌های نوین** / کاربرد هوش مصنوعی در ارزشیابی / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۱۰
- رویکردی تربیتی** / یازده چالش آموزشی تربیتی و راهکارهای آن / دکتر مختار ذاکری * ۱۸
- کتاب درسی نقطه آغاز است نه پایان** / کیومرث جهانگردی * ۲۴
- یک، دو، سه، ایست** / زهرا عباسیان نیک، سمانه جوانبختی * ۲۹
- سبک زندگی** / تغذیه آگاهانه / شیمیا مظفری * ۲۶
- طراحی آموزشی** / خلافت معلم = بالارفتن انگیزه دانش آموز / فرزانه نوراللهی * ۳۲
- تجربه‌های معلمی** / برف‌هایی که قلب‌ها را گرم می‌کند / زهرا کریمی * ۴۰
- مربیان بزرگ** / تعلیم و تربیت، فتح مداوم، است / دکتر عبدالامیر گیلک * ۴۴
- یادها و خاطره‌ها** / تقویم فروردین / دکتر لیلیا میرزایی * ۴۶
- کافه کتاب** / مدرسه کیفی * ۴۸

سواد دیجیتال و رسانه

* ابعاد سواد رسانه

- / درک و تحلیل پیام: شناخت اهداف پنهان و آشکار پیام‌های رسانه‌ای؛
- / تفکر انتقادی: توانایی تشخیص اخبار جعلی و اطلاعات نادرست از اخبار و اطلاعات واقعی؛
- / شناخت ساز و کارهای رسانه‌ها: فهم نحوه تولید و انتشار محتوا؛
- / مدیریت مصرف رسانه‌ای: کنترل میزان و نوع استفاده از رسانه‌ها؛
- / تولید محتوای آگاهانه: مشارکت مسئولانه در تولید محتوا.

در کنار سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال مطرح می‌شود. سواد دیجیتال بر ابزارها، فناوری‌های دیجیتال مانند انواع دستگاه‌ها و سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و برنامه‌های کاربردی و امثال آن متمرکز است. سواد دیجیتال مهارت‌هایی مانند کار با رایانه، گوشی تلفن همراه، رایانک، اینترنت، نرم‌افزارها، برنامه‌های کاربردی گوشی همراه، توانایی جست‌وجو، تولید، ویرایش و در مجموع دانش نظری و مهارت‌های فنی در حوزه فناوری است. سواد دیجیتال در واقع به دنبال چگونگی استفاده از فناوری است، اما سواد رسانه‌ای به دنبال دریافت، درک،

چند روز پیش، در نشستی با والدین و دانش‌آموزان یک مدرسه، متوجه اختلاف عمیق بین نسلی در والدین و دانش‌آموزان، از دو بُعد نگرش و استفاده از فناوری، شدم. این اختلاف و تنش باورنکردنی زمانی بیشتر نمایان می‌شد که دانش‌آموزان می‌گفتند بسیاری از اوقات ناخواسته زمانی طولانی غرق در شبکه‌های اجتماعی می‌شوند و گاهی برخلاف میل باطنی، بیش از پنج ساعت از وقت مفید خود را در این شبکه‌ها سپری می‌کنند. برای پیشگیری از این کار، والدین نیز به لحاظ نگرانی از آینده فرزندان خود به اقداماتی دست می‌زنند که چندان خوشایند فرزندان نیست و موجب ناراحتی و اختلاف در خانواده می‌شود؛ چرا که بخشی از این زمان، علاوه بر رعایت نشدن مسائل ارگونومیک حفظ سلامت جسمی و روانی، صرف دریافت و استفاده محتوای نامناسب دانش‌آموزان از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

در همین راستا، طی نشست‌های مجزایی با معلمان و دبیران، سؤال‌های بسیاری مطرح و درباره آن‌ها بحث و گفت‌وگو شد. از جمله:

- / آیا دانش‌آموزان باید گوشی شخصی داشته باشند یا فقط باید از گوشی مشترک با والدین استفاده کنند؟
- / میزان نظارت و کنترل والدین بر مدت زمان، نحوه استفاده و محتوای مورد استفاده دانش‌آموزان در گوشی تلفن همراه چگونه باید باشد؟
- / آیا در شرایط کنونی امکان کنترل فرزندان در فضای مجازی به شکل واقعی وجود دارد؟
- / چگونه می‌توان فرزندان را در استفاده صحیح از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی همراهی و راهنمایی کرد؟
- / چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان را برای زندگی پر مخاطره و مبهم آینده آماده کنیم؟

سؤال‌های فراوانی از این قبیل مطرح شدند که البته همه ما در زندگی با موارد مشابه فراوانی روبرو هستیم و بیشتر اوقات قادر به ارائه پاسخ درست و قانع‌کننده نیستیم. زمانی این مسائل حادتر می‌شود که دانش‌آموزان شاهد تعارض، تضاد و تفاوت دیدگاه‌های فراوانی نیز در این زمینه باشند. اینجاست که بحث داشتن سواد رسانه^۱ و سواد دیجیتال^۲ مطرح می‌شود و پرداختن به آن ضروری به نظر می‌رسد.

سواد رسانه‌ای به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که به افراد کمک می‌کنند پیام‌های رسانه‌ای را دریافت، درک، تحلیل، ارزیابی، تفسیر، تولید و منتشر کنند. همچنین، فرد توانایی تشخیص اعتبار پیام‌ها، فهم فن‌های اقناع و دست‌کاری، شناسایی سوگیری‌ها و توانایی خوانش و نگرش انتقادی نسبت به محتوای پیام‌ها را کسب کند. این مهارت‌ها به افراد، اعم از والدین، دانش‌آموزان و معلمان امکان می‌دهد با نگاه نقاد و آگاهانه، اطلاعات منتشر شده در رسانه‌ها (از قبیل تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی، روزنامه‌ها، فیلم‌ها و غیره) را بررسی کنند و تحت تأثیر تبلیغات، شایعات یا اخبار جعلی قرار نگیرند.

سواد رسانه‌ای در واقع پلی میان «مصرف منفعلانه» و «کنش فعالانه» در فضای رسانه‌ای است. همچنین، بررسی آگاهانه و نقادانه پیام‌های رسانه‌ای، شناخت اهداف پنهان و آشکار رسانه‌ها، محفوظ و مصون ماندن از تأثیرات مخرب رسانه‌ها، تولید محتوای مفید و مؤثر، و آماده‌بودن برای تأثیرگذاری علمی و عملی در مراحل گوناگون زندگی، از مزیت‌های داشتن سواد رسانه‌ای است.

منصور اسکندری
کارشناس هنر و
گوینده رادیو

بسم رب الشهداء والصدّيقين
برادر دانشمند و پرتلاش جناب آقای دکتر مختار ذاکری
عضو محترم شورای برنامه ریزی مجله رشد معلم

با سلام و ادب؛

سپیده هنوز برنخاسته بود که آسمان رنگ اندوه گرفت و روح بلند دانش آموزان و غنچه‌های نوشکفته شهرستان میناب به آسمان عروج کرد و فرزندانمان همراه با رهبر عظیم الشان و امام امتان در پی جنایتی ناجوانمردانه به دست یزیدیان زمان، جام شهادت نوشیدند.

درود و سلام خدا بر همه خانواده‌های شهدا و شما همکار گران قدر و الگوی صبر، جوانمردی و شهامت که دو فرزند دلبندتان را تقدیم اسلام عزیز کردید.

ضمن عرض تبریک و تسلیت، از پروردگار مهربان برای جناب عالی و خانواده محترم شما اجر صابران را خواستاریم.

اللهم عجل لولیک الفرج

سردبیر و اعضای تحریریه مجله رشد معلم

کنار هم در شکوه

* پیشنهادها

مدیران، معلمان والدین باید پس از آشنایی و تسلط کامل، درباره این پدیده‌ها با دانش آموزان صحبت کنند، شیفتگی آن‌ها را درک کنند و به هرگونه نگرانی بالقوه پاسخ مناسب بدهند.

بحث‌های گروهی، نقد و تحلیل آسیب‌ها و خطرات فضای مجازی بین دانش آموزان ترویج شود.

مهارت‌های تفکر انتقادی خلاق، به جای تفکرات اسفنجی، در دانش آموزان تقویت شود.

دانش آموزان در راستای حفظ تعادل و اولویت دادن به تکلیف مدرسه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مسیر رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی تشویق شوند.

به امید روزی که تمامی دانش آموزان سرزمینمان با داشتن دانش و مهارت کافی در سواد دیجیتال و رسانه‌ای، آگاهانه و روشن‌گرانه از فضای مجازی بیشترین استفاده مطلوب را در مسیر کسب علم و دانش ببرند.

بی‌نوشت‌ها

1. Media Literacy
2. Digital Literacy

شناخت بازی‌ها، ویدئوها و برنامه‌های کاربردی مفید تلفن همراه؛

آگاهی از مدت استاندارد استفاده از دستگاه‌های هوشمند و رایانه.

آموزش سواد دیجیتال و رسانه‌ای مزیت‌هایی برای دانش آموزان به همراه خواهد داشت؛ از جمله:

سواد دیجیتال و رسانه‌ای زمینه‌ساز افزایش مهارت تفکر انتقادی است و موجب می‌شود دانش آموزان محتوای دریافت‌شده از پیام‌رسان‌ها را با دیدگاه انتقادی و موشکافانه بررسی، ارزیابی و نقد کنند.

سواد رسانه‌ای به دانش آموزان یاد می‌دهد محتوای نامعتبر را از محتوای معتبر تشخیص دهند. این مهارت بر قدرت تحلیل آن‌ها می‌افزاید.

سواد دیجیتال و رسانه‌ای مسیر ایده‌پردازی و خلاقیت در تولید محتوا را به دانش آموزان نشان می‌دهد و سطح مهارت‌های زندگی در شرایط کنونی را بالا می‌برد.

سواد دیجیتال و رسانه‌ای کمک می‌کند دانش آموزان بیش از آنکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذار شوند.

سواد رسانه‌ای تنها به فهم محتوا محدود نمی‌شود، بلکه مخاطب را به کنشگری اجتماعی بدل می‌کند تا در برابر شایعات و اخبار جعلی روشنگری کند.

تفسیر، ارزیابی، تولید و توزیع پیام است. امروزه داشتن سواد دیجیتال از الزامات اولیه سواد رسانه‌ای است. بر همین اساس، آموزش و ارتقای سواد دیجیتال و سواد رسانه‌ای، به عنوان دو بال آگاهی دهنده و مهارت‌بخش، برای دانش آموزان والدین، هم از بُعد نظری و هم از بُعد عملی، بسیار ضروری است. با این حال، عصر دیجیتال با وجود داشتن مزیت‌های زیاد، برای کاربران چالش‌های فراوانی نیز به وجود آورده است. برای نمونه، مورد رخنه قرار گرفتن (هک شدن) اطلاعات و حملات فضای رایانه‌ای، یکی از دغدغه‌های مهم والدین در استفاده فرزندان‌شان از دستگاه‌های هوشمند است. به همین دلیل، آموزش سواد رسانه‌ای و دیجیتال در دنیای نوین فناوری امروزی یک ضرورت به حساب می‌آید. بر همین اساس، بعضی از مباحث و سرفصل‌های آموزش سواد رسانه‌ای و دیجیتال به دانش آموزان می‌تواند شامل این موارد باشد:

حفظ هویت فردی و حریم خصوصی در فضای مجازی؛

ارسال ایمن و صحیح پیام‌ها در شبکه‌های اجتماعی؛

نحوه به اشتراک‌گذاری صحیح اطلاعات در فضای مجازی؛

تنظیم کننده: عباسعلی مظفری

سرانجام پس از مدت‌ها قرار و لغو قرار، در یک بعدازظهر دل‌انگیز زمستانی، بنده عباسعلی مظفری همراه با منصور اسکندری، معلم هنر و گوینده رادیو، و اسلام جهداآسا، مدیر دبیرستان علامه حلی، راهی دفتر خیر مدرسه‌ساز، حاج حسین حیدری، معروف به کاپیتان، واقع در محله شوش، خیابان صابونیان، شدیم.

در ورودی ساختمان، بوی رنگ و مواد چاپخانه هوش از سرمان برد؛ به‌خصوص از سر بنده که با چاپ و نشر و کتاب و مجله و روزنامه انس دیرین داشته و دارم. با مشایعت کاپیتان وارد دفتر اصلی شرکت چاپ عکس برگردان‌های گل سرخ شدیم. حالا چرا کاپیتان؟ حاج حسین حیدری ما زمینی نیست و از اهالی آسمان است. او که میل عجیبی به پرواز دارد و به‌شدت هم بلندپرواز است، در جوانی دوره‌های خلبانی را با موفقیت سپری می‌کند و بعدها که صاحب مکتب می‌شود، برای خودش هواپیمای شخصی می‌خرد و حتی فرزندان را هم خیلی زود وادار به پرواز می‌کند. تا آنجا که یکی از پسران ایشان به نام مهدی حیدری به عضویت ناسا در می‌آید و همچنان درجه‌های رشد و ترقی را سپری می‌کند.

از سر کنجکاو، سری در دفتر کاپیتان می‌چرخانم. در قفسه‌ها و طبقه‌های پرتعداد چوبی اتاق، انبوهی از تندیس، لوح یادبود و تقدیرنامه را می‌بینم که به پاس سخاوت و مهربانی خیر عزیزمان، به ایشان تقدیم شده‌اند.

اولین سؤال ما از ایشان، پس از صرف یک فنجان چای داغ و معطر، در مورد شروع فعالیت اقتصادی و کار آفرین شدنش بود. کاپیتان با حوصله داستان بزرگ‌ترین خطر زندگی‌اش و خرید اعتباری یک انبار کامل اتوی زغالی سوخته و احیای آن را برایشان تعریف کرد. اینکه چگونه ققنوس‌وار از دل آتش به پرواز درآمده و با خرد و بینش و اتکا به نیروی جوانی و توکل به یاری خداوند، ره صد ساله را یک‌شبه طی کرده است و از کوهی اتوی زغالی سوخته، برای خودش نه تنها ثروت، که اعتباری بزرگ در بازار ساخته است.

سپس با سود به‌دست‌آمده، شرکت چاپ عکس برگردان‌های گل سرخ را در محله شوش و خیابان صابونیان راه می‌اندازد تا هم تولید کند و هم خیر برساند. کارخانه که آماده می‌شود، کاپیتان برای جذب نیروی کار سراغ هم‌ولایتی‌ها می‌رود؛ روستای محروم آب‌مشکین، واقع در هشتاد کیلومتری شهرستان کبودرآهنگ.

سؤال بعدی ما از ایشان در مورد چگونگی ورودشان به حوزه خیری و

مادر بی‌درنگ گفتند: حسین ما را به همه آرزوهایمان رسانده. حسین سر بلندمان کرده. حسین افتخار خانواده حیدری است... اما مادر صدایش قذری لرزید. نگاهی به روی ماه فرزندش در قلاب عکس انداخت. اشکی گوشه چشمش جمع شد. گلویش را صاف کرد و گفت: «دوست داشتم حسین معلم شود.»

مردی که معلم

نشست: اما

ساخت مدرسه بود. کاپیتان از استعداد و سخت کوشی جوانان روستای پدری اش برایمان تعریف کرد. اینکه چگونه ظرف مدت زمان کوتاهی کار با دستگاه‌های متعدد و پیشرفته چاپ را با تمام جزئیاتش یاد گرفتند. اما بروزی که توجهی یا سهل انگاری تکرار نشود، تمام خدمات و زحمات هایشان را مخدوش می‌کرد. با وجود توضیح و تأکید دقیق کاپیتان و مشتریان، کارگران چاپخانه بارها در اندازه‌گیری و محاسبه، اشتباه‌هایی را مرتکب می‌شوند که جبران ناپذیرند و خسارت‌های مادی و معنوی زیادی روی دست کاپیتان می‌گذارند. سرانجام یکی از کارگران، به نام قهرمان، نزد کاپیتان می‌آید و سیر تا پياز راز مگوئی هم ولایتی‌ها را افاش می‌کند. قهرمان به کاپیتان می‌گوید که آن‌ها تمامی اندازه‌گیری‌ها و محاسبه‌ها را با مشقت، آزمون و خطا و حدودی پیش می‌برند، چرا که همگی کم‌سوادند و از ترس از دست دادن شغل، هیچ کدامشان مُقر نیامده‌اند.

این اعتراف نکان‌دهنده، همچون پتک بر سر کاپیتان فرود می‌آید. او همان روز، نه فردا، همان روز، همه کارگران را در مدرسه شبانه ثبت‌نام می‌کند. زمان چندانی نمی‌برد که تصمیم مهم زندگی اش را می‌گیرد. این نقطه آغاز عطف زندگی او و زندگی هم ولایتی‌هایش می‌شود. فردای آن روز کاپیتان، که یک تولیدکننده نوپا و تاجری تازه‌کار است، با نیمی از دارایی اش و تمام ایمان و یقینش، کلنگ مدرسه‌ای را بر زمین می‌زند و بذر اولین مدرسه را در روستای آب‌مشکین می‌زند؛ مدرسه‌ای که با سرمایه حاج حسین حیدری و همت تمامی اهالی روستا به پا شد. کاپیتان برایمان از آن روزها می‌گوید که اهالی چگونه پای کار آمدند و با مصرع‌های وجودشان این شعر زیبا را کامل کردند: اولی پی‌ها را در آورد. دومی با الاغش سنگ از کوه آورد. سومی از رودخانه ماسه آورد. دیگری می‌گفت نه کاه از من است و نه کاهدان، و همه را در خشت بهشت ریخت. کاپیتان معتقد است که قهرمان این قصه، بی‌بی سیاه، پیرزن تنهای روستا بود. او تمام دارایی اش را که روزانه ۱۰ تا ۱۲ عدد تخم مرغ بود، با تمام سلیقه اش، صرف صبحانه کارگران مدرسه می‌کرد. کاپیتان می‌گوید: «بی‌بی سیاه تمام سرمایه اش را به میدان آورد و من تنها نیمی از سرمایه ام را!» و این گونه شد که با همت همه اهالی، در اولین روز مهر ماه سال ۱۳۷۲، صدای زنگ مدرسه با صدای غرش هواپیماهای شکاری پایگاه هوایی نوژه که بر فراز مدرسه به پرواز درآمده بودند، روزی ماندگار را در تاریخ روستا رقم زد.

مدرسه به نام مبارک حاجیه خانم کبری محمدی، مادر ارجمند خیر نیک‌اندیشان، نام‌گذاری می‌شود. ظرف مدت زمان کوتاهی، مدرسه دوم که خوابگاه و امکانات مراقبتی استاندارد دارد، ساخته می‌شود تا پذیرای دانش‌آموزان روستاهای هم‌جوار هم باشد. بلافاصله مدرسه سوم و همچنین یک مرکز بهداشتی و درمانگاه مجهز هم در روستا به پا می‌شود، تا دیگر از محرومیت، فقر و مشکلات بهداشتی در روستای آب‌مشکین و بخش شیرین مو هیچ نشانی دیده نشود. حالا کاپیتان نه تنها برای روستای پدری اش، که برای منطقه گامی بزرگ برداشته بود و این موضوع برای او که در جست‌وجوی معنای زندگی است، حال خوب آورده بود. حال حسین، که اکنون زلال‌تر از قطره باران شده است، میل به باریدن دارد و اصلاً برایش مهم نیست که کاسه کاسه کیست و کجاست!

او همان‌طور که همه ایران را سرای خود می‌داند، همه فرزندان این سرزمین را نیز چون فرزندان خود می‌بیند و



مدرسه ساخت



محصول این اندیشه و نگاه، ساخت بیش از ۲۵ مدرسه و کتابخانه، درمانگاه و واحد علمی در نقاط محروم و کمتربرخوردار کشور است.

منصور اسکندری، معلم هنر و گوینده رادیو، که شنوندگانش او را به نام «استاد کمال هم‌نشین» می‌شناسند و از دوستان قدیم کاپیتان است، با نقل خاطراتی از ایشان، وارد بحث می‌شود. استاد کمال می‌گوید، روزی در دفتر کار کاپیتان با ایشان مشغول اختلاط بودیم و مشتریان جسته و گریخته برای امور مالی یا فنی به ایشان مراجعه می‌کردند. در این بین، یک مشتری غریبه وارد شد که گویا طرحی داشت که باید در شمار ۲۰۰ یا ۳۰۰ عدد روی لیوان و استکان چاپ می‌شد. کاپیتان از غیراقتصادی بودن این کار و گران تمام شدن چاپ به خاطر شمار پایین برای مشتری توضیح داد و اینکه هزینه چاپ هر لیوان دو برابر ارزش لیوان خواهد شد. مشتری فرصتی خواست و مراتب را تلفنی به اطلاع دوستان تصمیم‌گیرش رساند. در نهایت، مشتری و دوستانش هزینه بالای چاپ را پذیرفتند و مشتری کارت عابر بانک و طرح را که به صورت دستی طراحی شده بود، به کاپیتان تحویل داد.

کاپیتان قبل از اینکه کارت را بکشد، چشمش به طرح مشتری، که نام مبارک ثارالله رویش نقش بسته بود، افتاد. نوشته را بوسید و کارت عابر بانک را به مرد برگرداند. مشتری مستأصل از برخورد کاپیتان، علت را جویا شد. ایشان در پاسخ گفت: «من اینجا نوکر محبان امام حسین (ع)».

استاد کمال هم‌نشین، که با کاپیتان هم‌نشینی‌ها داشته، از خاطره‌های نذری ایشان، که هر ساله هفدهم محرم به مناسبت هفتم امام در مسجدی در محله باغ‌آذری طبخ و پخش می‌شود، این گونه برایمان روایت کرد که کاپیتان غذای نذری را به بیغوله‌های محله‌های باغ‌آذری، شوش و هرنندی، در بین افراد معتاد، برد. همراه هر ظرف، یک کارت ملاقات و یک پیام هم به این افراد می‌داد. پیام کاپیتان سراسر نشان از انسان دوستی، برادری و مهر داشت.

کاپیتان از این افراد فقط یک درخواست داشت: ترک مواد مخدر. در مقابل به آن‌ها قول می‌داد که در صورت ترک کامل مواد مخدر، تمامی هزینه‌های درمان و توان‌بخشی‌شان را تأمین کند و بعد از بهبودی کامل، دستشان را بند کند تا بیکار نمانند. این یعنی مسئولانه‌زیستن؛ یعنی درد دیگران را درد خود دانستن؛ یعنی همان نذری که امام حسین (ع) هم تمام قد پشت آن می‌ایستاد.

استاد کمال هم‌نشین، همچنین از سفری می‌گوید

که همراه با فرماندار کبودرآهنگ و کاپیتان و خودروی گران‌قیمتش به روستایی محروم در همان منطقه داشتند.

او می‌گوید: اندک اهالی باقی‌مانده در روستا، که فقر و نداری و خشک‌سالی و بدتر از همه وعده‌های تحقق نیافته، جانشان را به لبشان رسانده بود، دیگر گواشی برای شنیدن سخنان فرماندار نداشتند. فقط خشم بودند و داد و فریاد. حق هم داشتند، چون کار به استخوانشان که رسیده بود هیچ، استخوان را خرد هم کرده بود. اما این ۳۰ خانوار در این شرایط خواسته‌شان چه بود: دریافت یک وام فوری قرض‌الحسنه برای آنکه بتوانند دارقالی و ملز و ماتش را تهیه کنند و به جای آنکه چشمشان به آسمان باشد، به دستان هنرمند خودشان باشد.

اما گویا تهیه همین وام فوری و قرض‌الحسنه و رفع موانع پیچیده اداری‌اش، برای فرماندار ممکن نبود. کاپیتان که گله و ناله و شکایت روستاییان خاطرش را به شدت مکدر کرده بود، نماینده فرماندار و ریش‌سفید جمع را فراخواند. به زبانی ترکی چیزهایی گفتند و مدارک و وسایلی را رد و بدل کردند.

از سر کنج‌کاوی یا فضولی جریان را جویا شدم. ایشان گفتند که دسته‌کلید و مدارک ماشین را تحویل دادم تا بفروشند و به همه ۳۰ خانوار روستا وام قرض‌الحسنه قالی‌بافی بدهند. به ایشان گفتم: «برادر من، ماشین رو چرا تحویل دادی؟ بعداً مبلغش را به آن‌ها می‌دادی.» ایشان در پاسخ گفت: «تمام کارهایی را که گفته‌ام بعداً، هرگز انجام نداده‌ام.» خاطرات قشنگ و روایت جذاب استاد کمال هم‌نشین که ظاهراً دیر هم خسته می‌شود، اسلام جهداً سارا هم سر ذوق آورد. ایشان هم خاطره‌ای از ملاقات با مادر بزرگوار کاپیتان برایمان نقل کرد که شنیدن آن، غرور من معلم قدیمی را ده‌چندان کرد. جهداً سآ گفت، بعد از یک گفت‌وگوی صمیمانه با مادر بزرگوار کاپیتان درباره خدمات و اثرات فرزند برومندش، در پایان از ایشان پرسیدم که آیا خواسته یا آرزویی داشته‌اند که محقق نشده باشد؟

مادر بی‌درنگ گفتند: حسین ما را به همه آرزوهایمان رسانده. حسین سر بلندمان کرده. حسین افتخار خانواده حیدری است... اما مادر صدایش قدری لرزید. نگاهی به روی ماه فرزندش در قاب عکس انداخت، اشکی گوشه چشمش جمع شد، گلویش را صاف کرد و گفت: «دوست داشتم حسین معلم شود.»

جهداً سآ گفت، آن لحظه احساس دوگانه‌ای داشتم؛ به عنوان یک عضو کوچک از جامعه بزرگ معلمان، هم قند تلم آب شد از شدت شوق، و هم تنم لرزید از شدت سنگینی این جایگاه و مسئولیت حاج حسین حیدری، مردی از جنس بلور، عاشق پرواز و به شدت هم بلندپرواز. مردی شبیه باران، خیر مدرسه‌ساز و مؤمن به همه باورهایش، کاسب خوش‌نام و مرد دست‌گیر خیابان صابونیان؛ او که سال‌های دور در یک مدرسه خیرساز در همین محله درس خوانده و شاید در کودکی، مثل بسیاری از ما، نامش را روی میز و نیمکت و در و دیوار مدرسه‌اش حک کرده است، اما خیلی زود پی برده که جای درست نام نیکو نه روی میز و نیمکت، که بر سر در مدرسه و درمانگاه و کتابخانه است!

در پایان این معاشرت شیرین، در قابی مشترک کنار او می‌ایستیم تا شاید کمال هم‌نشین بر ما هم اثر کند. ❀

آرامش

احسان سروش
معاون دبیرستان ساوه

کوچه را دنبال کن. از پیچ و تاب دیوارها نگاهت بالا را گم نمی‌کند. انتهای کوچه هم به آسمان می‌رسد. گلدسته‌ها و بعد گنبد، قبل از صدای اذان، مسجد را نشان می‌دهد. گنبد سقف آسمان است که بر زمین نشسته و گلدسته‌ها دستان زمین هستند که سوی آسمان گشوده شده‌اند.

اگر از آب غلستان حوض وضو گرفتی، داخل برو. رو به پنجره‌ها که هزار رنگ را به هزار نقش فرش، گره زده‌اند، نماز بخوان. لازم نیست خدا را یاد کنی. خدا خودش تو را یاد می‌کند. از صبح همین بود. بازار هم مسجد بود. انحنای سقف بازار، خدا بود. ستون نور میان بازار، تا انتها، یاد خدا بود. کوچه و دیوار، در چوبی و سکو، دالان و گلدان و پیرزن هم یاد خدا بود، گلدسته و گنبد و پنجره رنگی هم. تو لازم نیست خدا را یاد کنی. خودش خودش را از هر سوبه یادت می‌آورد.

حالا چشمانت را باز کن. ببین که معلم چقدر کارش راحت بود. همین که می‌گفت الف، کودک، خدا را بلند و کشیده می‌خواند. تا لبانش را به هم می‌دوخت که بگوید «ب»، یاد پدرش می‌افتاد که مرد «با» خدایی است. «پ» پرواز کبوترهای گنبد بود. تمام الفبا خدا بود. «ا» را که یاد می‌داد، یاد «یکی بود یکی نبود» قصه مادر بزرگ می‌افتاد. «آ»، دو گلدسته بود. «۳» رکعت نماز مغرب. تمام اعداد هم خدا بودند. اصلاً تمام معلم و پدر و مادر بزرگ هم خدا بودند. چقدر معلم کارش راحت بود و حالا چقدر کار معلم سخت شده است! چه بگویند که کودک یاد خدا بیفتد؟ چه ببیند که خودش یاد خدا بیفتد؟ حالا اگر به مسجد رفتی، سعی کن. خیلی سعی کن که خدا را به یاد بیاوری. ❁

چشمانت را ببند و تصور کن یک روز صبح در بازاری قدیمی قدم می‌زنی. دیوارهایی که از بالای در حجره‌ها و از دو سمت به سوی هم دست دراز کرده‌اند و در سقفی قوس مانند، یکدیگر را به آغوش کشیده‌اند. استوانه‌های نور که از روزنه‌های روی سقف به کف بازار کشیده شده‌اند، دست آسمان هستند که بازار، یعنی این زمینی‌ترین نماد زمین را، با ستون‌هایی از نور نگه داشته‌اند. همین دایره‌های نورانی روی زمین را دنبال کن. نور تو را می‌کشاند تا انتهای بازار. جایی که زمین و آسمان به هم پیوند می‌خورند و تمام نور، تمام چشمان تو را پر می‌کند. از کوچه‌های با دیوارهای بلند کاه‌گلی عبور کن. اگر خسته شدی، روی سکوی کنار یک در چوبی کوتاه بنشین؛ دری که اگر باز شود، یک دالان می‌بینی و بعد از آن حیاطی با حوض آب و اتاق‌هایی گردآگرد حیاط و ایوانی با نرده‌های چوبی.

تا که نشستی، شاید دست پیرزنی با چادر نماز، پیاله‌ای از آب یا شربت به تو تعارف کند. دستش را رد نکن. پیرزن مادر است. محبت دارد. دلش می‌شکند. همین یک هفته پیش بود که پای گربه به گل‌دان شمعدانی پیرزن گرفت و شکست. دل پیرزن هنوز پی شمعدانی است.

و اما



پیش در آمد

تقریباً ده سال پیش و در حین تدریس در یکی از کلاس های دانشگاه فرهنگیان، یکی از دانشجو معلمان، بدون مقدمه پرسید: «من معلم در کلاس درس چه کاری باید انجام بدهم؟» نکته قابل توجه اینکه، در آن نیمسال و کلاس موردنظر، درس روش ها و فنون تدریس را ارائه می دادم، ولی جنس و مفهوم سؤال آن دانشجو چیزی فراتر از روش و چگونگی تدریس در کلاس درس بود.

صادقانه باید بگویم، آن لحظه نتوانستم پاسخ کامل و قانع کننده ای به این پرسش چالش برانگیز بدهم، ولی این سؤال باعث شد مدت ها به طور عمیق به موضوع فکر کنم و بیندیشم که من معلم در کلاس درس چه کاری باید انجام بدهم؟ آنچه در ادامه می خوانید، به نوعی با سؤال بالا مرتبط است. کوشیده ام با بررسی و تحلیل جایگاه، وظیفه و نقش معلم، تاحدودی به آن سؤال مشکل ولی آگاهانه پاسخ گویم. در این راستا و به طور عمده به ارتباط میان معلم و عنصر آگاهی پرداخته می شود.

مقدمه

انسان موجودی است که همواره در حال انتخاب و گزینش است. این ویژگی از قدرت اندیشه و تفکر متأثر است که مختص آدمی است. از همان صبح که از خواب بر می خیزیم، تا شبانگاه و به وقت خواب، در حال انتخاب کردن هستیم و این فرایند تا لحظه مرگ تداوم دارد. گزینش و انتخاب ما ممکن است در مورد مسائل کوچک و به ظاهر پیش پا افتاده باشد، همانند: چه صبحانه ای میل کنم؟ کدام کت و شلوار را بپوشم؟ از کدام مسیر به محل کار یا دانشگاه بروم؟ این هفته کدام کتاب را بخرم؟ برنامه سفر به کدام منطقه را بگذارم؟ و...

یا در خصوص موضوع های مهم و حیاتی همانند: کدام دانشگاه و رشته تحصیلی را انتخاب کنم؟ کدام معیار را برای گزینش شریک زندگی در اولویت قرار بدهم؟ فرزند خود را بر اساس کدام موازین تربیت کنم؟ و... نکته حائز اهمیت این است که هر انتخاب تبعات و پیامدهای خاص خود را دارد. با این تفاوت که شاید این تبعات در مورد مسائل پیش پا افتاده و روزمره اهمیت کمتری داشته باشد. برای مثال، نحوه رفت و آمد به محل کار چندان سرنوشت ساز و تعیین کننده نیست، ولی در خصوص مسائل مهم زندگی، همانند انتخاب همسر، نمی توان بی تفاوت ماند.

هر انتخاب و معیاری که در انتخاب ما تأثیرگذار باشد، در آینده و زندگی ما تعیین کننده است و پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت. با وجود این، در بسیاری مواقع، از انتخابی که کرده ایم پشیمان می شویم. برای نمونه، حسرت می خوریم که چرا این رشته تحصیلی را انتخاب کردیم و فلان رشته را نه! و اگر می دانستیم که شرایط کاری و امتیاز هر کدام چیست، مسلم است به این مسیر نمی آمدم و مسیر دیگری را بر می گزیدم. این موضوع شاید در ظاهر ساده به نظر برسد، ولی برخی انتخاب ها، زمانی که صرف آن ها کرده ایم و تعهدات و مسئولیت هایی که بر عهده گرفته ایم، فرصت بازگشت و جبران و انتخابی دیگر را از ما سلب می کنند. پس بهتر است از همان ابتدا انتخاب شایسته تری داشته باشیم.

(بخش نخست)

آگاه

معلم

جعفر چراغیان
دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

انتخاب

آگاهانه

انسان و آگاهی

آنچه اشاره شد (انتخاب صحیح) به وجود پیش شرط هایی منوط است. یکی از مهم ترین آن ها، درک انسان از تبعات انتخاب خود و بررسی پیامدها و نتایج آن است و این خود در گرو وجود آگاهی نزد اوست؛ با ذکر این نکته که آگاهی مفهومی پیچیده و موضوعی بغرنج است و در خصوص معنای آن اتفاق نظر کامل وجود ندارد.

در واقع، آگاهی از پیچیده ترین مفاهیم در فلسفه، روان شناسی و علوم اعصاب است و اگر چه همه ما تجربه آگاهی را داریم، اما تعریف دقیق و جامع از آن چالش برانگیز است. می توان ادعا کرد، آگاهی

گیج‌کننده‌ترین مسئله را در علم ذهن پیش روی ما می‌نهد. هیچ چیز وجود ندارد که شناخت ما از آن درونی‌تر از آگاهی باشد. در عین حال، هیچ چیزی نیست که تبیین آن دشوارتر از آگاهی باشد (چالمرز، ۱۳۸۹: ۵۱). شاید یکی از دلایل این پیچیدگی این باشد که تنها یک مسئله آگاهی وجود ندارد. آگاهی اصطلاحی چندپهلوست و به پدیده‌های فراوانی اشاره دارد. لازم است هر یک از این پدیده‌ها تبیین شوند؛ پدیده‌هایی همچون توانایی تشخیص، طبقه‌بندی، واکنش به محرک‌های محیطی، متمرکز کردن توجه و کنترل عامدانه رفتار (بلک‌مور، ۱۳۸۷: ۱). همچنین، این مفهوم در عرف فیلسوفان ذهن بر تجربه پدیداری شخص از حالت‌های ذهنی اطلاق می‌شود. برای مثال، تجربه پدیداری شخص از حالت درد یا خارش را آگاهی می‌نامند (پوراسماعیل، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

با وجود این همه پیچیدگی، می‌توان آگاهی را به طور ساده، توانایی دانستن و درک کردن رویدادها و تجربه‌ها دانست. این توانایی به ما اجازه می‌دهد از وجود خود، دنیای اطراف و افکارمان آگاه باشیم و طیف وسیعی از تجربه‌های ذهنی، از جمله احساس، ادراک، افکار و خاطرات را در بر می‌گیرد.

با وجود تفاوت معنایی در مورد این مفهوم، می‌توان تا حدودی به نشانه‌های وجود عنصر آگاهی در انسان‌ها اشاره کرد. انسان آگاه شرایط را درک می‌کند، خود و خواسته‌اش را می‌شناسد، پیامد هر رفتار و انتخاب خود را در نظر می‌گیرد، به بلوغ عقلی رسیده و قادر به کنترل احساس خود است، نگاه آینده‌نگر دارد و به مسائل انسانی و اخلاقی توجه می‌کند.

برآیند و خروجی رفتار چنین انسانی انتخابی است عاقلانه و با وجود آنکه عوامل متعددی در تصمیم‌گیری وی دخیل هستند، او مسیری را برگزیده و در آن قدم می‌گذارد که کمترین تبعات منفی را دارد و هر فرد و ناظر بی‌طرفی که به بینش حقیقی دست‌یافته باشد نیز بر درستی آن صحنه می‌گذارد. برای مثال، اگر من به عنوان نوجوان از خطرها و آسیب‌های اعتیاد آگاه شوم، به سادگی به طرف آن گرایش پیدا نمی‌کنم.

✱ معلم به مثابه انسان و جایگاه آگاهی نزد او

بسیاری از مکتب‌های تربیتی، معلم را به مثابه الگوی اسوه اخلاقی و فرهنگی در نظر می‌گیرند. برای مثال، در آرمان‌گرایی (ایدئالیسم) معلم به عنوان فردی بالغ، باید کسی باشد که برای خود به دیدگاهی فرهنگی دست یافته و مظهر ارزش‌ها باشد (گوته، ۱۳۸۹: ۴۴).

ضمن احترام به این دیدگاه و تأیید نقش و جایگاه معلم، باید به این نکته مهم توجه شود که معلم نیز در ابتدا انسان است؛ با همان ویژگی‌ها، احساسات و عاطفه. از این رو، همانند دیگر انسان‌ها، او نیز در حال گزینش و انتخاب از میان انتخاب‌های گوناگون است و البته احتمال خطا نیز در این میان وجود دارد. به بیان دیگر، در کلاس درس و در مواجهه با دانش‌آموزان و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون تحصیلی، آموزشی، اخلاقی، اجتماعی و... هر معلمی به انتخاب و قضاوت دست می‌زند و چه بسا بنا به دلایل گوناگون دچار خطا و لغزش شود. از این رو و تا جای ممکن باید تمهیداتی اندیشیده شوند تا احتمال خطای او کمتر شود و او موجه‌ترین و منطقی‌ترین تصمیم را بگیرد. برای حصول این مهم، وجود عنصر آگاهی در او نقشی تعیین‌کننده دارد و معلم آگاه، انتخابی آگاهانه خواهد داشت.

در ادامه و در بخش دوم مقاله، به ابعاد وجود آگاهی در معلم و حیطه کاری او اشاره می‌شود و این موضوع به صورت ملموس و کاربردی تحلیل و بررسی خواهد شد. ✱

منابع

۱. بلک‌مور، سوزان (۱۳۸۷). آگاهی. ترجمه رضا رضایی. فرهنگ معاصر. تهران.
۲. پوراسماعیل، یاسر (۱۳۸۸). نظریه‌های مرتبه‌عالی‌تر درباره آگاهی. مجله ذهن. شماره ۳۸.
۳. چالمرز، دیوید (۱۳۸۹). رویارویی با مسئله آگاهی. ترجمه مرضیه لطفی. مجله نقد و نظر. سال ۱۵، شماره ۱.
۴. گوته. جرال (۱۳۸۹). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. چاپ دهم. انتشارات سمت. تهران.

بررسی عنصر آگاهی در معلم و حرفه معلمی



* چکیده

یکی از مؤلفه های فرایند آموزشی که هوش مصنوعی می تواند در آن مفید و مؤثر واقع شود، ارزشیابی است. در این مقاله نخست ضرورت و سودمندی کاربرد هوش مصنوعی در ارزشیابی را بررسی می کنیم. سپس مفاهیم مرتبط با ارزشیابی از قبیل اندازه گیری، آزمون، آزمونه (چندگزینه ای)، سنجش و ارزشیابی، ارزشیابی آغازین، تکوینی، تشخیصی، تراکمی و تأییدی به صورت مقایسه ای و همچنین انواع آزمون و سؤال به صورت فهرست وار توضیح داده می شوند. در ادامه، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، یادگیری عمیق، هوش مصنوعی مولد و مدل های زبانی بزرگ، اصطلاح هایی هستند که نیاز است معلمان با آن ها آشنا شوند. در نهایت برای کاربرد هوش مصنوعی در ارزشیابی، استفاده از مدل های زبانی چت جی پی تی و کوپایلت، به همراه سکوی (پلتفرم) کنوا پیشنهاد هایی مطرح می شود.

کلیدواژه ها:

هوش مصنوعی، سنجش و ارزشیابی، کاربرد هوش مصنوعی در ارزشیابی

* مقدمه

امروزه چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه از آن آگاه باشیم و چه نباشیم، هوش مصنوعی به بخش جدایی ناپذیر زندگی ما تبدیل شده است. داشتن دانش و مهارت در هوش مصنوعی دیگر یک تجمّل نیست، بلکه یک ضرورت است تا بتوانیم همگام و همسو با تحولات پیش برویم. آموزش و یادگیری نیز در گستره این تحولات قرار گرفته و تحول در آموزش و پرورش امروزی، بدون ذکر نام هوش مصنوعی امکان پذیر نیست. در مرحله به مرحله فرایند آموزش و یادگیری می توان برای بهبود عملکرد و توسعه اهداف آموزشی از فناوری هوش مصنوعی بهره برد. یکی از این مراحل ارزشیابی های آموزشی است که به شکل های متفاوت در مراحل گوناگون آموزشی با اهداف خاص خود به اجرا در می آید. بخش اساسی و جدایی ناپذیر فرایند آموزشی، رویه نظارت و ارزشیابی

یادگیری

هوش مصنوعی

در ارزشیابی

کاربرد

دکتر حامد عباسی
پژوهشگر، نویسنده و مدرس تکنولوژی آموزشی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

آموزشی است که با هدف ارزیابی عملکرد، بهبود و پشتیبانی از فرایند یادگیری صورت می‌گیرد (کارل و همکاران، ۲۰۲۵).

امروزه مشکل و مسئله ارزشیابی‌ها این است که روش‌های سنتی و قدیمی با تغییر جهان و رشد متفاوت نسل‌های جدید، به‌طور فزاینده‌ای ناکارآمد شده‌اند. از سوی دیگر، نسل‌های زد و آلفا، فناوری را در زندگی روزمره خود گنجانده‌اند و از دستگاه‌های دیجیتال به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر زندگی خود استفاده می‌کنند. همچنین به دلیل کمبود منابع و زمان، امکان سنجش و ارزشیابی به‌صورت شخصی‌سازی شده، فراگیر، در فاصله‌های زمانی متعدد، به همراه ارائه نتیجه و بازخورد، زمان‌بر است و تصحیح (امتیازدهی) آزمون‌های شناختی و مهم‌تر از همه تحلیل آن‌ها تا حدی غیرممکن یا فرسایشی است. بنابراین، نیاز به تحول در ارزشیابی بسیار مشهود است. از همین رو هوش مصنوعی می‌تواند از مرحله طراحی تا تحلیل نتیجه مورد استفاده معلمان در کلاس درس قرار گیرد. کاربردهای هوش مصنوعی را می‌توان در زمینه‌های بسیاری مانند خودکارسازی مراحل ارزیابی، ارائه بازخورد به دانش‌آموزان در زمان درست، اجازه اصلاح سریع خطاها، فراهم کردن محیط یادگیری تعاملی‌تر و پویاتر، و فراهم کردن دسترسی به کلاس‌های درس مستقل از فضا احساس کرد (ییلماز و دنیز، ۲۰۲۴). ارزشیابی‌ها باید علاوه بر کلاس درس، توانایی دانش‌آموزان را در به‌کارگیری مهارت‌هایشان در دنیای واقعی نیز ارزیابی کنند (فلادی و همکاران، ۲۰۲۵). در این راستا، بیشتر پژوهش‌ها تأثیر مثبت ارزشیابی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را تأیید می‌کنند.

توضیح مفاهیم

در این قسمت نخست مفاهیم و تعریف‌های مرتبط با ارزشیابی و سپس هوش مصنوعی را شرح می‌دهیم.

اندازه‌گیری: عبارت است از فرایندی که تعیین می‌کند یک شخص یا یک شیء از یک ویژگی چه مقدار برخوردار است. آزمون: به مجموعه‌ای سؤال گفته می‌شود که غالباً به‌صورت کتبی برای پاسخ‌گویی در اختیار آزمون‌شوندگان قرار می‌گیرد.

آزمون: وقتی برای اندازه‌گیری یکی از ویژگی‌های روانی یا تربیتی فرد از آزمون استفاده می‌شود، به این عمل آزمون می‌گویند.

سنجش: فرایندی است که از طریق آن می‌توان اطلاعات

مورد نیاز درباره دانش، مهارت، عملکرد و توانایی‌های یادگیرندگان را گرد آورد. سنجش ممکن است با استفاده از ابزارهایی مانند آزمون، پروژه، تمرین و مشاهده انجام شود. هدف از سنجش فراهم کردن اطلاعات دقیق و معتبر درباره پیشرفت یادگیرندگان، شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها و کمک به بهبود فرایند آموزش و یادگیری است.

ارزشیابی: ارزشیابی در آموزش به فرایند نظام‌دار جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات حاصل از سنجش و سایر منابع، به‌منظور قضاوت در مورد تحقق اهداف، کیفیت، اثربخشی و تناسب برنامه‌های آموزشی، روش‌ها و نتایج یادگیری اطلاق می‌شود و به‌طور کلی هدف آن ارائه بازخورد برای بهبود آموزش، تصمیم‌گیری در مورد اصلاح برنامه‌های آموزشی و تضمین کیفیت آموزش است (سیف، ۱۳۹۰).

انواع ارزشیابی متداول در مدرسه‌ها به شرح جدول ۱ هستند:

جدول ۱. انواع ارزشیابی

نام ارزشیابی	هدف	زمان اجرا	نوع آزمون و سؤال
آغازین	اطمینان از تسلط بر پیش‌نیازها و تعیین نقطه شروع آموزش	آغاز آموزش (قبل از شروع آموزش)	آزمون‌های شناختی: انواع سؤال‌های صحیح-غلط، تطبیقی (چورکردنی)، چندگزینه‌ای، کامل‌کردنی (جاخالی)، کوتاه‌پاسخ، مرتب‌کردنی (اولویت‌بندی)، شناسایی، تشریحی، مفهومی، حل مسئله و ترسیمی. آزمون‌های عملکردی: نمونه کار، شبیه‌سازی، پروژه، عملکرد موقعیتی، پوشه کار، مشاهده رفتار (بازبینی، مقیاس درجه‌بندی یا واقعه‌نگاری). آزمون‌های سنجش عاطفی: پرسش‌نامه و مصاحبه.
تکوینی	رفع نقص‌ها و عیب‌های آموزشی و یادگیری	در طول فرایند آموزش	
تشخیصی	شناسایی و رفع مشکلات اساسی یادگیری در موارد خاص	در طول فرایند آموزش	
تراکمی	قضاوت درباره تحقق اهداف آموزشی یا اثربخشی آموزش، تعیین وضعیت ارتقای فراگیرندگان	پایان دوره آموزشی	
تأییدی	قضاوت در مورد اثربخشی آموزش و پایداری یادگیری	حدود شش تا یک سال بعد از خاتمه آموزش	

هوش مصنوعی: حوزه گسترده‌ای است که شامل فن‌ها و فناوری‌های متعددی می‌شود که هدف آن‌ها ایجاد ماشین‌ها یا نرم‌افزارهایی است که قادر به انجام وظایفی هستند که به‌طور معمول به هوش انسانی نیاز دارند. در هسته خود، هوش مصنوعی شامل توسعه الگوریتم‌ها و مدل‌هایی است که می‌توانند از داده‌ها یاد بگیرند، الگوها را شناسایی کنند و تصمیم‌گیری یا پیش‌بینی کنند.

یادگیری ماشین^۲: زیرمجموعه‌ای از هوش مصنوعی است که بر توسعه الگوریتم‌هایی تمرکز دارد که می‌توانند به‌طور خودکار عملکرد خود را از طریق تجربه بهبود بخشند. به عبارت دیگر، سامانه‌های یادگیری ماشین، بدون اینکه به‌طور صریح برای انجام این کار برنامه‌ریزی شده باشند، از داده‌ها یاد می‌گیرند.

یادگیری عمیق^۳: زیرمجموعه‌ای از یادگیری ماشین که برای پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شبکه‌های عصبی مصنوعی متکی است. یادگیری عمیق به‌ویژه در کارهایی مانند تشخیص تصویر و گفتار، پردازش زبان طبیعی و بازی موفق بوده است.

شبکه‌های عصبی^۴: شبکه‌های عصبی مصنوعی مدل‌هایی محاسباتی هستند که از ساختار و عملکرد مغز انسان الهام گرفته شده‌اند. این شبکه‌ها از لایه‌های به‌هم‌پیوسته گره‌ها «یا پی‌یخته‌ها (نورون‌ها)» تشکیل شده‌اند که می‌توانند اطلاعات را پردازش و منتقل کنند.

هوش مصنوعی مولد^۵: این هوش مصنوعی نوعی یادگیری عمیق است. «مولد» به مدل‌ها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی اشاره دارد که برای تولید محتوا یا داده‌های جدیدی طراحی شده‌اند که به داده‌های آموزشی مشابه (اما نه به‌طور کامل) هستند. این موضوع



شامل فناوری‌هایی می‌شود که به تولید متن، تصویر، موسیقی و سایر شکل‌های رسانه، با یادگیری از مجموعه داده‌های گسترده، قادرند. این سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند بر اساس الگوهایی که آموخته‌اند، خروجی‌هایی واقع‌گرایانه و خلاقانه ایجاد کنند و در برنامه‌هایی مانند گپ‌بات‌ها، تولید محتوا و طراحی به کار روند.

مدل‌های زبانی بزرگ: مدل‌های زبانی نوعی هوش مصنوعی مولد هستند که بر مجموعه داده‌های عظیم آموزش دیده‌اند و آن‌ها را قادر می‌سازند به سؤال‌های انسانی، پاسخ‌های متنی شبیه انسان تولید کنند.

* ابزارهای پیشنهادی برای کاربرد

برای طراحی سؤال‌های تشریحی کوتاه پاسخ، مفهومی و حل مسئله از مدل‌های زبانی بزرگ همچون چت‌جی‌پی‌تی، کوپایلت، جمنا و مدل‌های مشابه استفاده کنید. بهترین کار این است که فایل پی‌دی‌اف صفحه‌های مربوط به کتاب درسی را با استفاده از نرم‌افزارهایی مثل «فاکسیت ادونس پی‌دی‌اف ادیتر»^۷ جدا و آن‌ها را در مدل زبانی بارگذاری کنید. سپس با یک دستور و خواسته (پرامپت) مناسب که شامل نام درس، موضوع، پایه، نوع سؤال، سطح سؤال، تعداد سؤال و سایر موارد است، طراحی سؤال‌ها را درخواست کنید. با اندکی ویرایش می‌توانید در کلاس خود از سؤال‌هایی که مدل تولید کرده است، استفاده کنید. در ادامه نمونه دستور داده‌شده به چت‌جی‌پی‌تی و سؤال طراحی شده را مشاهده می‌کنید:

نمونه دستور: سؤالی مفهومی از درس علوم تجربی، موضوع فشار، پایه نهم، از نوع سؤال‌های تشریحی، در سطح ترکیب از طبقه‌بندی بلوم، به تعداد سه سؤال طراحی کن.

نمونه سؤال: با استفاده از تعریف فشار، توضیح دهید چرا دیواره سدها در قسمت پایه ضخیم‌تر از قسمت بالای سد است. چگونه فشار آب در عمق‌های متفاوت باعث ایجاد این تغییرات در طراحی سد می‌شود؟ همچنین، ارتباط این پدیده را با مفهوم فشار و سطح تماس توضیح دهید.

برای طراحی سؤال‌های چهارگزینه‌ای تعاملی با قابلیت کلیک، کوپایلت ابزاری بسیار مفید و در دسترس است. نخست طبق بند الف فایل موردنظر را در مدل بارگذاری کنید و دستور مناسب مانند نمونه زیر را بنویسید.

نمونه دستور: یک فایل پی‌دی‌اف کتاب درسی بارگذاری کردم. یک آزمون ده سؤالی، از درس

فیزیک دهم، با موضوع فشار در شاره‌ها، به صورت چندگزینه‌ای (تستی)، در سطح دانش و کاربرد از طبقه‌بندی بلوم، طراحی کن. به شرطی که به صورت کد اچ‌تی‌ام‌ال باشد. هر سؤال دو نمره داشته باشد. دکمه پایان آزمون هم داشته باشد. در پایان آزمون، پس از کلیک روی دکمه پایان آزمون، نمره آزمون‌شونده نشان داده شود. یک زمان سنج ده دقیقه‌ای وجود داشته باشد که در طول آزمون زمان را نشان دهد. جواب درست بعد از انتخاب پاسخ، به کاربر نشان داده شود. یک توضیح مختصر هم در مورد جواب آزمون بنویس. چون کاربر پس از انتخاب جواب را دیده است، تا پایان آزمون اجازه تغییر گزینه انتخابی را نداشته باشد. چپ‌نش برای زبان فارسی رعایت شود.

پس از ارسال دستور، کوپایلت یک کد تولید می‌کند. از سمت راست، قسمت بالا، با استفاده از ابزار Copy آن را رونویسی کنید. سپس یک فایل نت‌پد باز و در آن الصاق کنید. از طریق فهرست File گزینه Save as آن را با در قالب «html» نام ذخیره کنید. حواستان باشد پسوند پیش فرض txt است که باید تغییرش دهید. اکنون فایل کد را با یک مرورگر باز کنید (یا با کشیدن و انداختن در محیط کروم آن را اجرا کنید). سؤال‌ها مطابق شکل‌های ۱ و ۲ اجرا خواهند شد و شما می‌توانید به صورت آزمایشی به آن‌ها پاسخ دهید و نمره خود را مشاهده کنید.



پس از اطمینان از صحت اجرا، فایل کد را که همان فایل آزمون است، در گروه کلاسی شاد بارگذاری و از دانش‌آموزان درخواست کنید آزمون بدهند و نمره خود را اعلام کنند (متذکر شوید که با یک مرورگر آن را باز کنند).

در صورتی که قصد دارید سؤال‌ها را چاپ و آزمون را به صورت سنتی اجرا کنید، با یک پرامپت مانند متن نمونه، درخواست خود را عملیاتی کنید.

نمونه پرامپت: یک فایل پی‌دی‌اف کتاب درسی بارگذاری کردم. یک آزمون ۲۰ سؤالی، از درس فیزیک دهم، با موضوع فشار در شاره‌ها، به صورت چهارگزینه‌ای (تستی)، در سطح متوسط طراحی کن. گزینه‌ها با حروف الفبای فارسی مشخص شوند و اول هر گزینه یک مربع کوچک قرار بگیرد. چون می‌خواهم آن را چاپ کنم، گزینه‌ها را در یک ردیف دو تا دو تا بنویس. همه را از راست به چپ بنویس. شماره سؤال را هم اول هر سؤال بنویس که یک خط جا نگیرد. همچنین، بین سؤال‌ها خط نکش. عدد شماره‌ها را فارسی کن. در آخر پاسخ‌ها را هم بنویس.

پاسخ مدل زبانی چنین است که می‌توانید آن را در برنامه word ویرایش و چاپ کنید. مطابق شکل ۳ (الف)، سؤال با چت‌جی‌پی‌تی و شکل ۳ (ب) با کوپایلت طراحی شده است.



در کنار قابلیت‌های فراوان سکوی (پلتفرم) کنوا، از قبیل طراحی گرافیکی برخط، امکان خلق پوستر، پرده‌نگار، فرسته (پست) رسانه‌های اجتماعی، برای طراحی کارت وازمه‌سازی کتاب فارسی دوم ابتدایی می‌توانید از آن استفاده کنید. پس از ورود به وبگاه و ثبت‌نام در آن، از بخش‌های رایگان آن در آموزش استفاده کنید. دو بخش قالب‌های آماده و هوش مصنوعی کنوا قسمت‌های مهم آن هستند. از هوش مصنوعی برای طراحی سؤال هم می‌توانید استفاده کنید. فقط لازم است دستور موردنظر را بنویسید و ویرایش لازم را با استفاده از ویرایشگر کنوا انجام دهید (شکل ۴).

نتیجه‌گیری

ارزشیابی با اجرای آزمون‌های متناسب با ویژگی‌های یادگیرندگان (با کمک هوش مصنوعی)، آن‌ها را با سؤال‌های متناسب سطح خودشان و با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی شخصی شده می‌آزماید. همچنین، ابزارهای هوش مصنوعی به عنوان ابزار صرفه‌جویی از نظر زمان فرایند طراحی، تصحیح و تحلیل آزمون‌ها، به معلمان کمک کنند. هوش مصنوعی با نمردهی و بازخورد آنی و خودکار، با انجام فرایندی تعاملی با دانش آموز، می‌تواند اطلاعات بیشتری در اندازه‌گیری مهارت‌های شناختی به دست آورد و زمینه را برای ایجاد پیشرفت در آموزش فراهم کند (بیلماز و دنیز، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، هوش مصنوعی با تحلیل احساسات و حالت‌های روحی و روانی، امکان کسب اطلاعات بیشتر در مورد دانش آموز را فراهم می‌کند. برای نمونه، با ارائه تصویرهای متعدد از دانش آموزان به مدل زبانی مثل چت‌جی‌پی‌تی، می‌توان وضعیت روحی و فیزیکی آن‌ها را تفسیر کرد. این فناوری ظرفیت ایجاد نوآوری‌های بسیار مفید را برای افراد با نیازهای ویژه نیز دارد. برای مثال، دستیاران مجازی می‌توانند در پشتیبان خواندن برای دانش آموزان مبتلا به نارساخوانی باشند. با این حال هنوز درباره اطمینان و اعتبار طراحی، تحلیل، نمره‌گذاری و همسویی با اهداف درسی آزمون‌های مبتنی بر هوش مصنوعی نگرانی وجود دارد. ارزیابی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی باید مکمل روش‌های سنتی در نظر گرفته شوند. هدف جایگزینی کامل آن‌ها با روش‌های متداول نیست، چرا که این آزمون‌ها باید به صورت کنترل‌شده استفاده شوند.

پی‌نوشت‌ها

1. Karl
2. Machine learning
3. Deep learning
4. Artificial neural networks (ANN)
5. Generative AI
6. Large language models (LLMs)
7. Foxit advanced pdf editor

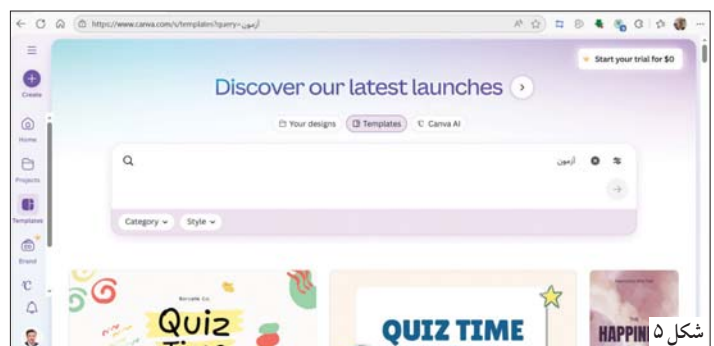
منابع

1. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۵). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. نشر دوران. تهران.
2. Feladi, V., Oktarika, D., Hakiki, M., Sabir, A., Wiyoko, T., Kadir, A., ... & Fadli, R. (2025). Effectiveness of AI-Driven Assessments in Enhancing Learning Evaluation through Predictive Technology in Vocational Secondary School. International Journal of Information and Education Technology, 15(7). DOI: 10.18178/ijiet.2025.15.7.2342.
3. Karl, Molnr, G., Cserk, J., Orosz, B., & Nagy, E. (2025). Supporting the Pedagogical Assessment Process in Educational Institutions with Social Background Data Analysis and WTCaI System Integration. In 2025 IEEE 23rd World Symposium on Applied Machine Intelligence and Informatics (SAMI) (pp. 000071-000076). IEEE. DOI: 10.1109/SAMI63904.2025.10883326
4. Y Imaz, K., & Deniz, K. Z. (2024). Natural Language Processing and Machine Learning Applications For Assessment and Evaluation in Education: Opportunities and New Approaches. Journal of Measurement and Evaluation in Education and Psychology, 15(4), 421-445. https://doi.org/10.21031/epod.1551568



شکل ۴

اما برای طراحی کارت‌های واژه‌ساز، از طرح‌های آماده استفاده و طرح خود را روی آن اجرا کنید. مادر اینجا کارت‌های مسابقه واژه‌سازی را برای دانش آموزان دوم ابتدایی طراحی کردیم که بخشی از محتوای درس فارسی است و بچه‌ها با آن‌ها واژه‌ها را به صورت مسابقه‌ای یاد می‌گیرند. برای این کار از بخش قالب‌های آماده با جست‌وجوی کلمه «آزمون»، «تست» یا «کوئیز»، با انتخاب دسته و سبک، طرحی را انتخاب و ویرایش لازم را انجام دادیم (شکل‌های ۵ و ۶).



شکل ۵



شکل ۶



شکل ۷

در نهایت با گزینه Share به صورت فایل متنی در قالب پی‌دی‌اف یا فایل تصویری در قالب PNG از آن خروجی گرفتیم. این کارت‌ها را می‌توان چاپ کرد و در اختیار دانش آموزان قرار داد تا مسابقه را شروع کنند. دو نمونه کارت طراحی شده را در شکل ۷ مشاهده می‌کنید.

معلم



* چکیده

در دنیای امروز، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی موفقیت در زندگی فردی و حرفه‌ای شناخته می‌شوند. این مقاله ارتباط بین مهارت‌های تعاملی معلمان و توسعه این مهارت‌ها در دانش‌آموزان را بررسی می‌کند و با تحلیل روش‌ها و راهبردهای مؤثر نشان می‌دهد که معلمان با استفاده از مهارت‌های ارتباطی خود چگونه می‌توانند محیطی ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را تقویت کنند.

این مقاله نقش محوری و ساختاری مهارت‌های تعاملی معلم را در شکل‌دهی و توسعه نظام‌مند شایستگی‌های اجتماعی و عاطفی^۱ (اس‌ای‌ال) در دانش‌آموزان بررسی می‌کند. تقویت عامدانه این مهارت‌ها در کارکنان آموزشی، نه یک مهارت نرم، بلکه یک نقطه اهرمی راهبردی برای افزایش تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و موفقیت‌های بلندمدت دانش‌آموزان در قرن حاضر است.

* مقدمه

دانیل گلمن، از محققان تحول‌آفرینی آموزشی، بر اهمیت هوش هیجانی در موفقیت فردی تأکید و بیان کرده است که «توانایی درک احساسات خود و دیگران، کلید موفقیت در زندگی است». بر همین اساس، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی و توانایی‌هایی مانند خودآگاهی، همدلی، مدیریت هیجان و مهارت‌های ارتباطی، برای موفقیت در زندگی ضروری‌اند. در این راستا، معلمان در توسعه این مهارت‌ها نقش کلیدی دارند. این مقاله چگونگی تأثیر مهارت‌های تعاملی معلمان بر رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان را بررسی می‌کند.

* تعریف مهارت‌های اجتماعی و عاطفی

مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها اطلاق می‌شود که فرد را قادر می‌سازند با دیگران به‌طور مؤثر تعامل کند و احساسات خود را مدیریت کند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

- / خودآگاهی: توانایی شناسایی و درک احساسات خود؛
- / همدلی: توانایی درک احساسات دیگران؛
- / مدیریت هیجانات: توانایی کنترل و هدایت احساسات؛
- / مهارت‌های ارتباطی: توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران.

* اهمیت مهارت‌های تعاملی معلمان

جان دیویی، از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان آموزشی، بر اهمیت تجربه‌های اجتماعی در یادگیری تأکید کرده و گفته است: «آموزش باید بر اساس تجربه‌های واقعی باشد که شامل تعاملات اجتماعی است.» برخی از مدرسه‌های پیشرفته برنامه‌هایی را اجرا کرده‌اند که بر توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی تمرکز دارند. برای مثال، مدرسه‌های «اس‌ای‌ال» برنامه‌هایی را برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به دانش‌آموزان طراحی کرده‌اند که در آن‌ها مطالعه و الگوبرداری از این طرح‌ها مفید فایده خواهد بود.

مهارت‌های تعاملی معلمان در توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان نقش بسزایی دارند. با ایجاد فضایی حمایتی و استفاده از روش‌های تدریس مشارکتی، معلمان می‌توانند این مهارت‌ها را تقویت کنند. بنابراین، آموزش معلمان در زمینه مهارت‌های تعاملی باید به‌عنوان

اولویت نظام آموزشی در نظر گرفته شود. تعاملات اجتماعی بخشی از مهارت‌های تعاملی و شامل توانایی‌هایی هستند که معلمان را قادر می‌سازند با دانش‌آموزان، والدین و همکاران به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند. این مهارت‌ها شامل چنین مواردی هستند:

- / گوش دادن فعال: توانایی شنیدن و درک دقیق نظرات دیگران؛
- / تسهیل گفت‌وگو: ایجاد فضای مناسب بحث و تبادل نظر؛
- / مدیریت کلاس: توانایی حفظ نظم و کنترل رفتارهای دانش‌آموزان.

* پیوند علی میان تعامل معلم و توسعه اس‌ای‌ال

تحقیقات نشان می‌دهند، معلمانی که مهارت‌های تعاملی قوی دارند، می‌توانند به توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان کمک کنند. در واقع، مهارت‌های تعاملی معلم به‌طور مستقیم بر پنج حوزه اصلی اس‌ای‌ال تأثیر می‌گذارند:

توانایی درک احساسات خود و دیگران، کلید موفقیت در زندگی است

طرح‌واره تعامل معلم: تسهیل‌کننده شایستگی‌های اجتماعی عاطفی

زهرا سادات الطافی
دکترای مدیریت رسانه

/ بعد غیرکلامی: مدیریت حرکت‌های بدنی^۱، استفاده مؤثر از تماس چشمی^۲ و زبان مکان^۳ برای ایجاد حس برابری و دسترس‌پذیری.

براساس نظریه یادگیری اجتماعی^۴، وقتی معلم از این مهارت‌ها به‌صورت مؤثر و پایدار استفاده می‌کند، دانش‌آموز یک مدل‌سازی شناختی — رفتاری را درونی می‌کند که منبای تعامل اجتماعی آینده او خواهد بود.

* دلالت‌های مدیریتی و عملیاتی

برای حصول اطمینان از اینکه معلمان به‌عنوان کاتالیزگرهای اس‌ای‌ای عمل می‌کنند، مدیران و نهادهای بالادستی باید چند اقدام را انجام دهند:

/ اولویت‌بندی آموزشی: گنجانیدن دوره‌های تخصصی «ارتباطات میان‌فردی در کلاس درس» و «هوش هیجانی تربیتی» در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، به جای تمرکز صرف بر دانش محتوایی.

/ ابزار سنجش دقیق: توسعه ابزارهای ارزشیابی عملکرد معلم که صرفاً بر موفقیت‌های تحصیلی متمرکز نباشند، بلکه توانایی معلم در ایجاد فضای مشارکتی و توسعه مهارت‌های عاطفی را نیز بسنجند.

/ فرهنگ سازمانی: ایجاد نوعی فرهنگ مدرسه‌ای که در آن اشتباه‌های تعاملی به‌عنوان فرصت‌های یادگیری معلم و دانش‌آموز تلقی شوند، نه به‌عنوان شکست‌های قابل تنبیه.

* چند پیشنهاد عملی و مثال راهبردی

/ فعالیت‌های شروع روز و کلاس

شروع هر جلسه با تمرکز بر وضعیت عاطفی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند از فضای خارج از کلاس جدا شوند و ذهن خود را برای یادگیری آماده کنند.

/ دماسنج عاطفی یا «حال خوب»

از دانش‌آموزان بخواهید با استفاده از یک مقیاس ساده (مثلاً ۱ تا ۵ یا از طریق شکلک‌ها)، وضعیت عاطفی خود را در ابتدای روز یا درس مشخص کنند.

/ دو کلمه، یک احساس

از دانش‌آموزان بخواهید با استفاده از دو کلمه، آنچه را در مورد موضوع درس، تکلیف‌ها یا زندگی روزمره احساس می‌کنند، بیان کنند (مثلاً کنجکاو و مضطرب یا آماده و آرام).

/ طوفان فکری درباره «سناریوهای

اخلاقی عاطفی»

سناریوهای کوتاهی مطرح کنید که

معمار تعامل

/ تعامل معلم خودآگاهی^۱: معلم با به‌کارگیری زبان توصیفی برای نامیدن هیجان دانش‌آموز (می‌بینم که از این شکست ناامید شدی)، به او کمک می‌کند حالت‌های عاطفی خود را شناسایی و برچسب‌گذاری کند.

/ مدیریت خود^۲: پاسخ‌های آرام و غیرتهاجمی معلم به رفتارهای مخرب، الگوی تنظیم هیجان را ارائه می‌دهد و دانش‌آموز می‌آموزد به جای واکنش‌های تکانشی، پاسخ‌های سنجیده نشان دهد.

/ آگاهی اجتماعی^۳: معلم با استفاده مستمر از همدلی کلامی در مواجهه با مشکلات دانش‌آموزان، مدل درک چشم‌انداز دیگران و نشانه‌های اجتماعی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

/ مهارت‌های ارتباطی^۴: فراهم کردن فرصت‌های گفت‌وگوی دوطرفه و دادن بازخورد سازنده و غیرانتقادی، در عمل مهارت‌های گوش‌دادن فعال و مذاکره در محیط امن را پرورش می‌دهد.

/ تصمیم‌گیری مسئولانه^۵: شامل ارزیابی موقعیت‌ها، شناسایی راه‌حل‌های بالقوه، پیش‌بینی پیامدها و ارزیابی اعتبار اطلاعات است.

* معلم به‌مثابه معمار تعامل^۶

نظام‌های آموزشی موفق، معلم را صرفاً به‌عنوان متخصص محتوا تلقی نمی‌کنند، بلکه او را معمار اصلی فضای تعاملی کلاس می‌دانند. مهارت تعامل معلم پدیده‌ای پیچیده است شامل:

/ بعد کلامی: وضوح گفتار، تنوع لحنی، ارائه بازخورد تقویتی^۷ و پرسشگری سقراطی.



شامل یک درگیری اخلاقی یا عاطفی باشد. مثلاً «اگر بهترین دوست در انجام تکلیف از تو تقلب بخواهد، چه احساسی پیدا می‌کنی و چه می‌گویی؟» و دانش‌آموزان را به گروه‌های کوچک تقسیم کنید تا در مورد احساسات و انتخاب‌های متفاوت صحبت کنند و راهکارهای مبتنی بر شفقت و قاطعیت را بررسی کنند.

تکمیل جمله‌های عاطفی

از دانش‌آموزان بخواهید جمله‌های نیمه‌کاره مرتبط با عواطف و درس را کامل کنند. مثلاً وقتی در مورد این بخش از درس [سخت] فکر می‌کنم، احساس [ناامیدی/چالش‌پذیری] می‌کنم، چون...

نتیجه‌گیری

توسعه مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموز، شرط لازم برای بقا و موفقیت در محیط‌های کاری آینده است. این مهم، نه با افزودن یک واحد درسی، بلکه از طریق بهبود کیفیت و عمق تعامل روزمره در کلاس درس، توسط معلمانی توانمند محقق می‌شود. تقویت مهارت‌های تعاملی معلم، سرمایه‌گذاری زیربنایی روی شایستگی‌های آینده‌ساز دانش‌آموزان است و باید به عنوان یک اولویت راهبردی در دستور کار مدیران آموزشی قرار گیرد. در نهایت اینکه در تدریس مبتنی بر عاطفه، در واقع شما دانش‌آموزان را تشویق می‌کنید از ابعاد درونی خود به عنوان بخشی از محتوای یادگیری استفاده کنند. این امر مستلزم آن است که خود معلم نیز با حساسیت و گوش‌دگی به این تعاملات بپردازد. برای تحقق این مهم، دوراهکار برای همکاران محترم اثرگذار خواهد بود:

برگزاری کارگاه‌های آموزشی: معلمان می‌توانند در کارگاه‌هایی شرکت کنند که مهارت‌های اجتماعی را تقویت کنند و شامل فعالیت‌های گروهی و بازی‌های آموزشی باشند.

استفاده از روش‌های مشارکتی تدریس: استفاده از روش‌هایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه یا یادگیری گروهی می‌تواند به تقویت تعامل اجتماعی کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Social Emotional Learning - SEL
2. Self-Awareness
3. Self-Management
4. Social Awareness
5. Relationship Skills
6. Responsible decision-making
7. Interaction Architect
8. Reinforcement
9. Kinesics
10. Oculesics
11. Proxemics
12. Social Learning Theory

منابع پیشنهادی

۱. هوش اجتماعی. دانیل گولمن، ترجمه حمیدرضا بلوچ، انتشارات پندار تابان، ۱۳۹۹.
۲. تجربه و طبیعت، جان دیویی، ترجمه یاسر اسماعیل‌پور، انتشارات بیدگل، ۱۴۰۲.
۳. کیفیت تعامل معلم، دانش‌آموز و احساس موفقیت، پروانه هادی‌زاده و محمد تقی‌پور، انتشارات فروغ سیم‌غ، ۱۴۰۳.

دانش‌آموزان

و

والدین

مبسوط در پایان انشای بچه‌ها هم استفاده می‌کردم. هر نوشته‌ای پیام خاصی داشت. بیشتر به دنبال آموزش هدف منحصر به فردی بودم.

بعدها نامه‌نگاری به دانش‌آموزان را، بدون اینکه بای حرفی در میان باشد، توسعه دادم. در هر نوشته، دنبال ارتباط‌گیری، ایجاد انگیزه و حتی تذکر اخلاقی نرم و لطیف و خیلی نکات دیگر بودم.

بچه‌ها این نامه‌ها را خیلی دوست داشتند و اگر بین نامه یک دانش‌آموز با نامه بعدی اش فاصله می‌افتاد، به‌شخصه پیگیر ماجرا می‌شد و می‌پرسید چرا مدتی است دیگر به او نامه نمی‌نویسم. برای رفع این معضل، فهرستی درست کردم که تاریخ و دلیل نگارش نامه در آن قید می‌شد. سعی می‌کردم حتی اگر کار خاصی با دانش‌آموزی ندارم، بهانه‌ای پیدا کنم و نامه جدیدی برایش بفرستم تا بیشتر از حد ممکن، چشم‌انتظار رسیدن نامه جدید نباشد.

به‌مرور زمان این قبیل نامه‌نگاری‌ها را به حوزه پدران و مادران هم کشاندم. در این نامه‌ها، علاوه بر ایجاد ارتباط عاطفی و بیان برخی نکته‌های نیازمند یادآوری تربیتی اخلاقی، گزارش پیشرفت تحصیلی بچه‌ها را هم به والدینشان دادم که پدران و مادران خیلی هم استقبال کردند؛ به‌ویژه والدینی که سطح دانش بالاتری داشتند، نسبت به وقتی که برای هر نامه تهیه می‌شد، وقوف بیشتری داشتند و به انحای گوناگون این کار مرا می‌ستودند و ضمن مقایسه با کار معلمان دیگر، اذعان می‌کردند ارزش کار مرا می‌فهمند.

اکنون که فناوری‌های آموزشی توسعه پیدا کرده است، روش‌های دیگری هم به‌صورت رسمی و غیررسمی توسعه پیدا کرده‌اند. برای مثال در برخی از ایالت‌های کانادا، معلمان موظف‌اند از وضعیت درسی، اخلاقی و آموزشی دانش‌آموزان خود به‌طور مرتب گزارش‌هایی را به والدین در رایانامه بفرستند. اکنون در اکثر کشورها و حتی ایران هم استفاده از پیام‌رسان‌ها برای ایجاد ارتباط با پدران و مادران، به روشی شایع تبدیل شده است؛ هر چند اگر مصوبه و خواسته‌ای سازمانی وجود نداشته باشد، قابلیت، خواسته و وقت‌گذاری معلمان اثرگذارتر خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. در مورد ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان، در مقاله‌ای با عنوان در جست‌وجوی ترقی، نکاتی را نوشته‌ام که با جست‌وجو در اینترنت می‌توانید آن را بخوانید.

دکتر مرتضی مجدفر
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

اغلب بچه‌ها گزارش‌هایی در حد سه چهار صفحه نوشته بودند که بسیار ساده و گذرا بود. من گزارش‌م را در ۲۲ صفحه کاغذ آ ۴ با حاشیه خط‌کشی شده و با خودکار مشکی نوشته و تقریباً به همه چیز دقت کرده بودم.

وقتی زنده‌یاد ترقی نوشته‌هایمان را برگرداند، به ورق‌های من یک صفحه ۴۲ ضمیمه کرده و حرف‌هایش را نوشته بود. هنوز بعد از گذشت نزدیک پنج دهه، گزارش مذکور و نظرهای ایشان را با افتخار نگه داشته‌ام. وی حرف‌های زیادی نوشته بود که هر کدام مهم بودند، ولی در نوشته ایشان جمله‌ای وجود داشت که چون شعله‌ای وجود مرا به آتش کشید: «تیزبینی و دقت شما شگفت‌زده‌ام کرد. من در وجود شما، علاوه بر عشق معلمی، پژوهشگری را هم مشاهده می‌کنم و امیدوارم شما را در کسوت یک پژوهشگر و نویسنده آموزشی ببینم.»

بعد از آنکه معلم شدم، سعی کردم این شیوه را در پایان تکلیف‌ها، گزارش‌ها و حتی ورق‌های امتحانی بچه‌ها به کار ببرم. سال‌ها بعد از آن زمان، از اواسط دهه هفتاد، از این شیوه، البته با روش ساده، با عنوان بازخورد دادن به دانش‌آموزان یاد شد.

دانش‌آموزان من عاشق این نوشته‌ها بودند و غالباً دنبال جمله‌های مثبت و انگیزشی در نوشته‌ها بودند و آن‌ها را به همدیگر نشان می‌دادند. از این نوشته‌ها به‌صورت

یکی از کارهایی که استاد فیزیک‌مان، محمود ترقی، در تربیت معلم انجام می‌داد دست‌نوشته‌هایی بود که در پایان گزارش‌های آزمایشگاهی، بررسی کتاب، گزارش بازدیدها و در یک کلام تکلیف‌مان، می‌نوشت و غالباً بیش از یک صفحه بود. برای نمونه، کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره راهنمایی را بر اساس بخش‌ها و فصل‌ها به هر کدامان داده و گفته بود قسمت تعیین شده را نقد و بررسی کنیم و علاوه بر برجستگی‌ها و کاستی‌های همان بخش، روش تدریس پیشنهادی خودمان را هم بنویسیم. حتی گفته بود در مورد اثرگذاری تصویرها و نمودارها هم بحث کنید.



یازده چالش

آموزشی

تربیتی

و

راهکارهای

آن

دکتر مختار ذاکری
دانشیار و عضو هیئت علمی
دانشگاه، فرهنگیان هرمزگان

در دنیای امروز، برخورداری همه انسان‌ها از آموزش با تأکید بر نقش اساسی معلمان در ارتقای کیفی آموزش بسیار مورد توجه است (پاکدل، شهرکیپور و فرزانه، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۱). بی تردید نیروی انسانی و توانمندی آن، پس از نیازهای سخت‌افزاری وزارت آموزش و پرورش، نقش مهمی بر موفقیت‌های آموزشی کشور دارند. اگر کارکنان این نهاد، به‌ویژه معلمان، از نظر کمی و کیفی از استانداردهای مناسب برخوردار باشند، می‌توانیم در چارچوب برنامه‌ریزی دقیق، فرهنگ ایرانی اسلامی را به‌عنوان الگوی منطقه و جهان عرضه کنیم (باقری مجد و مهرعلیزاده، ۱۳۹۲: ۱۳-۱). لذا لازم است تا حد امکان بر توانمندی‌ها و آگاهی‌های معلم در خصوص چالش‌های کلاس درس بیفزاییم. در این نوشتار به دنبال ارائه چالش‌های آموزشی و تربیتی و راهکارهای اجرایی مقابله با آن‌ها، مبتنی بر تجربه‌های زیسته کلاس‌های درسی دوره ابتدایی هستیم. از این رو، ۱۱ مورد از چالش‌های رایج آموزشی و تربیتی در کلاس درس را در سه سطح مطرح و راهکارهایی پیشنهاد می‌کنیم:

* چالش‌های اخلاقی دانش‌آموزان در کلاس درس

/ دانش‌آموز دروغ می‌گوید.

راهکارها

/ مفهوم واقعیت را به کودک بیاموزیم: دانش‌آموزی که به دروغ‌گویی عادت دارد، تحت تأثیر چنین اعمالی در محیط خود قرار می‌گیرد و از این کار خود احساس لذت دارد. پس معلم وظیفه دارد واقعیت را به دانش‌آموز نشان دهد و دروغ‌گویی را کاری ناپسند معرفی کند و دانش‌آموز را به سمت درک واقعیت تشویق کند.

/ الگوی رفتاری خوبی برای کودک باشیم و راست‌گویی را تقویت کنیم: همواره بکوشیم الگوی مناسبی برای دانش‌آموز باشیم تا دانش‌آموز صفت‌های اخلاقی را در رفتار ما پیدا کند و برای تقلید درست سعی کند. همچنین بکوشیم صفت‌های اخلاقی مانند راست‌گویی را تقویت کنیم.

/ با رفتارهای نسنجیده خود باعث دروغ‌گویی کودک نشویم: یکی از هشدارهای جدی در این مورد این است که گاهی معلم با اعمال فشارهای شدید و تهدیدکننده باعث دروغ‌گفتن دانش‌آموز می‌شود و دانش‌آموز طبق همان رفتار معلم واکنش نشان می‌دهد. پس معلم نباید باعث این کار ناپسند شود. مثلاً فشار و تهدید برای حل تکلیف و ...

/ تنبیه نباید آن‌قدر سخت باشد که کودک ترجیح دهد دروغ بگوید.

/ دانش‌آموز بددهنی می‌کند و فحش می‌دهد.

راهکارها

/ الگوی خوبی باشیم: از آنجا که معلم الگوست، پس باید با نحوه تعامل و حرف‌زدن درست با دانش‌آموز آشنایی کامل داشته باشد. توهین و بددهنی معلم می‌تواند زمینه بددهنی را در فراگیرنده شکل دهد.

/ بیش از حد به بددهنی یا ناسزاگفتن توجه نشان ندهیم: گاهی بی‌توجهی نسبت به امری نادرست باعث می‌شود شخص به نادرست بودن آن پی ببرد و آن را کنار بگذارد. پس نیاز است بعضی مواقع معلم در برابر بددهنی واکنشی صورت ندهد.

/ جایگزین‌های مناسب را به کودک بیاموزیم: همان‌طور که کودک را از بددهنی کردن باز می‌داریم، باید جایگزین‌های مناسب آن را که همان بیان لفظ‌های صحیح است، به دانش‌آموز بیاموزیم.

/ کاری کنیم که کودک در مقابل رفتار نادرستش مجبور باشد تاوان بدهد: برای این کار کودک باید تنبیه‌هایی را در نظر بگیریم که متوجه این رفتار نادرستش شود و آن‌ها را تکرار نکند. توجه داشته باشیم که تنبیه نباید سخت باشد؛ طوری که موجب ناامیدی کودک و تکرار مجدد آن باشد.

/ دانش‌آموز دزدی می‌کند.

راهکارها

/ مفهوم مالکیت را به کودک آموزش دهیم: کودک حق مالکیت را به درستی درک نمی‌کند و به همین دلیل گاهی به چنین اعمالی دست می‌زند.

/ معنی خریدن را برای کودک توضیح دهیم: خریدن و صاحب شدن را با مثال‌های عینی زندگی دانش‌آموز توضیح دهیم. مثلاً این توپ را تو خریده‌ای و تو نیز صاحب آن هستی. هیچ‌کس حق ندارد به آن دست بزند و تو هم نسبت به اموال بقیه حق مالکیت نداری.

/ به کودک یاد دهیم در برابر وسوسه‌ها مقاومت کند: مقاومت در برابر وسوسه‌ها هر چند سخت است، اما ممکن است. این روحیه را در کودکان می‌توان بنا کرد.

/ کودک باید پول توجیبی‌اش را جمع کند تا پول جنس دزدیده شده را بپردازد: کودک را متوجه جبران خسارت وارده کنیم و او را برای جبران آن مسئول بدانیم.

/ به کودک در مقابل رفتار درستکارانه‌اش پاداش دهیم: همان‌طور که برای رفتار نادرستش تنبیه و مجازات در نظر می‌گیریم، باید در مقابل رفتار صحیح او نیز بازخورد مثبت دهیم و او را متوجه این رفتار کنیم. / بر کارهای کودکان نظارت کنیم: کنترل، نظارت و پیگیری‌های مستمر معلم راه را بر بسیاری از این رفتارها می‌بندد. همچنین، نظارت ویژه اولیا در منزل به بهبود اوضاع کمک شایانی می‌کند.

* چالش‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان در کلاس درس

/ دانش‌آموز توقع بیش از حد دارد.

راهکارها

/ وقتی کودکی طلب توجه نمی‌کند، به او زیاد توجه کنیم: در این شرایط باید خوب بررسی و مشکل دانش‌آموز شناسایی شود. پس لازم است برای جذب دانش‌آموز به سمت خود توجه ویژه‌ای کنیم و بکوشیم با او ارتباط صمیمی‌تر و نزدیک‌تری برقرار کنیم. / در بعضی مواقع خواسته‌های او را نادیده بگیریم: قطعاً در بسیاری از مسائل کودکان توقع ناهنجاری دارند. برای اینکه نشان دهیم رفتار غیرمنطقی دارند، باید خواسته‌هایشان را نادیده بگیریم.

/ استقلال کودک را شکل دهیم و تقویت کنیم: برای اینکه کودک استقلال پیدا کند، گاهی نیاز است معلم مسئولیت کاری را به او محول کند و از او بخواهد که آن را انجام دهد. شاید گاهی نیز نیاز نباشد معلم در کار دانش‌آموز با او همکاری کند تا خود دانش‌آموز فعالیت را به‌تنهایی به پایان برساند.



توجه کودک را جلب کنیم: معلم باید با گفتار و رفتار خویش به گونه‌ای عمل کند که دانش آموز جذب معلم شود و تمام حواس او به سمت معلم برود. معلم می‌تواند با بازی یا داستان خوانی و کار عملی دانش آموز را جذب کند.

به آنچه می‌گوییم عمل کنیم و چیزی را بگوییم که به آن عمل می‌کنیم: چون معلم الگویی مناسب برای تقلید کودک است، پس باید دقت داشت که تمام اعمال او تحت نظر دقیق دانش آموز قرار می‌گیرد. پس معلم باید تمام سعی خود را به کار گیرد که باعث دوگانگی در دانش آموز نشود تا دانش آموز به خوبی تقلید کند.

دستورها را به صورت بازی در آوریم: همواره انجام یک کار برای کودک به صورت بازی و سرگرمی، هم شیرین خواهد بود و هم جذابیت به دنبال دارد. پس معلم باید بیشتر دستورها را به صورت بازی طراحی کند تا دانش آموز هم آن‌ها را انجام دهد و هم لذت ببرد.

نظارت و تحسین کنیم: برای کنترل اینکه کاری یا دستوری به بهترین شیوه انجام گیرد، باید نظارت در کار باشد. نظارت یک اصل مهم به حساب می‌رود. معلم علاوه بر اینکه دستور می‌دهد، باید نظارت دقیق نیز داشته باشد و به دنبال آن تشویق و تحسین نیز به کار ببرد تا دانش آموز برای ادامه کار اشتیاق و انگیزه کافی را داشته باشد.

حرف گوش نکردن کودک را پیگیری کنیم: حرف گوش نکردن کودک می‌تواند دلایل خاصی داشته باشد یا به خاطر شرایط تربیتی و خانوادگی باشد یا مشکلات اختلال توجه. پس معلم باید خوب در این مورد شناخت داشته باشد و سپس قضاوت کند.

دانش آموز شیطنت می‌کند.

راهکارها

بیش از حد توقع نداشته باشیم: به هر حال کودک در سنی است که این رفتار کاملاً طبیعی است. پس به اندازه توقع و انتظار داشته باشیم.

کودک را در وضعیتی قرار ندهیم که نتواند تحمل کند: هر گاه تحمل شرایط برای کودک سخت شود، او دیگر حرف شنوی نخواهد داشت و به شیطنت خود متکی می‌شود. پس شرایط را قابل تحمل طراحی کنیم، مثلاً بعد از چند دقیقه تدریس حتماً استراحت و بازی قرار دهیم.

کودک را از برنامه آگاه کنیم: توضیح دهیم

به کجا می‌رویم و می‌خواهیم چه بکنیم! سردرگمی کودک راه را برای شیطنت او هموار می‌کند. برنامه‌ریزی و آگاهی دادن مانع آن می‌شود. مثلاً در ابتدای کلاس

کودک را با فعالیت‌هایی که نیازمند کمک والدین نباشند، آشنا کنیم: برای کاهش و رفع توقع نابه‌جای کودک نیاز است معلم فعالیت‌هایی را طراحی کند که دانش آموز بدون کمک والدین انجام دهد. این کار باید با هماهنگی با والدین صورت گیرد؛ مثلاً فعالیت‌های درسی یا عملی در خانه.

افراط نکنیم: اگر کودک واقعاً به توجه نیاز دارد، به او توجه کنیم؛ ولی بکوشیم توجه از حد نگذرد. گاهی توجه بیش از حد تأثیر سخن و رفتار معلم را از بین می‌برد.

دانش آموز تسلیم جمع می‌شود.

راهکارها

ارتباط نزدیک صمیمی برقرار کنیم: ارتباط صمیمی مؤثرترین دفاعی است که در مقابل تأثیر بیش از حد همسالان در اختیار داریم. بسیاری مواقع تأثیر معلم به نسبت بیشتر از تأثیر همسالان بر دانش آموز خواهد بود و این شرایط در ارتباط گرم و صمیمی معلم با دانش آموز صورت می‌گیرد.

در کودک اعتماد به نفس ایجاد کنیم: باورهای ما نسبت به کودک، باورهای او در مورد خودش خواهد بود. کودک با القای حس اعتماد به نفس از سوی ما روحیه مضاعف می‌گیرد و در خود قدرتی به وجود می‌آورد که ضعف‌هایش را برطرف کند و حداقل از خود ضعف نشان ندهد.

دانش آموز مشاجره و دعوا می‌کند.

راهکارها

به کودکان خردسال، رفتاری مؤثر و قابل قبول برای حل اختلاف آموزش دهیم.

فهرستی از راه‌های قابل قبول برای خاتمه دادن با درگیری‌ها تهیه کنیم.

رفتار آرام را به کودک یاد دهیم.

به کودک یاد دهیم چه موقع باید از جروب‌بحث و جنگ و جدال کناره بگیرد.

به پیشرفت کودک جایزه بدهیم.

در صورت لزوم نتایج منفی اعمال کودک را به او نشان دهیم.

دانش آموز در تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری ضعف دارد.

راهکارها

قبل از تصمیم‌گیری برای کودک، به او چند گزینه پیشنهاد بدهید و نظرش را بپرسید. این عمل بیشتر برای نوجوانان کاربرد خواهد داشت، زیرا در صورتی که نظر آن‌ها را نپرسید، احساس پوچی خواهند کرد. برای مثال، به جای نتیجه‌گیری سریع و گفتن «تو به یک شیوه آموزشی جدید احتیاج داری. فردا آن را تغییر خواهیم داد» از عبارت: «به نظر من، شیوه آموزشی فعلی برای تو مفید نیست، فردا باید آن را تغییر بدهیم» استفاده کنید. این عمل بهترین راهکار برای آموزش تصمیم‌گیری به کودکان است و مفهوم مسئولیت‌پذیری بودن را به او می‌آموزد.

چالش‌های تربیتی دانش‌آموزان در کلاس درس

دانش آموز حرف گوش نمی‌کند.

راهکارها

صریح و دقیق دستور دهیم: دانش آموز باید بفهمد چه کاری باید انجام دهد. در واقع دستور باید کاملاً روشن و بدون ابهام باشد.



برای حل چالش‌های تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان ابتدایی، نیازمند تغییرات اساسی در روش‌های تربیتی و آموزشی، بهبود فضای آموزشی، تقویت همکاری میان خانواده و مدرسه، و ارائه حمایت‌های ویژه برای دانش‌آموزان با نیازهای خاص هستیم تا فرایند یادگیری بهینه و مؤثرتر شود

* جمع‌بندی

دوران ابتدایی به‌عنوان اولین مرحله از آموزش رسمی عمومی در نظام تعلیم و تربیت، بر رشد روان‌شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی کودکان تأثیر عمیقی دارد. در این دوره، دانش‌آموزان اصول اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را می‌آموزند. از این رو، همواره در مدرسه‌های ابتدایی، مسائل تربیتی و آموزشی از دغدغه‌های اصلی معلمان، والدین و متخصصان تعلیم و تربیت بوده‌اند. چالش‌های تربیتی و آموزشی در دوره ابتدایی می‌توانند ابعاد گوناگونی داشته باشند و بر کیفیت یادگیری، تعاملات اجتماعی و رشد شخصیت دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه عبارت‌اند از مشکلات رفتاری، ناهنجاری‌های اخلاقی، کاهش انگیزه یادگیری، افت تحصیلی، ضعف مهارت‌های اجتماعی و تأثیر منفی فضای مجازی و رسانه‌ها.

نظام تعلیم و تربیت مؤثر مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از روش‌های نوین آموزشی و تربیتی، تقویت تعامل بین مدرسه و خانواده، و توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان است. در این راستا، معلمان در شناسایی مشکلات، ارائه راهکارهای مناسب و ایجاد محیط حمایتی و انگیزشی نقش کلیدی دارند. استفاده از روش‌های خلاق، بهره‌گیری از روان‌شناسی تربیتی، افزایش تعامل اجتماعی مثبت در کلاس درس، و تقویت مهارت‌های زندگی و اخلاق اجتماعی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان کمک کنند. برای حل چالش‌های تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان ابتدایی، نیازمند تغییرات اساسی در روش‌های تربیتی و آموزشی، بهبود فضای آموزشی، تقویت همکاری میان خانواده و مدرسه، و ارائه حمایت‌های ویژه برای دانش‌آموزان با نیازهای خاص هستیم تا فرایند یادگیری بهینه و مؤثرتر شود (صالحی و رحیم‌پور، ۱۴۰۳).

۱۴۰۳. *

منابع

۱. باقری مجد، روح‌اله؛ مهرعلیزاده، بدالله (۱۳۹۲). چالش‌های توسعه آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی. توسعه آموزش در علوم پزشکی، ۶ (۱۲).
۲. پاکدل، فاطمه؛ شهرکیپور، حسن؛ فرزانبجو، محمد (۱۳۹۶). رفع چالش‌های آموزش و پرورش. توانمندسازی و ارتقای بهره‌وری معلمان (مطالعه موردی: مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان (مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی تابستان، ۳ (۲).
۳. صالحی، سیروان؛ رحیم‌پور، محمد (۱۴۰۳). بررسی چالش‌های مسائل تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان ابتدایی و راهکارها. چهارمین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روان‌شناسی و علوم اجتماعی.

به دانش‌آموزان در مورد بازی بعد از تدریس اطلاع دهیم.

/ کودک را به‌روشنی از توقع خود آگاه کنیم:

همیشه انتظار خود از کلاس را بیان کنید تا دانش‌آموزان آگاه شوند. مثلاً معیارهای خود درباره آرام‌بودن و شیطنت‌نکردن را بیان کنید.

/ رفتارهای کودک را بدون پیامد نگذاریم:

چه مثبت باشد و چه منفی! مثبت به‌گونه‌ای که بقیه دانش‌آموزان نیز تشویق شوند و منفی نیز نه آن‌گونه سخت و زننده، اما مؤثر.

/ دانش‌آموز قوانین را رعایت نمی‌کند.

راهکار

/ اگر می‌خواهید قوانین جدیدی وضع کنید، پیش از آن کمی با کودکان صحبت کنید. به این ترتیب او کاملاً دربارۀ عملی که نباید انجام دهد توجیه می‌شود. از طرف دیگر، حرف‌زدن با کودک باعث می‌شود عزت‌نفس او افزایش یابد و احساس مهم‌بودن پیدا کند. او دربارۀ اشتباهاتش مسئولیت‌پذیرتر خواهد شد و کارهای خلاف قانون وضع‌شده انجام نخواهد داد.

/ دانش‌آموز پرحرفی می‌کند.

راهکارها

/ معلم باید زمانی که دانش‌آموز صحبت می‌کند به او گوش دهد. این حرف‌ها می‌تواند شامل اتفاق‌های روز نیز باشد که کاملاً بی‌اهمیت هستند. اما نباید صحبت‌های او را قطع کنید یا برای قطع کردن صحبت‌های آنان کار دیگری را به آن‌ها محول کنید. برای مثال، «من بعداً به صحبت‌های تو گوش می‌کنم، اما الان پروتئین را حل کن.» این رفتار او را ناامید می‌کند.

/ هنگامی که دانش‌آموزان راست‌گو و صادق هستند، آن‌ها را تشویق کنید. وقتی کودکان اجازه حرف‌زدن پیدا نمی‌کنند تا واقعیت‌ها را بازگو کنند، در نهایت به دروغ‌گویی رو می‌آورند.



در مجال پیشین به پیوند ناگسستنی هنر و ادبیات پرداختیم. در این فرصت به پیوند فلسفه و ادبیات خواهیم پرداخت. به جرئت می توان گفت ارتباط و پیوند ادبیات و فلسفه از قدیمی ترین و ریشه دارترین ارتباط های میان دانش هاست. این دو مقوله اگرچه در ظاهر متفاوت اند، اما در واقع از چند نظر به شدت در هم تنیده اند و با یکدیگر پیوند دارند:

* زبان و شیوه بیان هر دو یکسان است:

فلسفه، دانشی استدلالی و منطقی است و ادبیات، دانشی تخیلی و نمادین. اما هر دو با زبان سروکار دارند و اندیشه را شکل می دهند. زبان شاعرانه گاهی مفاهیمی ساخته است که بعداً فیلسوفان درباره اش بحث کردند؛ مانند مفهوم «نیستی» در شعر فارسی. بخشی از فلسفه به تحلیل زبان اختصاص دارد و ادبیات میدان به کارگیری خلاق همین زبان است. از نمونه هایی که می توان به آن ها اشاره کرد: ویتگنشتاین (با نظریه هایش درباره زبان الهام بخش نویسندگان نوگرا و پسانوگرا شد.)

* ادبیات چالشگاه فلسفه است:

ادبیات می تواند مسائل انتزاعی فلسفه را در شکل و قالب زندگی واقعی نشان دهد. رمان ها و داستان ها امکان «آزمودن و به چالش کشیدن» فرضیه های فلسفی در جهان تخیلی را فراهم می کنند.

نمونه هایی که می توان به آن ها اشاره کرد: جورج اورول، ۱۹۸۴ (آزمون ایده های مربوط به آزادی، قدرت و حقیقت)؛ آلبرکامو، بیگانه (تجربه زیسته مفهوم «پوچی» و انسان نوین)، ژانپلسارتر، تهوع (نمایش انسان در برابر آزادی مطلق و اضطراب وجودی)؛ سوگ نامه های (تراژدی های) یونان (که مباحث اخلاقی و سرنوشت را مجسم می کنند)؛ رمان های داستایوفسکی (که مسائل آزادی، گناه و خدا را به شیوه ای فلسفی می کاوند). به شکل واضح تر، در ادبیات فارسی، آثار مولوی، عطار، حافظ و صادق هدایت سرشار از اندیشه های چالش برانگیز فلسفی اند.

* بعضی فیلسوفان بزرگ نویسنده نیز بوده اند:

ادبیات از دیرباز به عنوان ابزار بیان اندیشه ها و افکار فلسفی مطرح بوده است. بسیاری از فیلسوفان برای توضیح مفاهیم پیچیده از روایت، تمثیل یا زبان ادبی استفاده کرده اند. نمونه هایی که می توان به آن ها اشاره کرد:

افلاطون، در «جمهوری»، با تمثیل غار حقیقت، ادراک و رهایی را توضیح می دهد.

داستایوفسکی، در «جنایت و مکافات» و «برادران کارامازوف»، پرسش های عمیق درباره اخلاق، آزادی و ایمان را در قالب داستان مطرح می کند.

مولانا، حکایت های مثنوی معنوی را بستر بیان دیدگاه های عرفانی و فلسفی درباره انسان، عشق و هستی قرار داده است.

بنابراین، ادبیات نه فقط مکمل فلسفه، بلکه ابزار بیان آن هم بوده است.

* ادبیات می تواند به درک فلسفه کمک کند:

مسائل سخت فلسفی مثل ماهیت وجود، اخلاق، آزادی و معنا، وقتی وارد داستان یا شعر می شوند، لمس شدنی می شوند. موضوع «پوچی» که در فلسفه آگزیستانسیالیسم مطرح است، در رمان «بوف کور» صادق هدایت آسان تر درک می شود. یا ویلیام شکسپیر در آثاری مثل «هملت»، پرسش از هستی، مرگ، اختیار و سرنوشت را در قالب نمایشنامه مطرح می کند.

* هدف مشترک هر دو

فهم انسان و جهان است:

فلسفه می پرسد «حقیقت چیست؟ انسان چیست؟ جهان چگونه است؟» ادبیات همین پرسش ها را در قالب داستان، شعر و روایت طرح می کند.

به همین دلیل، بسیاری از مسائل فلسفی (هستی، عشق، مرگ، آزادی و اخلاق) در ادبیات هم ریشه دارند. به عنوان مثال، هایدگر در فلسفه وجودی خود می پرسد «انسان در جهان چگونه می زند؟ جایگاه او چیست؟» یا در رمان «مسخ» فرانتس کافکا، شخصیت گرگور سامسا ناگهان به حشره تبدیل می شود و می کوشد بفهمد جهان با او چه می کند و هویت او چیست؟

پیوند ادبیات و فلسفه فقط مخصوص درس ادبیات نیست، بسیاری از معلمان در پایه ها و رشته های گوناگون می توانند از این پیوند برای تقویت تفکر انتقادی، مهارت خوانش، تحلیل ذهنی و درک مفاهیم عمیق تر استفاده کنند. در ادامه به صورت دسته بندی شده توضیح می دهیم که کدام گروه از معلمان و در چه پایه هایی بیشترین بهره را از این پیوند می برند:

* معلمان ادبیات فارسی

دوره های متوسطه اول و دوم

این گروه بیشترین ارتباط را دارند. به طور مثال، تحلیل داستان ها و شعرها از نظر مفاهیم فلسفی، بررسی پرسش های هستی شناختی، اخلاقی، سرنوشت، اختیار و آشنایی دانش آموزان با تفکر انتقادی. / مثال کاربردی برای: ادبیات متوسطه اول؛ فارسی و نگارش رشته های نظری متوسطه دوم؛ ادبیات تخصصی انسانی.

* معلمان علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی

پایه های هفتم تا دوازدهم

ادبیات می تواند ابزاری فوق العاده برای توضیح مفاهیم اجتماعی و اخلاقی باشد. به طور مثال، استفاده از داستان ها برای تحلیل عدالت، آزادی، حقوق بشر، استفاده از حکایت ها و متن های ادبی برای بررسی مسائل اجتماعی، و تأمل درباره رفتارهای اخلاقی در قالب روایت. / مثال کاربردی برای: مطالعات اجتماعی پایه های هفتم تا نهم؛ جامعه شناسی پایه های دهم و یازدهم؛ روان شناسی پایه دوازدهم؛ علوم و فنون ادبی انسانی.

* معلمان دینی و قرآن

پایه های هفتم تا دوازدهم

بسیاری از مفاهیم دینی با زبان ادبیات و فلسفه قابل توضیح اند. به طور مثال، استفاده از تمثیل و روایت برای تبیین مفاهیم اخلاقی و اعتقادی، استفاده از حکایت های عرفانی برای آموزش توحید، اخلاق، معنویت، و بررسی دیدگاه های فیلسوفان اسلامی در قالب متن ادبی.

ادبیات

و

فلسفه

آثار

پایه‌های دوازدهم

محمد رضا قبادی
دبیر ادبیات فارسی



اندیشه در آثار نمایشی و سینمایی، و آموزش مفاهیم هنری از طریق حکایت‌های کلاسیک.

مثال کاربرد برای: پیام‌های آسمانی و دینی پایه‌های هفتم تا نهم؛ دین و زندگی پایه‌های دهم تا دوازدهم؛ فلسفه و منطق پایه‌های یازدهم و دوازدهم.

معلمان تاریخ

پایه‌های دهم تا دوازدهم

ادبیات تاریخی و فلسفی در فهم فرهنگ‌ها نقش مهمی دارد. به‌طور مثال، تحلیل اندیشه‌ها در متن‌های تاریخی و ادبی، تبیین تحولات فکری جوامع از طریق ادبیات، و بررسی شخصیت‌های تاریخی در ادبیات.

معلمان زبان‌های خارجی (انگلیسی و عربی)

ادبیات خارجی سرشار از مفاهیم‌های فلسفی است. به‌طور مثال، تحلیل متن‌های ادبی کوتاه، معرفی نویسندگان فلسفی مثل اورول، کامو و شکسپیر، و تقویت مهارت خواندن همراه با تفکر انتقادی.

معلمان فلسفه و منطق

پایه‌های یازدهم و دوازدهم انسانی

این دسته بیشترین استفاده مستقیم را دارند. به‌طور مثال، استفاده از داستان و شعر برای توضیح مفاهیم پیچیده فلسفی، تحلیل اگزیستانسیالیسم، اخلاق، زیبایی‌شناسی با مثال‌های ادبی، بررسی آثار ادبی به‌عنوان متن‌های فلسفی.

معلمان هنر و تاریخ هنر

پایه‌های دهم تا دوازدهم

ادبیات و فلسفه بهترین ابزار فهم زیبایی‌شناسی اند. به‌طور مثال، بررسی ارتباط فلسفه هنر و شعر، تحلیل

منابع

۱. محمد رضا شفیعی کدکنی، بوطیقای نو: تحلیل ادبی و پیوند آن با اندیشه و زیبایی‌شناسی. سخن، ۱۳۸۶.
۲. عبدالحسین زرین‌کوب، جست‌وجو در تصوف ایران: بررسی نقش تفکر فلسفی در ادبیات عرفانی. امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳. داریوش آشوری، مدخل‌های «فلسفه» و «ادبیات» در دانشنامه ادبیات: تحلیل دقیق مفاهیم و نسبت آن‌ها. ۱۳۸۰.
۴. داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب: بررسی تأثیر اندیشه بر زبان و روایت. فرزانه‌روز، ۱۳۹۶.
۵. نصرالله پورجوادی، تصوف و ادبیات: رابطه فلسفه عرفانی و آثار ادبی فارسی. نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۶. جلال ستاری، اسطوره و ادبیات: پیوند اسطوره، اندیشه و روایت. مرکز، ۱۳۷۸.
۷. عبدالحسین زرین‌کوب، پله‌پله تا ملاقات خدا: ترکیب ادبیات عرفانی و فلسفه در زندگی و آثار مولانا. امیرکبیر، ۱۳۷۸.

* مقدمه

کتاب درسی همچنان یکی از ارکان اصلی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز به شمار می‌آید. در عین حال، تحولات سریع دانش، تنوع نیازهای یادگیری دانش‌آموزان و گسترش رسانه‌های نوین آموزشی، ضرورت بازنگری در نقش کتاب درسی و شیوه بهره‌گیری از آن در نظام آموزشی را دوچندان کرده است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد، کتاب‌محوری مطلق، اگر بدون انعطاف در روش تدریس و بدون توجه به زمینه‌های واقعی یادگیری دانش‌آموزان اجرا شود، می‌تواند به یادگیری سطحی، حافظه‌محور و کم‌اثر منجر شود (معصومی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۲). در این نوشتار بر آنیم با رویکردی تحلیلی آموزشی، جایگاه کتاب درسی را در کنار برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر بررسی و نقش معلم را به عنوان عامل کلیدی پیوند محتوای رسمی با نیازهای واقعی کلاس درس تبیین کنیم.

* کتاب درسی در نظام آموزشی متمرکز

در نظام‌های آموزشی متمرکز، کتاب درسی به عنوان ابزار اصلی انتقال اهداف، محتوا و انتظارهای آموزشی عمل می‌کند. این کتاب‌ها را معمولاً متخصصان حوزه‌های موضوعی و تربیتی تدوین می‌کنند و در دوره‌های زمانی مشخص بازبینی و به‌روزرسانی قرار می‌دهند. هدف از این فرایند، ایجاد انسجام، عدالت آموزشی و دسترسی برابر دانش‌آموزان به محتوای آموزشی است. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اتکای صرف به کتاب درسی، بدون در نظر گرفتن شرایط کلاس، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و اقتضانات محیط

یادگیری، ممکن است خلایق معلم و تنوع روش‌های تدریس را محدود کنند (مصطفوی، هاشمی و ایزدی، ۱۳۹۴: ۷۸-۸۲). چنانچه بر نقش کلیدی زبان به عنوان رسانه اصلی معلم واقف باشیم، در خواهیم یافت که کتاب اولین و حتی مهم‌ترین رسانه معلم در فرایند یاددهی یادگیری محسوب نمی‌شود. در واقع، معلم بدون کتاب درسی نیز می‌تواند امکان یادگیری را برای فراگیرندگان خود ایجاد کند، زیرا اولین و اصلی‌ترین رسانه او زبان است. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، کتاب از «اراهنمای یادگیری» به «هدف آموزش» بدل می‌شود.

* ضرورت انعطاف‌پذیری در برنامه درسی

یکی از پاسخ‌های علمی به چالش‌های کتاب‌محوری، حرکت به سمت برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر است که به معلم امکان می‌دهد ضمن پایبندی به اهداف کلان آموزشی، در انتخاب، ترتیب و شیوه ارائه محتوا تصمیم‌گیری حرفه‌ای داشته باشد (گل‌کار، ۱۴۰۴: ۴-۶). مطالعات انجام‌شده در حوزه آزادسازی برنامه درسی نشان می‌دهد که هر چه نقش معلم در تفسیر و بازآفرینی محتوا پررنگ‌تر باشد، یادگیری معنادارتر و مشارکت دانش‌آموزان بیشتر خواهد شد (معصومی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳-۲۰). در این رویکرد، کتاب درسی حذف نمی‌شود، بلکه به عنوان یکی از منابع یادگیری در کنار سایر منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد. معلم حرفه‌ای با کاربرد زبان مشترک معلم و شاگرد، بیش از هر رسانه دیگری، امکان نائل شدن به مقاصد برنامه درسی را دارد.

کیومرث جهانگردی
دکترای زبان‌شناسی

تحلیلی آموزشی با رویکرد محوریت معلم در کلاس



کتاب درسی

نقطه

آغاز است

نه

* معلم: از مجری محتوا تا طراح یادگیری

تحلیل‌های نظری مبتنی بر دیدگاه‌هایی مانند آیزنر^۱ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد، معلم در «زنده‌شدن» برنامه‌ی درسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. معلمی که صرفاً مجری متن کتاب باشد، ناگزیر به تدریس خطی و یکنواخت روی می‌آورد، اما معلمی که نقش طراح یادگیری را بر عهده می‌گیرد، می‌تواند محتوا را با فعالیت‌های متنوع، پروژه‌های گروهی و تجربه‌های زیسته‌ی دانش‌آموزان پیوند بدهد (شاهوی و همکاران: ۱۴۰۱: ۵). در چنین چارچوبی، استفاده از منابع دیجیتال، رسانه‌های آموزشی، محیط‌های یادگیری مجازی و تجربه‌های محلی، مکمل کتاب درسی می‌شود و به نظر می‌رسد یادگیری از حالت انتقالی به حالت مشارکتی و اکتشافی تغییر یابد.

* پیشنهاد‌های کاربردی به معلمان

کیفیت یادگیری در کلاس درس، بیش از آنکه به حجم کتاب درسی وابسته باشد، به نحوه‌ی استفاده‌ی معلم از محتوا بستگی دارد. معلمان می‌توانند یادگیری را عمیق‌تر، معنادارتر و عادلانه‌تر هدایت کنند. برای آنکه بتوان در عمل چنین شرایطی برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم کرد، این چند پیشنهاد کاربردی خواهند بود:

- / **انعطاف در تدریس:** استفاده از منابع متنوع و تطبیق محتوای کتاب با سطح، علاقه و نیاز دانش‌آموزان.
- / **تمرکز بر کیفیت به جای کمیت:** انتخاب مفاهیم کلیدی کتاب و اختصاص زمان بیشتر به فهم محتوای مورد نظر، تمرین و کاربرد آن‌ها.
- / **توانمندسازی حرفه‌ای معلمان:** مشارکت در دوره‌های ضمن خدمت، کارگاه‌های آموزشی و یادگیری همتایان.
- / **توجه به مهارت‌های زندگی و عدالت آموزشی:** طراحی فعالیت‌هایی که تفکر نقاد، حل مسئله و همکاری اجتماعی را تقویت کنند.
- / **بهره‌گیری از فناوری آموزشی:** استفاده هدفمند از رسانه‌های دیجیتال برای تکمیل و تعمیق یادگیری. امروزه هوش مصنوعی به ابزاری بسیار قدرتمند برای یادگیری و پاسخ‌گویی به پرسش‌های فراوانی تبدیل شده است که در ذهن کنجکا و شاگردان شکل می‌گیرند.
- / **تسوع در ارزشیابی:** استفاده از پروژه، ارائه، فعالیت عملی و بازخورد کیفی در کنار آزمون‌های کتبی.

* نمونه‌ای کاربردی از درس‌ها

به‌عنوان نمونه، می‌توان برای تدریس ادبیات به کانال‌های مرتبط در شبکه‌های مجازی رفت و چند استاد خوب پیدا کرد که مثلاً حافظ را خوب می‌شناسند و خوب تفسیر می‌کنند. با معرفی این کانال‌ها به دانش‌آموزان، از آن‌ها خواست قبل از شروع تدریس آن شعر خاص حافظ، شعرخوانی و توضیحات آن استادان را درباره‌ی آن شعر گوش دهند و مطالعه کنند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، برای مثال در درس فیزیک و مبحث نور، می‌توان یک فصل از یک کتاب و فصلی را هم از کتاب دیگری انتخاب و به دانش‌آموزان ارائه کرد تا قبل از تدریس کتاب درسی، نسبت به مطالعه و تورق آن دو فصل

اقدام کنند. این روش، جذابیت کار را بیشتر می‌کند، نسبت به اینکه معلم محدود بشود به کتاب درسی تنها. چنین رویکردی کمک چشمگیری به پویایی فرایند یادگیری می‌کند.

همچنین می‌توان از دانش‌آموزان خواست از هوش مصنوعی کمک بگیرند و قبل و بعد از تدریس هر مبحث خاص با آن آشنا شوند تا موضوع را از زاویه‌های گوناگون بررسی کنند یا سؤال‌هایی را که هنوز در خصوص آن مبحث دارند، از هوش مصنوعی بپرسند. استفاده از هوش مصنوعی، به‌ویژه در مباحث علمی، مثلاً برای درس‌های ریاضی، علوم تجربی و سایر درس‌های علوم پایه توصیه می‌شود.

* نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، انعطاف‌پذیری حرفه‌ای معلمان و استفاده‌ی آگاهانه از منابع و رسانه‌های متنوع در کنار کتاب درسی، شرط اساسی تحقق یادگیری پویا در مدرسه‌های امروز است. کتاب درسی همچنان نقش راهنما را ایفا می‌کند، اما معلم است که با طراحی موقعیت‌های یادگیری متنوع، اهداف برنامه‌ی درسی را به تجربه‌ای زنده و معنادار برای دانش‌آموزان بدل می‌کند. چنین رویکردی می‌تواند هم کیفیت یادگیری را ارتقا دهد و هم گامی مؤثر در مسیر عدالت آموزشی باشد. *

پی‌نوشت

1. Eisner, E.

منابع

۱. گل‌کار، س (۱۴۰۴). نقش برنامه‌ریزی درسی انعطاف‌پذیر در یادگیری مؤثر دانش‌آموزان. مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی پژوهش در عصر نوین.
۲. معصومی‌نژاد، ر؛ ادیب، ی؛ محمودی، ف؛ فتحی‌آذر، ا (۱۳۹۹). مؤلفه‌های آزادسازی برنامه‌ی درسی با تأکید بر نقش معلم. فصلنامه‌ی توسعه‌ی حرفه‌ای معلم، ۵(۴).
۳. مصطفوی، ح؛ هاشمی، س؛ ایزدی، ص (۱۳۹۴). تحلیلی بر کارکرد نظام آموزشی در آموزش و رشد اخلاقی دانش‌آموزان با محوریت محتوای کتاب‌های درسی و شیوه‌ی تدریس معلمان. مطالعات برنامه‌ی درسی، ۳۶(۴).
۴. شاهوی، ف؛ کرامتی، م.؛ شیعی باغبادرائی، س (۱۴۰۱). بررسی نقش معلم در تغییر برنامه‌ی درسی بر اساس دیدگاه آیزنر. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی درسی.

5. Eisner, Elliot (2005). Reimagining Schools: The Selected Works of Elliot W. Eisner. New York: Routledge.

برای درک بهتر ارتباط میان عملکرد دستگاه عصبی و تغذیه دریافتی، می توان بررسی کرد که گروه های مواد غذایی و ریز مغذی ها چگونه بر سلامت ذهن و خلق و خو اثر می گذارند:

* کربوهیدرات های پیچیده

کربوهیدرات های پیچیده مانند نان سبوس دار، جوی دوسر، حبوبات و میوه ها، انرژی مغز و دستگاه عصبی را به شکل پایدار تأمین می کنند. مصرف این نوع غذاها باعث آزاد شدن تدریجی گلوکز می شود و از نوسان قند خون جلوگیری می کند؛ نوسان هایی که ممکن است به افت تمرکز، تحریک پذیری و خستگی منجر شوند. نان هایی همچون سنگک و بربری، به ویژه در وعده صبحانه، می توانند به ایجاد تعادل در قند خون کمک کنند.

* پروتئین و اسیدهای آمینه

مغز برای تولید انتقال دهنده های عصبی مانند سروتونین و دوپامین به اسیدهای آمینه نیاز دارد. دریافت پروتئین کافی از منابعی مانند تخم مرغ، گوشت، لبنیات و حبوبات، به بهبود خلق و خو، انگیزه و توانایی یادگیری می انجامد و از افت انرژی و تمرکز جلوگیری می کند. برای مثال، استفاده هفتگی از تخم مرغ آب پز، به خصوص در وعده صبحانه معلمان، از جمله انتخاب های تغذیه ای بسیار سالم است.

سلامت روان معلمان و دانش آموزان، کلید موفقیت در یادگیری و آموزش است. تغذیه نه تنها بر سلامت جسم، بلکه بر خلق و خو، تمرکز، فشار روانی و رفاه روانی نیز تأثیر مستقیم دارد. انتخاب های غذایی مناسب می توانند سطح انرژی را پایدار نگه دارند، از اضطراب و خستگی بکاهند و حتی کیفیت خواب را بهبود ببخشند، در حالی که رژیم های ناسالم با قند و چربی بالا می توانند بر عملکرد مغز و حالت روحی اثر منفی بگذارند. معلمان به عنوان الگوهای رفتاری و از ارکان اساسی مدرسه ها، در ترویج تغذیه سالم و آگاهانه نقش کلیدی دارند. علاوه بر مدیریت کلاس و برنامه های آموزشی، آشنایی با اصول تغذیه و ارتباط آن با سلامت روان، آن ها را قادر می سازد با انرژی، آرامش و تمرکز بالاتر، تعامل شایسته تری با دانش آموزان داشته باشند. در این مقاله، مواد مغذی و الگوهای غذایی مؤثر بر سلامت روان، نقش تغذیه در کاهش فشار روانی و افزایش تمرکز، و راهکارهایی عملی برای معلمان بررسی می شوند. هدف آن است که با ارائه توصیه های علمی و کاربردی، معلمان بتوانند در محیط مدرسه و البته در زندگی شخصی خود، رفاه روانی و سلامت ذهنی را ارتقا دهند.

* تغذیه چگونه بر سلامت ذهن و خلق و خو اثر می گذارد؟

مغز برای عملکرد بهینه به منابع انرژی و مواد مغذی متنوع نیاز دارد و کیفیت رژیم غذایی می تواند به شکل مستقیم بر خلق و خو، تمرکز، حافظه و سطح فشار روانی تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، هر وعده غذایی فرصتی است تا مغز مواد لازم برای عملکرد شناختی و تنظیم احساسات را دریافت کند. اهمیت این مسئله در مشاغلی که به فعالیت ذهنی بیشتری نیاز دارند، همچون آموزگاری، قابل توجه تر است. در واقع، معلمان گرامی با توجه به نقش حساس خود در پرورش نسل های آینده، باید علاوه بر سلامت و تناسب جسمانی، وضعیت سلامت ذهنی، عاطفی و اجتماعی مطلوبی نیز داشته باشند.

روانی می انجامد؟
چگونه به رفاه
غذای سالم

آگاهانه
تغذیه



شیمای مظهری
کارشناس ارشد علوم تغذیه
و رژیم درمانی

**در مدرسه‌ای
که تغذیه سالم
ارزش محسوب
می‌شود،
نه تنها جسم
کودکان، بلکه
ذهن و احساس
آن‌ها نیز رشد
می‌کند**

* اسیدهای چرب امگا-۳

اسیدهای چرب ضروری مانند «دی‌ای‌ای»^۱ و «ای‌پی‌ای»^۲ که در ماهی‌های چرب و مغزها یافت می‌شوند، به سلامت غشاهای یاخته‌ای پی‌یاخته‌ها کمک می‌کنند. مصرف منظم امگا-۳ با کاهش اضطراب، بهبود حافظه و افزایش تمرکز در نوجوانان و بزرگسالان مرتبط است. در سفره غذایی ایرانی، گردواز بهترین منابع این ماده مغذی است. استفاده از این ماده غذایی سودمند در میان وعده‌ها می‌تواند برای معلمان بسیار مفید باشد.

* ویتامین‌ها و مواد معدنی

ویتامین‌های گروه ب (ب ۱، ب ۲، ب ۳، ب ۵، ب ۶، ب ۸، فولات و ب ۱۲) در سوخت‌وساز انرژی و ساخت انتقال‌دهنده‌های عصبی نقش دارند. این خانواده از ویتامین‌ها، از طریق موادی غذایی همچون تخم‌مرغ، لبنیات، گوشت کم‌چرب، حبوبات (عدس و لوبیا)، سبزی‌های برگ سبز (اسفناج و کلم)، غلات سبوس‌دار و مغزها دریافت می‌شوند. معلمان گرامی با گنجاندن این موارد در برنامه غذایی هفتگی خود می‌توانند از فایده‌های بی‌شمار آن‌ها بهره‌مند شوند.

کمبود ویتامین د با افسردگی، اضطراب و کاهش انرژی روانی ارتباط دارد و ماهی‌هایی با استخوان نرم مثل ساردین و کیلکا، تخم‌مرغ و لبنیات غنی شده، از بهترین منابع غذایی این ویتامین ارزشمند به شمار می‌روند. توصیه می‌شود میزان این ویتامین در خون به‌طور منظم بررسی شود تا در صورت کمبود، اقدامات لازم برای جبران میزان دریافتی آن انجام شود.

بین عناصر ضروری بدن، منیزیم- موجود در مغزها (بادام، گردو و فندق)، دانه‌ها (کنجد و تخمه آفتابگردان)، حبوبات، غلات کامل و سبزی‌های برگ سبز- و روی که بهترین منابع آن گوشت، ماهی، تخم‌مرغ، لبنیات، مغزها و حبوبات هستند، می‌توانند از فشار روانی و اضطراب بکاهند و حالت آرامش ذهنی ایجاد کنند. همچنین عنصر آهن که در گوشت قرمز، مرغ، ماهی، عدس، لوبیا، نخود و سبزی‌های برگ سبز به‌وفور یافت می‌شود، برای تأمین اکسیژن مغز و بهبود تمرکز حیاتی است. مصرف حداقل یک نوبت سالاد در روز و استفاده از سبزی‌های گوناگون در وعده‌های غذایی صبحانه، ناهار و شام، و میان وعده‌ها می‌تواند برای تأمین این مواد بسیار مفید باشد.

* محور روده، مغز و پروبیوتیک‌ها

میکروبیوم روده با مغز در ارتباط است و می‌تواند بر خلق و خو، فشار روانی و رفتارهای اجتماعی تأثیر بگذارد. مصرف زیست‌پارها (ماست پروبیوتیک، کفیر و ترشی‌های طبیعی) می‌تواند تعادل میکروبی روده را حفظ کند و سلامت روان و تمرکز را بهبود دهد.

* چالش‌ها و باورهای تغذیه‌ای نادرست مرتبط با سلامت روان

با وجود نقش مهم تغذیه در سلامت روان، باورهای غلط ممکن است مانع بهره‌گیری واقعی از آن شوند. شناخت این چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای معلمان، می‌تواند فرصتی طلایی برای آموزش و ارتقای رفاه روانی دانش‌آموزان و نیز معلمان ایجاد کند.

/ باور غلط ۱: «شکلات و شیرینی باعث شادی و احساس بهتر می‌شوند.»

/ واقعیت: شکلات‌های پر شکر و فراوری شده ممکن است انرژی کوتاه‌مدتی ایجاد کنند، اما بعد از مدتی با افت قند خون، خستگی و کاهش تمرکز را در پی دارند.

/ راهکار عملی: جایگزین‌های سالم برای میان وعده شامل میوه تازه، میوه خشک، مغزها یا شکلات تلخ با کاکائوی بالا می‌شوند. در کلاس می‌توان یک جعبه میان وعده سالم داشت.

/ باور غلط ۲: «مصرف بیشتر مکمل‌های تغذیه‌ای بر سلامت می‌افزاید.»
/ واقعیت: مصرف مکمل‌ها تنها زمانی مفید است که کمبود خاصی در بدن وجود داشته باشد و با مشورت متخصص تجویز شود. مصرف بیش از حد برخی ویتامین‌ها و مواد معدنی، به‌ویژه ویتامین‌های محلول در چربی مانند آ و دی یا موادی معدنی مثل آهن و روی، ممکن است باعث مسمومیت، اختلال در جذب سایر ریز مغذی‌ها و مشکلات گوارشی شود.

/ راهکار عملی: ریز مغذی‌ها را از غذاهای طبیعی و متنوع دریافت کنید و مصرف مکمل‌ها را تنها در صورت نیاز و با مشورت متخصص در برنامه خود قرار دهید.

/ باور غلط ۳: «کیفیت غذا بر خلق و خو تأثیری ندارد و تنها

خاصیت سیرکنندگی آن اهمیت دارد.»

/ واقعیت: رژیم‌های پرچرب و پر قند می‌توانند افسردگی و اضطراب را تشدید کنند.

/ راهکار عملی: برنامه غذایی روزانه شامل سبزی‌های، میوه‌ها، پروتئین‌های سالم و امگا-۳ باشد و با تشویق دانش‌آموزان به آراستن بشقاب غذایی سالم در خانه و مدرسه، بر اهمیت این موضوع تأکید شود.

/ باور غلط ۴: «تغذیه معلمان بر کیفیت یادگیری و عملکرد

تحصیلی دانش‌آموزان چندان تأثیری ندارد.»

/ واقعیت: برنامه‌های مدرسه معمولاً بر دانش‌آموزان تمرکز دارند و کمتر به تغذیه و سلامت روان معلمان توجه می‌شود، در حالی که سلامت معلمان کیفیت آموزش و انرژی کلاس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

/ راهکار عملی: برنامه میان وعده سالم و دریافت آب کافی برای معلمان.





یک،

پی‌نوشت‌ها

1. DHA
2. EPA

منابع

۱. غلام‌پور هتکه‌پشتی، نیکا. (۱۴۰۴). نقش آموزش و آگاهی بخشی در بهبود مصرف غذای دانش آموزان، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، دوره ۵ (شماره ۵۰).
۲. برزونی، م. (۱۴۰۲). بررسی میزان تأثیر آموزش بهداشت در تغییر آگاهی و رفتارهای تغذیه‌ای دانش آموزان مدارس ابتدایی در شهر لردگان. مجله پویایی روانشناختی در اختلالات خلقی، (۱)۲.
۳. برفه، شیوا؛ مددی حمزه‌خانلو، مهین؛ محمدی، فاطمه؛ محمودی کوچکسرای، سارا. (۱۴۰۳) ارتباط بین تغذیه سالم و عملکرد تحصیلی دانش آموزان. مقاله ارائه شده در کنفرانس ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
4. Mahan, L. K., & Raymond, J. L. (2020). Krause's Food & the Nutrition Care Process (15th ed.). St. Louis, MO: Elsevier

* توصیه‌های کاربردی برای آموزگاران و والدین

سلامت روانی در مدرسه حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای کوچک اما مداوم است. اجرای چند تغییر ساده در تغذیه می‌تواند محیط کلاس را آرام‌تر، پربارتر و متمرکزتر کند.

/ برنامه‌ریزی تغذیه هفتگی

داشتن برنامه غذایی ساده باعث می‌شود انتخاب‌های غذایی در طول هفته آگاهانه‌تر باشند. معلمان می‌توانند از قبل میان وعده‌هایی مثل میوه، آجیل، لقمه نان و پنیر سبوس دار یا ماست پروبیوتیک آماده کنند تا در ساعات‌های پر مشغله دچار انتخاب‌های سریع و ناسالم نشوند.

/ ایجاد الگوی تغذیه سالم در کلاس

رفتار معلم بیش از توصیه‌های شفاهی تأثیرگذار است. الگوهای رفتاری کودک، در بلندمدت سبک تغذیه دانش آموزان را شکل می‌دهند.

/ کاهش مصرف نوشیدنی‌های قندی

نوشابه، نوشیدنی‌های انرژی‌زا و شربت‌ها باعث نوسان‌های شدید قند خون و خلق و خو می‌شوند. جایگزین‌های ساده مانند آب، آب‌طعم‌دار با لیمو یا چای‌های گیاهی ملایم و انواع دمنوش‌ها می‌توانند هم انرژی پایدار بدهند و هم آرامش‌زا باشند.

/ همکاری معلمان با والدین

تغذیه دانش آموزان نتیجه انتخاب‌های مدرسه و خانه با هم است. معلمان می‌توانند با فرستادن پیام‌های کوتاه یا کارت‌های آموزشی درباره موضوع‌های مهم، والدین را در جریان قرار دهند؛ موضوع‌هایی مثل:

/ اهمیت صبحانه کامل

/ میان وعده‌های مناسب مدرسه

/ نقش تغذیه بر تمرکز، خواب و خلق و خو

این ارتباط دوطرفه به شکل گیری محیط هماهنگ و سالم برای دانش آموزان کمک می‌کند.

/ تشویق مداوم، نه تنبیه

هدف از آموزش تغذیه، ایجاد حس خوب و علاقه به انتخاب‌های سالم است، نه ایجاد محدودیت و احساس گناه. اگر دانش آموزی میان وعده ناسالم آورد، معلم می‌تواند بدون سرزنش، پیشنهاد گزینه‌های بهتر را در فرصت مناسب مطرح کند.

* جمع‌بندی نهایی: تغذیه آگاهانه، سنگ بنای سلامت روان در مدرسه

تغذیه تنها یک نیاز جسمی نیست، یکی از ستون‌های اصلی سلامت روان، کیفیت یادگیری، فشار روانی کمتر و تمرکز بیشتر در مدرسه است. آموزگاران با انتخاب‌های روزانه خود، از صبحانه تا میان وعده‌ای که در کلاس می‌خورند، می‌توانند تأثیری عمیق بر دانش آموزان بگذارند.

از سوی دیگر، آگاهی از باورهای نادرست، توجه به تعادل مواد مغذی، مصرف آب کافی و استفاده از غذاها به جای تکیه بر مکمل‌ها، می‌تواند سلامت روان معلمان را تقویت و آن‌ها را برای مدیریت چالش‌های روزانه مدرسه توانمندتر کند.

در مدرسه‌ای که تغذیه سالم ارزش محسوب می‌شود، نه تنها جسم کودکان، بلکه ذهن و احساس آن‌ها نیز رشد می‌کند.

بازی‌های هدفمند آموزشی؛
روش‌های نوین رویکردی در رشد
شناختی و یادگیری دانش‌آموزان



دو، سه، ایست

* مقدمه

دوره ابتدایی، به ویژه سال‌های اول، مرحله‌ای حساس در رشد شناختی^۱، هیجانی و اجتماعی کودکان است. در این دوران، پایه‌های یادگیری، مهارت‌های خودتنظیمی و کنترل هیجانی شکل می‌گیرند و تأثیر مستقیمی بر موفقیت تحصیلی و تعامل اجتماعی دانش‌آموزان دارند (حسن‌زاده و عباسیان‌نیک، ۱۴۰۰: ۵۷-۶۰). پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی نقش بازی‌های هدفمند آموزشی در تقویت کارکردهای اجرایی^۲ دانش‌آموزان ابتدایی، به این موضوع پرداخته است. بسیاری از کودکان، حتی با توانایی هوشی طبیعی، در انجام تکلیف‌های چندمرحله‌ای، رعایت قوانین کلاس، تمرکز طولانی و تعامل با همسالان با مشکل مواجه می‌شوند. دلیل اصلی این مشکلات، غالباً ضعف در کارکردهای اجرایی است؛ مهارت‌هایی مانند حافظه کاری^۳، کنترل تکانه‌ها^۴ (کنترل ذهن برای مدیریت رفتار) و انعطاف‌پذیری شناختی که زیربنای خودکنترلی، حل مسئله و یادگیری مؤثر هستند. تقویت این مهارت‌ها در سال‌های اولیه، به‌طور چشمگیری بر کیفیت یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌افزاید.

* اهمیت کارکردهای اجرایی

در کلاس درس

کارکردهای اجرایی شامل سه مهارت اصلی هستند: حافظه کاری، بازداری رفتاری و انعطاف‌پذیری شناختی.

حافظه کاری به دانش‌آموز امکان می‌دهد اطلاعات کوتاه‌مدت را نگه دارد و پردازش کند که در حل مسئله و انجام تکلیف‌های چندمرحله‌ای ضروری است (Diamond, 2013: 135-168).

بازداری رفتاری، توانایی کنترل تکانه‌ها و جلوگیری از پاسخ‌های نامناسب را می‌دهد و به انعطاف‌پذیری شناختی کمک می‌کند. دانش‌آموز در مواجهه با چالش‌ها و اطلاعات جدید، رویکرد مناسب را انتخاب کند. ضعف در این مهارت‌ها می‌تواند باعث مشکلات رفتاری، بیش‌فعالی یا اختلالات یادگیری

زهرا عباسیان نیک
دکترای روان‌شناسی کودک، معلم دوره ابتدایی

سمانه جوانبختی
کارشناس روان‌شناسی عمومی،
معلم دوره ابتدایی



(کارهای بامزه انجام دهد. فقط زمانی که گفته می شود.)
/ بازی نوبت گیری با تاس، صبرکردن برای صحبت کردن یا برداشتن کارت.

/ انعطاف پذیری شناختی

/ بازی چرا و چه می شود اگر ...
/ بازی شطرنج یا منج با قوانین اضافه.
/ مکعب روییک، سودوکوی ساده.
/ بازی تغییر روال: در میانه بازی، ناگهان قانون عوض شود. برای مثال، یک داستان را با یک جمله شروع کنید. از هر دانش آموز بخواهید یک جمله اضافه کند. در وسط بازی، قانون جدید اضافه کنید (حالا شخصیت داستان یک قدرت جادویی پیدا کرد. ادامه دهید).
/ ساخت شکل با چوب بستنی، وقتی قانونی تغییر پیدا می کند.

*** نقش بازی های هدفمند در تقویت کارکردهای اجرایی**

بازی های هدفمند آموزشی ابزار مؤثر تقویت حافظه کاری، مهارت‌ها و انعطاف پذیری شناختی در دانش آموزان ابتدایی هستند (Blair & Razza, 2017: 647-663). این بازی ها می توانند دیجیتال، رومیزی یا حرکتی باشند. بازی های دیجیتال با دادن بازخورد فوری و تعامل جذاب، بر انگیزه یادگیری می افزایند، در حالی که بازی های گروهی و حرکتی، علاوه بر تقویت مهارت های شناختی، مهارت های اجتماعی و خودتنظیمی را نیز ارتقا می دهند. مطالعات نشان می دهند، اجرای مداوم این بازی ها حتی در چند هفته می تواند در عملکرد اجرایی، تمرکز و کنترل رفتار دانش آموزان تغییر محسوسی ایجاد کند. نتیجه مطالعات دوره های اخیر نشان می دهد، بازی های شناختی و آموزشی که بر اساس اصول علمی طراحی شده اند، قادرند این مهارت ها را به طور معناداری تقویت کنند و بر تمرکز و انگیزش یادگیری بیفزایند. این مطالعات تأکید دارند که اجرای ساختار یافته بازی ها در فضای مدرسه می تواند علاوه بر بهبود عملکرد درسی، رفتارهای اجتماعی و هیجانی دانش آموزان را نیز بهبود بخشد.

*** مثال های کاربردی متنوع برای کلاس درس**

/ بازی های دیجیتال برای حافظه کاری و پردازش سریع اطلاعات
/ بازی های سودوکو، جدول، جورچین و کارت حافظه.
/ برنامه های کاربردی آموزش ریاضی با چالش های مرحله ای.

/ بازی های حرکتی - گروهی برای بازداری رفتاری و

نوبت گیری

/ یک، دو، سه، ایست یا مجسمه یخی
/ بازی چراغ راهنما (یکی از دانش آموزان کنار چراغ راهنما می ایستد و بقیه باید با گفتن کلمه ها واکنش مناسب نشان دهند. مثلاً ارتباط این بازی با درس علوم: جامد «بی حرکت بایست»، مایع «آرام راه برو»، گاز «بدو».)
هرکس زودتر به چراغ رسید برنده است و نقش راهنما می کند.
/ توپ بازی با قانون (مثلاً توپ را فقط وقتی مربی دست بالا برد، یا وقتی کلمه هایی که نشانه غ دارد یا وقتی اعداد زوج را شنیدید و ... پاس دهید.)

شود، در حالی که تقویت آن ها بر موفقیت تحصیلی و رشد شناختی و اجتماعی کودکان می افزاید. استفاده از روش های غیر مستقیم، تعاملی و جذاب مانند بازی های هدفمند و آموزشی، فرصت مناسبی برای تقویت این مهارت ها فراهم می کند. بازی، به عنوان زبان طبیعی کودک، محیطی امن و شاداب ایجاد می کند که در آن کودکان می توانند بدون فشار روانی، مهارت های شناختی و رفتاری خود را تمرین و تثبیت کنند (Tuminio & McClelland, 2011: 489-519).
بازی های هدفمند در محیط مدرسه به عنوان ابزار نوین آموزشی، نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای ارتقای توانایی های شناختی دانش آموزان طراحی می شوند. پژوهش ها نشان می دهند، این بازی ها می توانند فرایندهای شناختی سطح بالا را تحریک و به بهبود مؤلفه های کارکرد اجرایی کمک کنند (Diamond, 2013: 135-168).

*** بازی های کاربردی**

/ حافظه کاری

/ بازی تکرار جمله یا داستان کوتاه.
/ بازی کارت های جفت که در درس های گوناگون قابل اجراست. در درس فارسی مثل کلمه های هم معنی، متضاد و هم خانواده. در درس ریاضی مثل جفت کردن کارت عدد پنج با کارت مفهوم آن عدد، یعنی کارتی که پنج شکل روی آن رسم شده است.
/ بازی کلمه بگو + تکرار کلمه قبلی، بازی فهرست خرید (چند وسیله را بگو حفظ کند).
/ بازی های دیجیتال مثل بازی های ساده حافظه در رایانک.

/ بازی چند مرحله ای: معلم یا سرگروه یک دستورالعمل چند قسمتی می دهد. دانش آموز باید تمام مراحل را به خاطر بسپارد و فقط پس از اتمام فرمان، آن را اجرا کند. برای مثال، عدد پنج رادر نظر بگیر، به آن سه تا اضافه کن، حاصل رادر دو ضرب کن و به تعداد جواب به سمت توپ قدم بردار.

/ بازداری رفتاری / مهارت‌ها

/ بازی یک، دو، سه، ایست.
/ بازی چراغ راهنما (سبز حرکت، قرمز توقف، زرد یک کار دیگر مثل دست زدن).
/ بازی صداها: وقتی یک صدا را می شنوی، حرکت کن و در برابر صدای دیگر ثابت بمان.
/ بازی «میمون باش / آدم باش»



بازی های هدفمند

در محیط مدرسه

به عنوان ابزار

نوین آموزشی،

نه تنها برای

سرگرمی، بلکه

برای ارتقای

توانایی های

شناختی

دانش آموزان

طراحی می شوند



* کاربرد عملی برای معلم در کلاس

معلمان می‌توانند بازی‌های هدفمند را به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه کلاس وارد کنند. این بازی‌ها باید متناسب با سطح رشد و توانایی‌های دانش‌آموزان طراحی و به‌صورت کوتاه و جذاب اجرا شوند تا تمرکز و انگیزه دانش‌آموزان حفظ شود. روش‌های عملی شامل:

/ طراحی جلسه‌های کوتاه بازی‌های حافظه و تمرکز قبل از تدریس محتوای درسی؛

/ استفاده از بازی‌های گروهی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و خودتنظیمی؛

/ ترکیب محتوای درسی با چالش‌های شناختی در قالب بازی، مانند حل مسئله ریاضی یا فعالیت‌های علمی؛

/ مشاهده و ثبت پیشرفت دانش‌آموزان برای تنظیم بازی‌ها و فعالیت‌ها مطابق نیاز فردی.

این رویکرد به معلمان امکان می‌دهد هم‌زمان مهارت‌های شناختی و اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت کنند و فضای یادگیری تعاملی و انگیزشی ایجاد کنند. مطالعه حاضر نیز ضمن مرور شواهد داخلی و خارجی، بر لزوم نقش بازی‌های هدفمند آموزشی و نقش فعال معلم در اجرای آن‌ها در کلاس درس تأکید می‌کند.

* نتیجه‌گیری

کارکردهای اجرایی، پایه‌ای‌ترین مهارت‌ها برای یادگیری، خودتنظیمی و تعامل اجتماعی در دوران ابتدایی هستند. بازی‌های هدفمند آموزشی با طراحی علمی و اجرای مستمر می‌توانند حافظه کاری، مهارت‌های تکرار و انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. استفاده از این بازی‌ها در کلاس درس، علاوه بر بهبود عملکرد تحصیلی، به رشد انگیزش، خودکارآمدی و مهارت‌های اجتماعی کودکان کمک می‌کند. بنابراین، برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر بازی‌های هدفمند، یکی از راهکارهای مؤثر تحقق آموزش باکیفیت و جذاب در مدرسه‌های ابتدایی است.

بازی‌های رومیزی یا فکری برای انعطاف شناختی

/ شطرنج، روبیک و بازی تانگرام.

/ بازی‌هایی با قوانین متغیر (با قانون اضافه، مثل کارت معکوس = کف‌زدن)

/ بازی ساختن کلمه با حرف‌های مقوایی و تغییر ناگهانی موضوع.

/ بازی‌های تقلیدی، نمایشی یا درام کوچک

/ نمایش نقش مثل اینکه فروشنده یا مشتری شوند.

/ بازی «اگر معلم بودم...» با تغییر نقش‌ها.

/ بازی تغییر حالت: «مثل خرس راه برو، بعد مثل پروانه پرواز کن.»

/ بازی‌های تعاملی کلاسی برای تقویت ارتباط

اجتماعی و کار تیمی

/ ساخت برج با ماکارونی و چسب.

/ بازی حل معمای گروهی.

/ ایمایش (پانتومیم) موضوعی (بدون حرف‌زدن مفهوم را برساند + کنترل تکانه و توجه).

ادغام بازی‌های هدفمند در مدرسه، دسترسی برابر

به فرصت‌های یادگیری را فراهم می‌کند و می‌تواند

با محتوای درسی ترکیب شود تا آموزش ریاضی،

علوم و زبان با تقویت مهارت‌های شناختی همراه

شود. همچنین، معلمان می‌توانند پیشرفت

دانش‌آموزان را از طریق مشاهده و ابزارهای

ارزیابی دنبال کنند و اثربخشی بازی‌ها را

بهبود بخشند. بنابراین، بازی‌های آموزشی

نه تنها سرگرم‌کننده، بلکه روش علمی و

اثربخشی برای رشد شناختی، هیجانی

و اجتماعی کودکان هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Cognitive development
2. Executive functions
3. Working memory
4. Impulse control

منابع

۱. حسن‌زاده، م. و عباسیانیک، ز. (۱۴۰۰). نقش مهارت‌های شناختی در یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۲ (۳).
۲. سجادی، ف.، محمدی، س. و کریمی، ن. (۱۳۹۸). تأثیر بازی‌های حرکتی و شناختی بر کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی. پژوهشنامه علوم تربیتی، ۱۰ (۲).
۳. زارع، ح. و فلاحتی، ر. (۱۴۰۰). بازی‌درمانی شناختی و تأثیر آن بر تمرکز خودتنظیمی دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی کودک، ۸ (۱).
4. Diamond, A. (2013). Executive functions. Annual Review of Psychology, 64.
5. Blair, C., & Razza, R. P. (2007). Relating effortful control, executive function, and false belief understanding to emerging math and literacy ability in kindergarten. Child Development, 78(2).
6. Tominey, S. L., & McClelland, M. M. (2011). Red light, purple light: Findings from a preschool intervention to improve behavioral self-regulation. Early Education and Development, 22(3).

خلاصه

ناتدوین و نگارشی طرح
طراحی موضوع برای
ایده معلم برای

مقدمه

با معرفی کامل الگوی طراحی آموزشی قرار شد نمونه‌های دیگری را در این صفحه با شما به اشتراک بگذاریم. از آن قالبی که در شماره ۵ معرفی شد، به عنوان قالب عمومی طراحی آموزشی استفاده می‌کنیم. تلاش کردیم از سناریویی چندبخشی با شرح جزئیات استفاده کنیم تا امکان اجرا و تجربه در کلاس درس وجود داشته باشد.



=

بار بار فتن

انگیزه دانش آموز

شناسنامه طرح

موقعیت، شرایط و چشم‌انداز قبل از طراحی

هدف از جنس شایستگی ابرای این واحد یادگیری

ملاک‌های ارزشیابی

فرزانه نوراللهی
کارشناس و پژوهشگر آموزشی

درس ریاضی پایه‌های هفتم با هشتم مبحث راهبردهای حل مسئله با تقسیم عددهای گویا
عنوان: تقسیم و باقی مانده تقسیم

این محتوا برای سه جلسه ۸۰ دقیقه‌ای ریاضی تنظیم شده است.

مفهوم ریاضی با مباحث کاربردی زندگی و مسئولیت اجتماعی تلفیق شده است تا نوعی آموزش تمام‌ساحتی را رقم بزند. در واقع ارزشمندی این طراحی به پررنگ بودن شایستگی هادر متن اصلی درس است. حتی می‌توان از روش آن برای همه درس‌های ابتدایی و متوسطه الهام گرفت.

انتخاب موضوع (سوژه) بسیار اهمیت دارد. باید به‌صورتی خلاقانه آن را برگزید تا در نهایت پس از پایان این جلسه (و جلسه‌های مشابه آن) نگرش دانش‌آموزان به مبحث درسی (تقسیم) تغییر کند، به آن علاقه‌مند شوند و با آگاهی و رغبت ادامه موضوع‌های درسی ریاضی را دنبال کنند. همچنین، مهارت‌های پایه گفت‌وگو و تجزیه و تحلیل در وجودشان نهادینه شود.

برای انجام چنین فعالیت‌هایی در کلاس درس، لازم است مهارت‌های گفت‌وگو و تجزیه و تحلیل و آداب آن قبلاً به دانش‌آموزان آموزش داده شوند.

ارتباط عمیق درس ریاضی را با زندگی درک و مصداق‌های مشابهی را در زندگی روزانه دنبال کنند.

نمونه واقعی تقسیم عادلانه و منصفانه در زندگی و خانواده را در کلاس درس بررسی کنند و یاد بگیرند و پس از پایان این مرحله بتوانند موضوع را به مسائل کاربردی و تحلیلی دیگری در موضوعات کلان‌تر تعمیم دهند.

دانش‌آموزان در طی فعالیت‌های عملی مرتبط با مسائل روزانه زندگی قادر باشند با فهم کامل مسئله و شرایط آن، تجزیه و تحلیل‌های متصفانه و آگاهانه‌ای انجام دهند. (درک موقعیت افراد و موضوع‌ها در صورت سؤال بسیار مهم است.) در پایان از دانش‌آموزان خواسته می‌شود یک سؤال مرتبط با فعالیت‌های انجام‌شده طرح کنند.

دانش‌آموز در ارتباط با مسئولیت‌هایی که به عهده‌اش گذاشته شده‌اند، به‌خوبی عمل و مسئولانه برخورد می‌کند. (تقسیم وظایف در گروه، انجام دقیق فعالیت‌ها، حضور و مشارکت فعالانه در انجام بازی و در نهایت نوشتن پاسخ و راه حل منطقی برای مسائل).

به موضوع طرح‌شده در کلاس علاقه نشان می‌دهد و در بحث گروهی مشارکتی فعال دارد. همچنین، رفتار او نشان می‌دهد که به رعایت ضوابط (رعایت نوبت، توجه به صحبت دیگران و ...) تمایل دارد.

به مهارت‌های گفت‌وگو و بحث مسلط است و از آن در جهت تحقق هدف استفاده می‌کند.

پیشنهادهایی که دانش‌آموز در پاسخ فعالیت‌ها ارائه کرده است، با توجه به اطلاعات مطرح‌شده، منطقی به نظر می‌رسد.

دانش‌آموز قادر است پس از انجام فعالیت‌ها، مسئله‌ای مشابه در موقعیت واقعی زندگی طراحی کند.

✱ بخش اول: شروع خوب، ورود به موضوع ✱ مؤلفه‌های مطرح: شروع خوب، مشارکت گروهی، سناریوی تدریجی، توجه به پیش‌دانسته‌ها، یادگیری فعال، عملکرد سطح بالا	۹ ۱
دانش آموزان در فعالیتی جذاب و مرتبط با مفهوم تقسیم، گروه‌بندی می‌شوند و با فعالیت عدالت اجتماعی و مفهوم تقسیم‌بندی بیشتر آشنا می‌شوند. در نهایت پاسخ فعالیت‌ها را به‌صورت مکتوب و شفاهی می‌دهند. فعالیت شروع خوب: دانش آموزان کلاس ۲۵ نفر هستند و قرار است گروه‌های سه‌نفره داشته باشیم. کارت‌های کوچکی آماده کرده‌ایم که از عدد یک تا ۲۵ روی آن‌ها نوشته شده است. در بدو کلاس، به هر دانش آموز به ترتیب یک کارت می‌دهیم. سپس از ایشان می‌خواهیم عدد خود (عدد روی کارت) را بر عدد ۸ تقسیم کنند و باقی‌مانده تقسیم را با مداد پشت کارت بنویسند. سپس این عدد را به دیگران نشان دهند. دانش‌آموزانی که باقی‌مانده تقسیمشان یکی است، هم‌گروه هستند. حال از ایشان می‌پرسیم، به نظر شما گروه‌ها چند نفره هستند؟ چرا؟ اگر ۲۶ نفر بودید، چه اتفاقی می‌افتاد؟ اگر نفر بودید چطور؟ پس از اینکه گروه‌های سه‌نفره و یک گروه چهارنفره تشکیل شد و گروه‌ها و چیدمان کلاس بر اساس آن شکل گرفت، فعالیت اول را مطرح می‌کنیم: فعالیت اول: چالش پس من چی؟ آرش (نام یکی از دانش‌آموزان) به مناسبت روز تولد خود، ۳ پیتزای بزرگ خانواده به کلاس ریاضی می‌آورد. هر کدام از این پیتزها را قبلاً آشپز به ۸ قسمت مساوی تقسیم کرده است. چگونه می‌توانیم این تعداد را بین همه افراد کلاس تقسیم کنیم؟ در گروه خود به راه‌حل‌های متفاوت این چالش فکر کنید. سپس آن‌ها را روی برگه‌ای که در اختیارتان قرار می‌گیرد بنویسید و بدهید. دانش‌آموزان ابتدا به جمعیت اصلی توجه می‌کنند: ۲۵ یا ۲۶؟ (یعنی آیا معلم را هم به حساب آورده‌اند؟) سپس حداقل به سه راهکار متنوع اشاره می‌کنند. اینجا در نقش تسهیلگر یادآوری می‌کنیم که راهکارها باید اجرایی و در عمل همه افراد از این تقسیم راضی باشند. فعالیت دوم: چالش من می‌خواهم بازی کنم! می‌خواهیم یک بازی کلاسی داشته باشیم. تیم‌ها باید هفت نفره باشند. چند تیم می‌توانیم در کلاس داشته باشیم؟ ابتدا مسئله را به شکل ریاضی حل کنید. تعداد گروه و افراد خارج از بازی را مشخص کنید. اگر همه دانش‌آموزان بخوانند جزو بازیکنان باشند و هیچ‌کس دوست نداشته باشد خارج از بازی باشد، چه پیشنهادهایی دارید؟ پس از بحث و گفت‌وگو، راهکارهای خود را بنویسید و راه‌حل را با گروه مجاور خود به اشتراک بگذارید. به چه راه‌حل جدیدی رسیدید؟ آن را در دفتر خود یادداشت کنید. در اینجا مربی با نظارت بر کار گروه‌ها، عملیات تقسیم همه گروه‌ها را بررسی می‌کند تا مطمئن شود همه مفهوم اصلی تقسیم را درک کرده‌اند. سپس با دقت، بحث‌های آن‌ها را پیرامون ارائه راهکار می‌شنود تا مشخص شود این راهکارها تا چه اندازه اجرایی و عملی هستند. در صورت صلاح دید، در گفت‌وگوی گروهی هم مداخله می‌کند. در پایان این فعالیت، گروه‌ها باید توان ارائه راهکار خود به گروه مجاور و دفاع از آن را داشته باشند. جمع‌بندی: (بهتر است این قسمت با پرسش و پاسخ یا جمله‌های ناقص و یا به‌صورت نقشه مفهومی ارائه شود.) همان‌طور که در فعالیت‌ها دیدید، تقسیم و باقی‌مانده مثل این است که داریم چیزهایی را بین دوستانمان تقسیم می‌کنیم. ولی تهش یک کم اضافه می‌آید! در ذهنتان سه فعالیتی را که از ابتدا انجام دادید مرور کنید: چه چیزهایی لازم داریم؟ مقسوم: آن چیزی است که در کل داریم و می‌خواهیم تقسیمش کنیم (مثل کل کارت‌ها، کل دانش‌آموزان و تعداد برش‌های پیتزا). مقسوم‌علیه: آن تعداد گروه‌ها یا آدم‌هایی که می‌خواهیم بینشان تقسیم کنیم (مثل تعداد اعضای گروه یا تیم یا تعداد تیم‌ها). خارج‌قسمت: همان تعداد از آن چیزهایی که به هر گروه یا هر نفر می‌رسد (مثل سهم هر تیم از بازیکن‌ها). باقی‌مانده: همان تکه کوچولویی که اضافه می‌آید و نمی‌شود به طور کامل بین گروه‌ها تقسیمش کرد. نکته مهم: باقی‌مانده همیشه از مقسوم‌علیه (یعنی تعداد گروه‌ها) کوچک‌تر است. این مثال‌ها نشان می‌دهند که تقسیم و باقی‌مانده در کارهای روزانه ما چه کاربردی دارند؛ از تقسیم خوراکی گرفته تا مدیریت وسایل و تشکیل گروه‌ها. در واقع، باقی‌مانده همان چیزی است که بعد از تقسیم عادلانه اضافه می‌ماند!	زمان اجرا: ۷۰ دقیقه مکان اجرا: کلاس درس
۱. اشتیاق و مشارکت فعال و دقیق در پاسخ‌گویی / فعالانه، دقیق و با علاقه در پاسخ‌گویی مشارکت دارد. / در بعضی موارد در پاسخ‌گویی شرکت می‌کند، اما رغبت چندانی به موضوع ندارد. / در کلاس حضور فعالی ندارد. ۲. همکاری و مشارکت در گروه / با هم‌گروهی‌ها تعامل مناسبی دارد و با تقسیم وظایف به هم فرصت فکر و عمل می‌دهند. / در بعضی موارد به مداخله معلم نیاز است. / توانایی همکاری در گروه را ندارد. ۳. توانایی نوشتن پاسخ مسئله / با فهم کامل صورت مسئله، پاسخ را کامل کرده و به‌صورت منطقی نوشته است. / در نوشتن پاسخ و فهم مسئله به کمک نیاز دارد. / توانایی فهم مسئله و نوشتن پاسخ را ندارد.	وسایل لازم: کارت گروه‌بندی



✱ بخش دوم: انجام بازی

✱ مؤلفه‌های مطرح: الگوی تدریس (استفاده از بازی)

زمان اجرا: ۷۰ دقیقه	دانش آموزان در گروه‌های خود با استفاده از دستورالعمل تعیین شده، به صورت دقیق و منطقی بازی را انجام می دهند و در پایان در گفت وگویی جمعی، راهکارهای خود را در انجام بازی به صورت شفاف بیان می کنند.	زمان اجرا: ۷۰ دقیقه																
مکان اجرا: کلاس درس	بازی معرفی شده در این طرح یک بازی دو نفره است که دانش آموزان در حین انجام آن با باقی مانده تقسیم سروکار دارند. آن ها با تعیین باقی مانده به دیگری سرنخ می دهند یا با استفاده از سرنخ ها، عدد هدف را پیدا می کنند. معرفی بازی یک عدد از میان عددهای طبیعی ۱ تا ۱۰۰ انتخاب کرده ایم. باقی مانده تقسیم این عدد بر عددهای ۲ تا ۱۰ سرنخی است که به شما داده ایم. عدد انتخاب شده را پیدا کنید. از کدام سرنخ ها استفاده کردید. گام اول: مواجهه یک عدد از میان عددهای طبیعی ۱ تا ۱۰۰ انتخاب کنید و باقی مانده تقسیم آن بر عددهای ۲ تا ۱۰ را حساب کنید. عدد را به دانش آموزان نگویند و فقط باقی مانده تقسیم آن بر عددهای ۲ تا ۱۰ را به عنوان سرنخ هایی برای یافتن عدد در اختیارشان قرار دهید و از آن ها بخواهید عدد را پیدا کنند. پس از آنکه فرصتی برای فکر کردن فردی ایجاد کردید، از دانش آموزان بخواهید بگویند چه عددی را پیدا و از چه سرنخ هایی برای رسیدن به پاسخ استفاده کرده اند. دانش آموزان ممکن است راه حل های متفاوتی داشته باشند. مثلاً برای پیدا کردن عددی که در ابتدای این نوشته انتخاب شده است، ممکن است ایده های متعددی به کار رفته باشند. گام دوم: شروع بازی در ادامه از دانش آموزان بخواهید در گروه های خود قرار بگیرند و بازی را به این شرح انجام دهند: روش بازی یک بازیکن باید عدد هدف را از میان عددهای ۱ تا ۱۰۰ انتخاب کند و هر بار باقی مانده تقسیم عدد هدف بر یکی از عددهای ۲ تا ۱۰ را حساب کند. دوبازیکن دیگر باید عدد را پیدا کنند. برای این کار باید بگویند که سرنخ می خواهند. یعنی می خواهند باقی مانده تقسیم عدد هدف بر کدام یک از عددهای ۲ تا ۱۰ را بدانند؟ بازی با گرفتن سرنخ های بیشتر ادامه پیدا می کند، تا جایی که بازیکن بگوید آماده گفتن عدد هدف است. <table><tr><td>تعداد سرنخ ها</td><td>۱</td><td>۲</td><td>۳</td><td>۴</td><td>۵</td><td>۶</td><td>۷ تا یا بیشتر</td></tr><tr><td>امتیاز</td><td>۱۲</td><td>۱۲</td><td>۱۱</td><td>۹</td><td>۶</td><td>۳</td><td>۱</td></tr></table> با گفتن عدد، بازی تمام است. اگر عدد درست بود، امتیاز بازی بر اساس چنین جدولی محاسبه می شود. اگر عدد نادرست بود، ۱۵- امتیاز منظور می شود. حالا جای بازیکن ها عوض می شود. بازی ادامه پیدا می کند و با توافق هر سه بازیکن، چند بار تکرار می شود. گام سوم: گفت وگویی جمعی پس از آنکه دانش آموزان بازی کردند، فرصتی برای گفت وگویی جمعی فراهم کنید و از آن ها بخواهید درباره ایده هایشان در بازی صحبت کنند. می توانید این پرسش ها را در کلاس طرح کنید: باقی مانده تقسیم کدام عددها بر ۸ برابر ۳ است؟ چطور متوجه می شوید؟ وقتی قرار است عدد را پیدا کنیم، آیا فرقی می کند که اول باقی مانده تقسیم عدد هدف بر کدام عدد را بدانیم؟ چرا؟ در پایان، با سرکشی به گروه ها مطمئن می شویم که همه دانش آموزان مفهوم تقسیم و باقی مانده را به طور کامل درک کرده اند، تا در ادامه با چند مسئله واقعی و کاربردی، بحث این مفهوم را به سمت مسائل انسانی ببریم.	تعداد سرنخ ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷ تا یا بیشتر	امتیاز	۱۲	۱۲	۱۱	۹	۶	۳	۱	انتظارات عملکردی
تعداد سرنخ ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷ تا یا بیشتر											
امتیاز	۱۲	۱۲	۱۱	۹	۶	۳	۱											
وسایل لازم: دفتر ریاضی و خودکار	۱. اشتیاق و مشارکت فعال و دقیق در انجام بازی فعالانه، دقیق و با علاقه بازی می کند. در بازی شرکت می کند، اما به موضوع آن رغبت چندانی ندارد. در بازی حضور فعالی ندارد. ۲. داشتن معیارهای مناسب و منطقی در جریان بازی با معیار صحیح و منطقی عدد را انتخاب می کند. برای داشتن معیار به کمک نیاز دارد. برای داشتن معیار صحیح توجه لازم را ندارد.	انتظارات عملکردی																

✱ بخش سوم: ارتباط با زندگی واقعی		✱ مؤلفه‌های مطرح: کاربریست آموخته‌ها در موقعیت جدید. رویکرد تلفیقی
زمان اجرا: ۷۰ دقیقه	دانش آموزان در گروه‌های خود با استفاده صحیح از مفهوم تقسیم و عدالت اجتماعی، برای چند چالش واقعی، راهکارهای منطقی و قابل اجرا اتخاذ کرده و در پایان یک چالش واقعی مشابه تولید می‌کنند.	
مکان اجرا: کلاس درس	مسئله ۱: یک گروه خیریه، بعد از یک دوره سخت اقتصادی، می‌خواهند به خانواده‌های نیازمند، سبد کالای حمایتی بدهند. در هر سبد ۸ بسته غذایی وجود دارد. با کمک خیرین، ۸۰ سبد آماده شده است، ولی ۹۲ خانواده نیازمند داریم. چگونه می‌توان این سبدها را بین خانواده‌های نیازمند تقسیم کرد؟ آیا پیشنهاد شما عادلانه یا منصفانه است؟ مسئله ۲: یک قابلمه چلوکباب داریم؛ شامل ۵ پرس چلو و ۱۱ سیخ کباب کوبیده! هفت نفر دور سفره نشسته‌اند. یک پسر ۵ ساله، دو نوجوان ۱۴ ساله، مادر ۴۵ ساله، پدر ۵۱ ساله و پدربزرگ و مادربزرگ در حدود ۸۰ ساله! اگر از شما بخواهند این غذا را بین ۷ نفر اعضای خانواده تقسیم کنید، چه پیشنهادی دارید تا همه راضی و خوش حال باشند؟ سعی کنید بیش از یک پیشنهاد بدهید. مسئله ۳: در یک روستا نوبت آبیاری درختان ۳ باغ است. باغ کوچک (آقارضا): نیاز به ۴ واحد آب. باغ متوسط (خاله مریم): نیاز به ۷ واحد آب. باغ بزرگ (آقای لواسانی): نیاز به ۱۰ واحد آب. چگونه ۱۰۰ واحد آب را بین ۳ باغ با نیازهای آبی متفاوت (۴، ۷، ۱۰ واحد آب) به‌طور عادلانه تقسیم کنیم؟ در هر چالش، پس از حل گروهی، راه‌حل‌ها در کلاس ارائه می‌شوند و بحث و نقد درباره آن‌ها صورت می‌گیرد. در پایان از هر گروه می‌خواهیم چالش طراحی شده گروه خود را روی برگه کاغذ بنویسد و روی تخته کلاس نصب کند.	تولید
وسایل لازم: دفتر ریاضی و خودکار	۱. انتخاب بهترین و عملی‌ترین پیشنهاد برای حل چالش‌ها دانش آموز با مشارکت فعال در نقد و ارائه تحلیل منطقی، معیارهای خود را بیان می‌کند. برای بیان معیارها به کمک نیاز دارد. توانایی نقد و بیان معیارها را ندارد. ۲. اشتیاق و مشارکت دقیق دانش آموزان در نقد راه‌های یکدیگر فعالانه، دقیق و با علاقه در نقد و بازبینی مشارکت دارد. در نقد شرکت می‌کند، اما به انجام آن رغبت چندانی ندارد. در این بخش حضور فعالی ندارد. ۳. توانایی طراحی و نوشتن چالش واقعی می‌تواند طرح مسئله واقعی را به‌تنهایی بنویسد. برای نوشتن و طراحی چالش به کمک نیاز دارد. به نوشتن و طراحی چالش علاقه‌مند نیست.	انتظارات عملکردی

در پایان این واحد یادگیری، برای ارزیابی طراحی خود در این سه جلسه و برای جمع‌بندی، چند سؤال مطرح می‌شود.

✱ نتیجه‌گیری

با این جمله موافق هستید؟ تقسیم به ما کمک می‌کند منابع را به‌طور مساوی توزیع کنیم. آیا باقی مانده نشان می‌دهد که همیشه ممکن است سهم‌های کاملاً مساوی وجود نداشته باشد؟

این جمله را کامل کنید:

عدالت اجتماعی واقعی یعنی

تلاش کنیم

منبع
محتوای آموزشی این طراحی (بازی ریاضی سرخ از باقی مانده تقسیم) از وبگاه «امید ریاضی» بخش طرح یادگیری انتخاب شده است.

<https://math.omidedu.org/lessonplan/reminders-clues/>



درخشندگی



حکمت ۱۰۹ نهج البلاغه

و در تعبیهایی بسیار مؤثر و زیبا، وضع آن‌ها را در آن حالت چنان ترسیم می‌کند که هر انسان غافل را به تفکر و بازنگری در رفتار خویش وامی‌دارد. / در بخش‌های پنجم و ششم پیرامون قیامت و مقدمات روز رستاخیز و پرسش از اعمال انسان‌ها و سعادت مؤمنان نیکوکار و مجازات بدکاران سخن می‌گوید و سرنوشت هر یک از این دو گروه را با تعبیراتی بسیار جذاب توصیف می‌کند.

/ در بخش‌های هفتم و هشتم از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به‌خصوص از زهد و بی‌اعتنایی آن حضرت نسبت به دنیا سخن می‌گوید و او را به‌عنوان الگو و اسوه‌ای برای همه اهل ایمان معرفی می‌کند و به اهل بیت پیامبر و یاران و پیروان او اشاره دارد و در بیان بسیار کوتاهی، عظمت مقام آن‌ها را ترسیم می‌کند.

در فرازهایی از این خطبه، ده وصف از اوصاف کمال را بیان می‌فرماید: «همه چیز در برابر او خاضع است و هر چیزی به وجود او قائم است! بی‌نیاز کننده هر فقیر، عزت‌بخش هر فرد خوار و ذلیل، نیروی هر ناتوان و پناهگاه هر مصیبت‌رسیده است!» (كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ، وَ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ: غَنَى كُلِّ فَقِيرٍ، وَ عَزَّ كُلُّ ذَلِيلٍ، وَ قُوَّةُ كُلِّ ضَعِيفٍ، وَ مَقَرُّ كُلِّ مُلْهُوفٍ). در ادامه این شش وصف، به چهار وصف دیگر اشاره کرده است و می‌فرماید: «هر کس سخنی بگوید نطق او را می‌شنود و هر کس سکوت کند اسرار درونش را می‌داند، آن کس که زنده است روزی‌اش بر اوست، و آن کس که می‌میرد، بازگشتش به‌سوی اوست»: (مَنْ تَكَلَّمَ سَمِعَ نَطْقَهُ، وَ مَنْ سَكَتَ عَلِمَ سِرَّهُ، وَ مَنْ عَاشَ فَعَلِيهِ رِزْقُهُ، وَ مَنْ مَاتَ فَلَيْلِيهِ مُقَلْبَةُ). امام (علیه‌السلام) در دو جمله پایانی در مورد نعمت‌های دنیا و آخرت می‌فرماید: «چقدر نعمت‌های دنیایت فراوان و پراهمیت است و چه کوچک است در برابر نعمت‌های آخرت!».

الزهرای یکی از خطبه‌های بسیار فصیح و بلیغ و پر محتوا و با ارزش نهج البلاغه است که به همین دلیل نام الزهراء (درخشنده) را بر آن گزاردند. به گفته ابن ابی‌الحدید: تأثیر و جاذبه این خطبه چنان است که اگر آن را بر انسان بی‌ایمانی که قیامت را با تمام قدرت نفی می‌کند، بخوانند، توان مقاومتش درهم می‌شکند و دلش در وحشت فرو می‌رود، و او را در مبانی فکری خود متزلزل می‌سازد، و وادار به تجدیدنظر می‌کند. امام علیه‌السلام این خطبه را برای بیان قدرت خداوند و عظمت منحصر به فرد او و مسئله رستاخیز و قیامت ذکر فرموده است.

پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:
«هر گاه فصل بهار را مشاهده می‌کنید، زیاد به یاد قیامت و زنده‌شدن بعد از مرگ خودتان باشید.»

* ابعاد و بخش‌ها

/ از قدرت عظیم پروردگار و ناتوانی مخلوقات در برابر او سخن می‌گوید و نکته‌های دقیقی را در این زمینه یادآور می‌شود.

/ از خلقت فرشتگان و بعضی از ویژگی‌های آن‌ها بحث می‌کند، که اگر از اسرار غیب‌باخبر می‌شدند، می‌دانستند عبادت‌های مستمر و بی‌نظیرشان در برابر عظمت حق، بسیار ناچیز است.

/ با ترسیمی از خانه آخرت و نعمت‌های بهشتی، از غفلت بندگان و رغبت آن‌ها به دنیای مادی و دور ماندن از دعوت انبیا سخن می‌گوید.

/ به دل‌باختگان دنیا و آلودگان به معصیت در هنگام مرگ اشاره می‌کند

گوهری پنهان در نهج البلاغه

محمد آشفته
کارشناس ارشد صنایع



فرازهایی دیگر از خطبه عشق‌های دروغین

هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایی می‌کند و قلبش را بیمار می‌کند. با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهش‌های نفس پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را می‌راند است، شیفته بی‌اختیار دنیا و برده آن است... دنیا به هر طرف برگردد، او نیز برمی‌گردد، و هر چه هشدارش دهند، از خدا نمی‌ترسد. از هیچ پنددهنده‌ای شنوایی ندارد، با اینکه گرفتار آمدگان دنیا را می‌نگرد که راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند.... البته هدف از بیان همه این‌ها، پاک‌سازی انسان از رذایل اخلاقی و انواع گناهان و سوق او به سوی «قرب‌الی‌الله» است. اگر این نعمت‌ها انسان را برای پیمودن این مسیر تشویق می‌کنند، خداوند حکیم همه آن‌ها را برای بندگان مقرر فرموده و از آن‌ها برای حضور بر سر این سفره پر بار و پربرکت دعوت کرده است.

سفر به دنیای دیگر

امیر مؤمنان در فرازهایی از این خطبه، لحظه‌های جان‌دادن انسان و مراحل سفر به دنیای دیگر را ترسیم کرده‌اند: «اعضای بدن انسان سست می‌شود و رنگ انسان تغییر می‌کند (و تَغْيِرَتْ لَهَا أَلْوَانُهُمْ).

مرگ آرام آرام همه اندامشان را فرا می‌گیرد، زبان را از سخن گفتن باز می‌دارد، با چشم خود می‌بیند و با گوش می‌شنود و با عقل درست می‌اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه کرده و روزگار را چگونه سپری کرده است! تا آنکه گوش او مانند زبانش از کار می‌افتد. نه می‌تواند با زبان سخن بگوید و نه با گوش بشنود. پیوسته به صورت آنان نگاه می‌کند. و حرکت زبانشان را می‌نگرد، اما صدای کلمه‌های آنان را نمی‌شنود. سپس چنگال مرگ تمام وجودش را فرا می‌گیرد و چشم او نیز مانند گوشش از کار می‌افتد و روح از بدن او خارج می‌شود. سپس او را به سوی منزلگاهش در درون زمین می‌برند و به دست عملش می‌سپارند و برای همیشه از دیدارش چشم می‌پوشند. با برپاشدن قیامت، دوباره همه انسان‌ها همچون بهار طبیعت زنده می‌شوند.

و اما به همین دلیل است که پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «هر گاه فصل بهار را مشاهده می‌کنید، زیاد به یاد قیامت و زنده شدن بعد از مرگ خودتان باشید.»

و در نهایت، زنده شدن زمین، تنها به یمن وجود مبارک امام عصر علیه‌السلام محقق خواهد شد. امام نه تنها زمین میت مادی را احیا خواهد کرد، بلکه زمین میت وجود افراد را با علم خداوندی احیا خواهد کرد و در نهایت زمین بابر افراد و اشیا را به نعمت بدل خواهد کرد.

معلم‌ان و مربیان عزیز که فکر و روح فرزندان ما در دستان مبارک آن‌هاست، در تربیت صحیح و هدایت جامعه به سوی نور و زیبایی‌ها نقش مهمی دارند.

منابع

۱. نهج البلاغه. خطبه ۱۰۹.
۲. ابن ابی‌الحدید. شرح نهج البلاغه. خطبه ۱۰۹.
3. <https://ahlolbait.com>
- وبگاه مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام.
4. <http://nahj.makarem.ir>
- وبگاه جامع نهج البلاغه و تفسیر.

* چکیده

والدین در شکل دهی شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی دارند. در این میان، والدینی که نسبت به توانمندی های فرزند خود نگرش منفی دارند یا به طور دائم نقاط ضعف او را برجسته می کنند، بر اعتماد به نفس، انگیزه و پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیرات مخربی می گذارند. این مقاله با تکیه بر تحقیقات معتبر و تجربه شخصی معلمان، اثرات اولیای منفی نگر را بر دانش آموزان بررسی می کند و راهکارهایی عملی برای تعامل مؤثرتر معلمان با این گروه از والدین پیشنهاد می دهد.

کلیدواژه ها:

مشارکت والدین، اولیای منفی نگر، پیشرفت تحصیلی

* مقدمه

محیط خانواده اولین و مهم ترین فضای تربیتی برای هر کودک است. نگرش والدین نسبت به فرزندان، به ویژه در حوزه تحصیل، بر عملکرد آموزشی و روانی آن ها تأثیر مستقیم دارد (بومریند، ۲۰۱۳). برخی والدین به دلیل تجربه های شخصی منفی، انتظارات غیر واقع بینانه، یا ترس از شکست فرزندان، رویکردی منفی نگر اتخاذ می کنند. این رویکرد نه تنها از اعتماد به نفس کودک می کاهد بلکه ارتباط معلم و دانش آموز را نیز مختل می کند (هانتز، ۲۰۲۰).

* تأثیرات منفی نگر والدین بر دانش آموزان

/ کاستن از اعتماد به نفس و عزت نفس
والدینی که به طور دائم بر ضعف های فرزندان تأکید می ورزند، ناخواسته احساس بی کفایتی را در او تقویت می کنند. این کودکان غالباً از تلاش برای موفقیت می ترسند، چون فکر می کنند هرگونه اشتباه، شایستگی آن ها را زیر سؤال می برد (کاپلان و همکاران، ۲۰۱۷).

/ ایجاد اضطراب و فشار روانی تحصیلی
کودکانی که مدام با انتقادهای منفی والدین مواجه می شوند، فشار روانی زیادی را تجربه می کنند. این اضطراب ممکن است تمرکز و عملکرد تحصیلی آن ها را مختل کند (اسمیت، ۲۰۱۵).

/ کاهش انگیزه درونی
والدین منفی نگر معمولاً بر ناتوانی ها تمرکز دارند و موفقیت های کوچک را نادیده می گیرند. در نتیجه، کودک انگیزه ای برای تلاش بیشتر ندارد، زیرا احساس می کند هیچ گاه تأیید نمی شود (ریچاردسون، ۲۰۱۹).

**تعامل سازنده
بین والدین و
معلمان کلید
اصلی موفقیت
دانش آموزان
است**

خانه سرحسابی
آموزگار ابتدایی منطقه ۵ تهران

راهکار عملی
دانش آموزان و چند
عملکرد تحصیلی
اولیای منفی نگر بر
مرواری بر تاثیر

* تجربه شخصی معلم در مواجهه با والدین منفی نگر

به عنوان معلم، بارها با والدینی مواجه شده‌ام که نسبت به توانایی‌های فرزندانشان بدبین هستند. در یکی از موارد، دانش آموزی به نام «مریم» که هوش و توانایی بالایی داشت، به دلیل شنیدن جمله‌هایی مانند «تو هیچ وقت موفق نمی شوی» از والدینش، در کلاس اعتماد به نفس کافی نداشت. پس از جلسه‌های مشاوره‌ای با والدین او و تأکید بر نقاط قوت مریم، وضعیت تحصیلی و انگیزه او به طور چشمگیری بهبود یافت. این تجربه نشان داد تغییر نگرش والدین می تواند در عملکرد دانش آموز بهبود قابل توجهی ایجاد کند.

* راهکارهای عملی برای تعامل با والدین منفی نگر

برقراری ارتباط مؤثر و همدلانه: معلمان باید با والدین منفی نگر ارتباطی مبتنی بر احترام و همدلی برقرار کنند. تأکید بر نقاط مثبت فرزندشان و دادن بازخوردهای سازنده می تواند دیدگاه والدین را تغییر دهد.

برگزاری جلسه‌های آموزشی برای والدین: آموزش والدین درباره اثرات منفی نگرش بدبینانه بر عملکرد فرزندشان و معرفی شیوه‌های تشویقی مؤثر می تواند کمک کننده باشد (هانسن، ۲۰۲۱).
تقویت نقاط قوت دانش آموزان: معلمان باید توانایی‌های منحصر به فرد هر دانش آموز را شناسایی و تقویت کنند. تأکید بر موفقیت‌های کوچک می تواند اعتماد به نفس دانش آموز را تقویت کند و نگرش والدین را تغییر دهد.
استفاده از مشاور مدرسه: ارجاع والدین منفی نگر به مشاوران متخصص می تواند به تغییر دیدگاه و بهبود تعامل والد-کودک کمک کند (جانسون، ۲۰۲۲).

* نتیجه گیری

والدین منفی نگر بر اعتماد به نفس، انگیزه و عملکرد تحصیلی فرزندانشان خود تأثیرات عمیقی دارند. معلمان با برقراری ارتباط مؤثر، برگزاری جلسه‌های آموزشی و همکاری با مشاوران می توانند از این تأثیرات بکاهند و به رشد سالم تر دانش آموزان کمک کنند. تعامل سازنده بین والدین و معلمان کلید اصلی موفقیت دانش آموزان است.



منابع

۱. بامریند، دیانا (۲۰۱۳). تأثیر سبک فرزندپروری بر شایستگی نوجوانان و مصرف مواد. پژوهش در نوجوانان.
۲. هانتر، آلیس (۲۰۲۰). فرزندپروری و رشد کودک. آکادمیک پرس. نیویورک.
۳. کاپلان، هارولد، و همکاران (۲۰۱۷). نگرش‌های والدین و موفقیت تحصیلی دانش آموزان. بازبینی آموزشی.
۴. ریچاردسون، کلر (۲۰۱۹). قدرت فرزندپروری مثبت. روتلج. لندن.
۵. اسمیت، جک (۲۰۱۵). استرس و عملکرد تحصیلی در نوجوانان. روان شناسی در آموزش.
۶. هانسن، پیتر (۲۰۲۱). راهبردهای مؤثر ارتباطی بین والدین و معلمان. رهبری آموزشی.
۷. جانسون، لوسی (۲۰۲۲). پویایی‌های خانواده و رفتار کودک. فصلنامه روان شناسی کودک.

ماه‌ها زیر برف مدفون می‌ماندند. مسیر رسیدن به روستا پر از پیچ‌وخم بود و در روزهای برفی بیشتر به سفری ماجراجویانه شباهت داشت تا رفت‌وآمدی معمولی. زمستان‌هایی سخت و طاقت‌فرسا، اما بهاری زیبا. روستا گوشه‌ای از بهشت می‌شد با طبیعت سرسبز، چشمه‌هایی که از دل سنگ‌های سخت می‌جوشیدند و راه خود را به سبزه‌زارها پیدا می‌کردند، اما برای رسیدن به بهار زیبا باید از روزهای سخت گذر می‌کردیم. بچه‌های مدرسه غالباً با دمپایی‌های پلاستیکی و لباس‌های نه‌چندان گرم از کوچه‌های باریک و شیب‌دار، از بین آن‌همه برف عبور می‌کردند و با گونه‌های سرخ‌شده از سرما زودتر از ما به مدرسه می‌رسیدند، چشمانشان برق می‌زد، نه از سرمای هوا، بلکه از شوق یادگیری. مدرسه کوچک و قدیمی بود، باد در و پنجره‌های رنگ و رورفته‌ای که با هر وزش باد ناله می‌کردند. کلاس‌ها ساده بودند، اما لبریز از عشق. بچه‌ها با داستان کوچک و یخ‌زده، تخته‌سیاه را پاک می‌کردند و با دقت به درس گوش می‌دادند.

در زنگ‌های تفریح، گاهی از پشت پنجره نگاهشان می‌کردم که چگونه در حیات برفی بازی می‌کردند. با

زهرا کریمی
کارشناس ارشد
برنامه‌ریزی درسی

سال‌ها پیش، دبیر ریاضی دوره‌ی راهنمایی در یکی از روستاهای کوهستانی در اطراف فریدون‌شهر، از شهرستان‌های استان اصفهان بودم؛ جایی که در دل رشته‌کوه‌های زاگرس قرار دارد و زمستان‌هایش بلند، سرد و پربرف است. در آن نواحی، پاییز هنوز به‌درستی جای خود را باز نکرده که برف، کوه و دشت را در آغوش می‌گیرد. تازه جذب آموزش و پرورش شده بودم. به همراه چند نفر از همکارانم، در این شهرستان خانه‌ای اجاره کرده و در آنجا ساکن شده بودیم؛ روزانه مسافتی طولانی را برای رسیدن به محل کار طی می‌کردیم. روزها را با عشق به تدریس و دانش‌آموزان سپری می‌کردیم.

روستایی که من در آن تدریس می‌کردم، در ارتفاعات بالا و در دل کوهستانی زیبا واقع شده بود؛ جایی که خانه‌ها بیشتر از سنگ و گل ساخته شده بودند و بام‌ها در زمستان

برف‌هایی

که

قلب‌ها

را

گرم می‌کند



تکه‌های چوب یا سنگ مشغول بازی‌هایی بودند که اختراع خودشان بود. در دل آن سرمای بی‌رحم صدای خنده‌هایشان مثل خورشید در دل زمستان می‌درخشید. یک روز صبح زمستانی از خواب بیدار شدم تا برای رفتن به مدرسه آماده شوم. هنگامی که از پنجره کوچک اتاق به بیرون نگاه کردم، دیدم همه جا زیر لایه‌های ضخیم برف فرو رفته است. به دیگر دوستانم اطلاع دادم رادیوی کوچکی را که داشتیم روشن کردیم تا ببینیم اخبار در مورد وضعیت راه‌ها و تعطیلی مدرسه‌ها چه می‌گوید. خبری از تعطیلی مدرسه نبود. باید سریع‌تر خودمان را به مدرسه می‌رساندیم. بچه‌ها در آن هوای سرد منتظر ما بودند. سرویس مدرسه هم به دلیل بارش زیاد برف نتوانسته بود از روستا بیاید تا ما را به مدرسه برساند. چاره‌ای نبود. با مدیر مدرسه و دو همکار دیگر، با سختی یک تاکسی گرفتیم و راهی مدرسه شدیم. اما در میانه مسیر، تاکسی در برف گیر کرد. باید پیاده می‌شدیم و در آن سرمای استخوان‌سوز، ماشین را به کمک راننده هل می‌دادیم تا مسیر باز شود و بتوانیم به راه خود ادامه دهیم. با زحمت فراوان، بالاخره خود را به مدرسه رساندیم.

مدرسه سرد بود. بخاری‌های نفتی کلاس‌ها نیز خاموش بودند. چون مستخدم نداشتیم، خودمان به کمک مدیر مدرسه بخاری‌ها را نفت و سپس روشن کردیم. کم‌کم گرما مهمان کلاس ما شد؛ هر چند جوابگوی آن حجم از سرما نبود، اما به هر زحمتی بود باید در سرمای کلاس دوام می‌آوردیم. بیرون بارش برف ادامه داشت و هیچ نشانی از بهبود هوا نبود. ظهر، مینی‌بوسی که معمولاً معلمان را از روستاهای اطراف سوار می‌کرد، به سراغ ما آمد. سوار شدیم و حرکت کردیم، اما هر چه بیشتر در جاده پیش رفتیم، شدت برف و بوران افزایش می‌یافت. چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که راننده با نگرانی گفت: «متأسفانه نمی‌توانیم ادامه بدهیم. جاده بسته شده است.» همه نگران بودند. مدرسه برای ماندن مناسب نبود، خانه‌هایمان هم دور و در آن شرایط دست‌نیافتنی بودند. در همین حین، راننده که پدر یکی از دانش‌آموزان کلاس بود، با مهربانی گفت: «بیایید خانه‌ما، امشب مهمان ما باشید.»

در آن روستا هنوز زندگی‌ها به سبک قدیم بود؛ اعضای خانواده با چند نسل متفاوت زیر یک سقف زندگی می‌کردند. خانه آن‌ها گرم، پرجمعیت و صمیمی بود. برایمان انواع غذاهای محلی به همراه نان‌های محلی و دوغ آوردند؛ ساده، اما بی‌نهایت خوشمزه. سرمای جان‌سوز بیرون، با گرمای این مهمان‌نوازی از پادمان رفت. شب قورمه‌سبزی پختند؛ با

سبزی‌های محلی. طعم آن غذا و عطری که در خانه پیچیده بود، هنوز هم در خاطرم مانده است. دختر آقای راننده که یکی از شاگردان خوب کلاس بود، با حجب و حیایی آمیخته به مهربانی، به ما که در اتاق مهمان بودیم، سر می‌زد و از ما می‌خواست اگر به چیزی نیاز داریم، به او بگوییم. به دور از انصاف است اگر نگویم که رسم مهمان‌نوازی را همانند دیگر اعضای خانواده چه زیبا به جا می‌آورد!

به یاد دارم، نوزادی چندروزه داشتند که روشنایی آن خانه را دو چندان کرده بود. ما هم از خوش حالی دیدن نوزاد هدیه‌ای به رسم یادگاری تقدیم آن خانواده کردیم.

ساعت ۹ شب خبر رسید که زنی در آن روستا در حال وضع حمل است و باید فوراً به بیمارستان برسد. به همین دلیل، ماشین برف‌روب در حال بازکردن جاده است و از فریدون‌شهر تا روستا آمده است. همگی خوشحال شدیم و تولد آن نوزاد را به فال نیک گرفتیم. خیلی سخت بود که آن شب آنجا بمانیم، چون همکاری داشتیم که بچه‌های کوچک شیرخوار خود را از صبح ندیده بودند و هیچ چیز بیشتر از برگشت به خانه نمی‌توانست ما را خوشحال کند. بعد از خداحافظی از راننده زحمتکش و خانواده‌او، سوار مینی‌بوس شدیم. آمبولانس در جلو حرکت می‌کرد و ما هم پشت سر آن. همراه امید و دعا راه افتادیم. ساعت حدود ۱۱ شب بود که بالاخره خسته، یخ‌زده، اما آرام و بدلی امیدوار به فردها، به خانه رسیدیم. آن شب برفی، برای ما تنها خاطره‌ای از سرما و برف نبود؛ قصه‌ای بود از قلب‌هایی که برای روشنی ذهن‌ها می‌تپید. معلمی یعنی قدم گذاشتن در راهی که از میان کولاک می‌گذرد، اما به نور دانایی ختم می‌شود. ما در آن سرمای استخوان‌سوز، نه فقط برای تدریس، بلکه برای عشقی پاک‌تر از واژه‌ها راهی آن روستا می‌شدیم. عشقی که در نگاه منتظر دانش‌آموزان نهفته است. ۲۲ سال گذشته، اما هنوز گرمای بخاری نفتی کلاس، مهربانی یک خانواده روستایی و بوی نان داغ محلی آمیخته با عطر محبت و مهمان‌نوازی، در دل من روشن مانده است. این معجزه معلمی است؛ عبور از سختی‌ها، تنها به امید فردایی روشن‌تر، برای کودکی که با چشم‌هایش آینده را می‌جوید.

بی‌تردید اغلب معلمان عزیز تجارب ارزشمندی از این نوع دارند و یادها و خاطره‌های دوران تدریس به آن‌ها نشاط و شادابی می‌دهد و با آن خاطرات زیبا زندگی می‌کنند. ❀

این معجزه معلمی است؛ عبور از سختی‌ها، تنها به امید فردایی روشن‌تر، برای کودکی که با چشم‌هایش آینده را می‌جوید



یکی از چالش های همیشگی ما به عنوان استادان و معلمان، آماده سازی دانش آموزان برای امتحان های پایان نیمسال است. با این دغدغه که چگونه می توانیم به آن ها کمک کنیم تا با درک عمیق تری از مطالب و فشار روانی کمتر سر جلسه آزمون حاضر شوند و این فرایند به جای تبدیل شدن به کابوسی از حفظ کردنی ها، به فرصت مرور و تثبیت آموخته ها تبدیل شود! در کنار روش های مرسوم مرور، گاهی به نوآوری در ابزارها و رویکردها احساس نیاز می شود. بدین منظور، من برای آماده کردن دانش آموزانم در آزمون پایان نیمسال، تصمیم گرفتم تجربه ای متفاوت را امتحان کنم: «تولید یک راهنمای صوتی کوتاه در قالب پخش.»

هدفم این بود که یک «نقشه راه صوتی و قابل دسترس» برای دانش آموزان فراهم کنم تا در ساعت ها و مکان های دلخواه بتوانند بر مفاهیم اصلی و کاربردی مروری ساختار یافته داشته باشند. این تجربه نه تنها در کاهش اضطراب دانش آموزان مؤثر بود، بلکه به خود من نیز یادآور شد که هدف اصلی از ارزشیابی پایانی چیست و چگونه می توان فرایند آمادگی را معنادارتر کرد.

✱ تجربه من: راهنمای صوتی به مثابه یک همراه

این راهنمای صوتی به هیچ وجه قصد بر ملا کردن سؤال های آزمون را نداشت، بلکه بر نکات کلیدی و مفاهیم اصلی و کاربردی تمرکز کرد که پایه و اساس درک

از کمک درسی

فراشه

راهنمای صوتی برای آمادگی بهتر تجربه استفاده از

محمد نیرو
دکترای برنامه‌ریزی درسی

* اهمیت و ضرورت این رویکرد (فایده‌ها برای آزمون و ارزشیابی)

استفاده از راهنمای صوتی قبل از آزمون پایانی، فایده‌های قابل توجهی، هم برای دانش‌آموزان و هم برای کیفیت فرایند ارزشیابی، دارد:

/ کاهش اضطراب و افزایش آمادگی: شنیدن مروری آرام و ساختاریافته، احساس آمادگی بیشتری به دانش‌آموز می‌دهد و او فشار کمتری را تجربه می‌کند. این آمادگی روانی به عملکرد بهتر در آزمون کمک می‌کند.

/ تمرکز بر عمق، نه صرفاً حفظ‌کردنی‌ها: با تمرکز بر مفاهیم اصلی و کاربردی و جدا از جزئیات، راهنما به دانش‌آموزان کمک می‌کند هدف اصلی یادگیری را درک و انرژی خود را بر فهم عمیق‌تر متمرکز کنند. این همسویی کیفیت پاسخ‌ها را در آزمون بالا می‌برد و ارزیابی را معنادارتر می‌کند.

/ تأکید بر ارتباط یادگیری با عمل: با اشاره به اینکه این درک برای استفاده هدفمند در کار آینده است، راهنمای صوتی به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که یادگیری فراتر از گرفتن نمره است و باید در عمل تجلی یابد. این دیدگاه، رویکرد آن‌ها به آمادگی و پاسخ‌گویی را نیز تغییر می‌دهد.

/ ارزشیابی مبتنی بر تلاش و توانمندی: با یادآوری عملکرد عالی دانش‌آموزان در طول نیمسال و تأکید بر توانایی آن‌ها برای موفقیت در آزمون، این رویکرد به ایشان نشان می‌دهد ارزش‌گذاری بر پایه کل فرایند یادگیری و تلاش آن‌ها در طول نیمسال است، نه صرفاً نتیجه یک آزمون نهایی.

/ شفافیت و همسویی انتظارات: ارائه این «نقشه راه» به دانش‌آموزان کمک می‌کند انتظار خود را با آنچه قرار است در آزمون سنجیده شود، هماهنگ کنند و این خود عامل مهمی در کاهش فشار و مؤثرتر شدن مطالعه است.

* راهکار تولید: ابزارهای در دسترس

تولید چنین راهنمای صوتی‌ای می‌تواند بسیار ساده‌تر از آن باشد که تصور می‌کنید. امروزه ابزارهای هوش مصنوعی مانند گوگل نوت‌بوک ال‌ام می‌توانند با دریافت منابع آموزشی (مثل مقاله‌ها یا خلاصه درس‌ها)، در تولید محتوای متنی به شما کمک کنند؛ طوری که با کمی ویرایش و استفاده از قابلیت‌های ضبط صدای ساده در رایانه یا تلفن همراه، به راحتی به پادپخش راهنمای آزمون تبدیل شوند. این امکان، فرایند تولید را برای ما به عنوان مدرس تسهیل می‌کند.

* نتیجه‌گیری: سرمایه‌گذاری بر فرایند، نه صرفاً نتیجه

استفاده از راهنمای صوتی برای آمادگی آزمون فراتر از یک کمک درسی ساده است. رویکرد سرمایه‌گذاری بر فرایند یادگیری دانش‌آموز، کاهش اضطراب او و در نهایت انجام ارزشیابی معنادارتر، تصویر دقیق‌تری از درک واقعی دانش‌آموز از مفاهیم اصلی و کاربردی به دست می‌دهد. امید است به عنوان استادان و معلمان از ابزارهای موجود و رویکردهای خلاق برای تبدیل آزمون از یک مانع ترسناک به فرصت نمایش توانمندی‌ها و درک عمیق استفاده کنیم. این مسیر یادگیری را مؤثرتر و ارتباط ما با دانش‌آموزان را سازنده‌تر خواهد کرد. ❁



**این تجربه
نه تنها در
کاهش اضطراب
دانش‌آموزان
مؤثر بود، بلکه به
خود من نیز یادآور
شد که هدف
اصلی از ارزشیابی
پایانی چیست و
چگونه می‌توان
فرایند آمادگی را
معنادارتر کرد**

تعلیم و تربیت فتح مداوم

دکتر عبدالامیر گیلک
پژوهشگر تعلیم و تربیت

مروری بر
آرای تربیتی آلن
(امیل آگوست شارتییه)

خویشتن آسان تر است ... خنده و وقار باید همدوش یکدیگر پیش بروند.
/ خویشتن را به احساس امنیت و خلق خوش ملزم کنید.
/ تعلیم و تربیت احترامی مضاعف است.
/ پشت هر تعلیم و تربیتی و در تمام سطوح ها باید یک افق انسانیت موجود باشد.
/ تعلیم و تربیت «فتح مداوم» است، بی آنکه سنین گذشته انکار شوند.
تعلیم و تربیت، فتح وجود خویشتن به کمک ادب و نزاکت به معنای وسیع آن است که با دانستن آداب معاشرت فرق دارد.
/ تربیت یاری کردن کودک است تا به شخصیت آزاد و منضبطی که همان موجود اخلاقی است برسد. یا بهتر بگوییم، آن را در خود بسازد.
/ تعلیم و تربیت مبتنی بر فن و مبتنی بر اندازه گیری استعدادها متضمن این عیب است که بیش و کم در خدمت قدرت هاست.
/ آسانی آفت ذهن است. هرگز چیزی جز آمادگی پرداختن از شیء به علامت و تفکر درباره علائم نیست... از کسی که به دشواری فکر می کند، امیدی دارم.
/ از اینکه مورد بی مهری او (کودک) قرار گیریم، بیمی به خود راه ندهیم. حتی باید از اینکه مطبوعش باشیم (مطبوع طبعش واقع شده ایم) ترسان باشیم.
/ هیچ تجربه ای یافت نمی شود که بیش از کشف یک لذت عادی به پرورش آدمی کمک کند؛ لذتی که اگر آدمی در آغاز اندک زحمتی به خود نداد، همیشه از آن بی خبر می ماند.
/ همه هنر در درجه بندی تجربه ها و سنجش تلاش های نهفته است، زیرا کار بزرگ آن است که به کودک تصویری عالی از توانایی هایش داده شود و این تصور با موفقیت ها پشتیبانی شود.
/ آنچه به حساب می آید، خو گرفتن به «علاقه مندی ارادی» است. عادت کردن به ساختن شخصیت خویش است.

آلن که نام واقعی او امیل شارتییه^۱ است، روز سوم ماه مارس سال ۱۸۶۸ م. در نورماندی فرانسه به دنیا آمد. او از سال ۱۸۹۳ تا ۱۹۳۳ به تدریس فلسفه در دبیرستان ها پرداخت. شاگردانش اظهار کرده اند که آلن معلمی برجسته بود و فلسفه شخصی و والای مورد نظر خود را با استشعار کامل به اندیشه های فیلسوفان بزرگ غربی (از افلاطون گرفته تا هگل) به خوبی ترکیب کرد. او در جنگ جهانی اول وارد خدمت نظامی شد و پس از جنگ به کار تدریس بازگشت. به صورت همیشگی در روزنامه معروف «سرعت روان» مقاله هایی منتشر می کرد. اغلب نظرهای مهم او همین مطالبی هستند که در روزنامه ها نوشته است، ولی علاوه بر آن ها کتاب های متعددی دارد که به صورت جداگانه منتشر شده اند و از جمله آن ها کتاب «نشاط روح» شامل هشتاد و یک فصل در سال ۱۹۱۷ است. همچنین وی کتاب «سیستم هنرهای زیبا» را در سال ۱۹۲۰ و کتاب «ماه مارس یا جنگ های قضاوت شده» را در سال ۱۹۲۱ نوشته است.

آلن سرانجام در روز دوم ژوئن سال ۱۹۵۲ م. در وزینه از دنیا رفت. کتاب «پایه های تعلیم و تربیت» او که در ابتدای سال ۱۹۳۲ به چاپ رسید، اثری فلسفی است که آرا و نظرهای تربیتی او از خلال این اثر قابل مطالعه است.

*فرازهایی از سخنان امیل شارتییه (آلن)

/ روح طوری ساخته شده است. اگر این تعبیر درست باشد، همیشه غلبه بر دیگران برایش از تسلط بر

است



خانواده بد تعلیم می‌دهد و حتی بد تربیت می‌کند، زیرا پای مهر و محبت شدید را به میان می‌آورد.
 کودک در خانواده به هیچ وجه خودش نیست. همه چیز را اقتباس و آنچه را متناسب سنش نیست تقلید می‌کند.

مدرسه، برعکس، به منزله محیط طبیعی کودک است. مدرسه به هیچ وجه خانواده بزرگی نیست، زیرا در آن عدالت و انصاف جای عاطفه محبت آمیز را که همیشه به لحاظی خلاف عدالت است می‌گیرد. همه هنر آموزش در این است که هرگز کودک را تا مرحله ای از پافشاری پیش نبریم که در آن خود را محکوم و موجبات بدبختی خود را فراهم کند، بلکه مقاومت مانع را چنان حساب کنیم که بتواند بر آن فائق آید و در آغاز روی همه اشتباهات او تکیه نکنیم. هیچ دانش آموزی در جهان به کمک آنچه می شنود و به یاری آنچه می بیند پیشرفت نمی کند. پیشرفت دانش آموز بسته به عملی است که انجام می دهد.
 تعلیم و تربیت به خصوص به تنظیم روح می پردازد. هر کس درست همان اندازه باهوش است که می خواهد. اینکه تحکیم ذهن مهم تر از تعلیم آن است، هرگز به قدر کافی دانسته نخواهد شد.

* جمع بندی نظرهای آلن (امیل شارتریه)

تعلیم و تربیت باید همگان را به طور یکسان و ابتدا صاحبان عقل ضعیف را شامل شود.
 تعلیم و تربیتی که بیش از دانش متوجه اراده باشد، به طرز تفکر بیشتر اهمیت می دهد تا به موضوع تفکر.

هدف تعلیم و تربیت «رهاساختن» از بندهای هیجان و رسم و عادت است. به هیچ وجه هدف آن تغییر طبع ها نیست.
 مدرسه محیطی کاملاً متفاوت از خانه است. در مدرسه عدالت و انضباط جاری است و عواطف شدید جایی ندارد. پس کودک نیز خود را در این رابطه جدی می پندارد. باید به کودکان اجازه اشتباه کردن و خطا کردن بدهیم. مسیر پیشرفت آن ها از این شاهراه گذر می کند.
 در تمامی فعالیت ها اراده و انگیزه کودکان اهمیت فراوان دارد. کودک با کار و فعالیتی که انجام می دهد و عمل می کند، یاد می گیرد و آزمونده می شود.

پی نوشت

1. Emile - Auguste Chartier

منابع

۱. نصرت پناه، سیاوش (۱۳۷۹). «آلن، فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت معاصر». مجله علوم انسانی. مصباح. فروردین، شماره ۳۳.
۲. شاتو، ژان (۱۳۷۶). «امریان بزرگ». ترجمه غلامحسین شکوهی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم. زمستان.

یادداشت

✱ این هم زمانی مبارک

عید فطر و عید نوروز، زمانی برای نوشدن عید فطر جشن پاکی دل‌ها پس از یک ماه عبادت و خویشتن‌داری و نوروز، پیام‌آور رویش و نوشدن طبیعت است. یکی بهار زمین را نو می‌کند و دیگری بهار جان را. آدمی حس می‌کند که جهان، هم از بیرون و هم از درون، یک‌صدا او را به شروعی تازه دعوت می‌کند؛ شروعی روشن، امیدوار و آکنده از برکت. یاد بهاری بوی امید می‌آورد و درختان خواب زمستانی را با لبخند شکوفه‌ها می‌شکنند. عید فطر و نوروز دعوتی است برای آغاز دوباره؛ فرصتی است تا کینه‌ها را در گذر روزگار رها کنیم و سفره دل را با مهر و دوستی با خالق و خلق و خلقت بیاراییم.

✱ ۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره) با آگاهی از حکومت‌های گذشته ایران، تاریخ اسلام، زندگی و دوران حکومت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و آشنایی کامل با شیوه اداره کشورهای منطقه غرب آسیا و به‌خصوص آشنایی با شیوه حکمرانی در اروپا (به دلیل تبعید و زندگی در فرانسه) با نگاه عمیق و دقیق انقلاب اسلامی ایران را با دیگر یاران و صاحب‌نظران مدیریت و رهبری کرد؛ طوری که در کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸، در همه‌پرسی، بیش از ۹۸ درصد مردم به حکومت اسلامی رأی دادند.

مردم عزیز ایران همه ساله این روز بزرگ را جشن می‌گیرند.

✱ پاسداشت محیط در روز طبیعت

۱۳ فروردین، که در تقویم رسمی کشور با عنوان «روز طبیعت» شناخته می‌شود، یکی از کهن‌ترین آیین‌های ایرانی را در خود جای می‌دهد که پیوند عمیق انسان با محیط طبیعی را بازتاب می‌دهد. پژوهشگران فرهنگ ایران باستان باور دارند که این روز در اصل جشن پایان دوازده روز نخست سال و آغاز نظم تازه طبیعت بوده است (مجتبوی، ۱۳۸۲: ۴۵). از نگاه زیست‌محیطی، سیزده‌بدر فرصتی است تا رابطه انسان و طبیعت با نگاهی علمی‌تر بازخوانی شود. کارشناسان محیط زیست تأکید می‌کنند که حضور گسترده مردم در عرصه‌های طبیعی می‌تواند با پیامدهای مثبت مانند افزایش آگاهی بوم‌شناختی همراه باشد، اما هم‌زمان خطرهایی همچون تولید زباله، تخریب پوشش گیاهی و آلودگی خاک و آب را نیز در پی دارد (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۴۰۰: ۳۱).

بر همین اساس، توصیه می‌شود در این روز از آسیب‌زدن به سبزه‌زارها، روشن کردن آتش بدون نظارت و رهاسازی زباله خودداری شود تا هم لذت حضور در طبیعت افزایش یابد و هم چرخه‌های زیستی آسیب نبیند (خدادادی، ۱۳۹۸: ۹۴). در مجموع، سیزده‌بدر تنها یک جشن ملی نیست، بلکه یادآور این واقعیت است که زندگی انسان، چه در گذشته و چه امروز، به‌شکلی عمیق به سلامت طبیعت گره خورده است. پاسداشت این روز، تنها با شادمانی و حضور در فضای سبز کامل نمی‌شود، بلکه با رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست معنا می‌یابد؛ همان چیزی که در متن‌های ایرانی نیز به‌عنوان «آشتی با طبیعت» از آن یاد شده است (افشار، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

✱ روز ملی فناوری هسته‌ای

۲۰ فروردین، روز ملی فناوری هسته‌ای، یادآور تلاش

دانشمندان ایرانی در دستیابی به دانش بومی هسته‌ای و گسترش توان علمی کشور است. این روز نماد خوداتکایی، پیشرفت و نقش علم در توسعه ملی و فرصتی است برای قدردانی از پژوهشگرانی که با پشتکار خود مسیر دستیابی به فناوری‌های نوین، از انرژی و پزشکی تا کشاورزی و صنعت را هموار کرده‌اند.

✽ السلام علیک یا جعفر بن محمد الصادق (ع)

فرارسیدن سالروز شهادت ششمین پیشوای نور و معرفت را تسلیت عرض می‌کنیم. امامی که عمر خویش را وقف گسترش دانش، ترویج حقیقت و هدایت دل‌های جویای نور کرد؛ چراغی که هنوز بر جان‌ها می‌تابد. امید که در پرتو آموزه‌های ایشان، دل‌هایمان به صبر، ایمان و دانایی آراسته شوند.

✽ حضرت معصومه (س).

الگوی کرامت و علم برای دختران

از قم تا قلب‌ها

حضرت فاطمه معصومه (س)، دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع)، یکی از برجسته‌ترین بانوان خاندان اهل بیت است که در منابع معتبر تاریخی بر منزلت علمی و جایگاه حدیثی او تأکید شده است. بر اساس گزارش مرحوم ری‌شهری، حضرت معصومه (س) در محیط علمی خاندان امامت پرورش یافت و از بانوان محدّثه شیعه به شمار می‌آمد (ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۴). سفر آن حضرت به‌سوی خراسان برای دیدار با امام رضا (ع) از واقعه‌های مهم زندگی ایشان است. بیماری حضرت در ساوه و سپس رحلت ایشان در قم در سال ۲۰۱ هجری ثبت شده و این رخداد زمینه شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی شیعه را فراهم کرده است (طیسی، ۱۳۸۲: ۹۹). نام‌گذاری سالروز میلاد حضرت معصومه (س) به‌عنوان «روز دختر» در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای ارائه الگویی فرهنگی از یک بانوی عالم، عفیف و فعال در عرصه دینی است (فضلی، ۱۳۹۷: ۸۵).

منابع

۱. افشار، ایرج (۱۳۸۵). فرهنگ مردم ایران. نشر هرمس. تهران.
۲. سازمان حفاظت محیط زیست (۱۴۰۰). گزارش ملی وضعیت محیط زیست ایران. دفتر پایش. تهران.
۳. ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). دانشنامه حضرت فاطمه معصومه (س). مؤسسه دارالحدیث. قم.
۴. خدادادی، مهران (۱۳۹۸). «بررسی پیامدهای زیست‌محیطی حضور توده‌ای مردم در طبیعت». فصلنامه محیط زیست ایران، ۱۲ (۳).
۵. فضلی، زهرا (۱۳۹۷). «الگوهای زن مسلمان و نقش آن‌ها در هویت‌یابی دختران». فصلنامه مطالعات فرهنگی زنان، ۵ (۲).
۶. طیسی، محمدحسین (۱۳۸۲). حضرت معصومه (س): زندگانی، کرامات و زیارت‌نامه. دلیل ما. قم.
۷. مجتبی، فرهاد (۱۳۸۲). نگاهی به آیین‌های نوروزی در ایران باستان. نشر مرکز. تهران.

۱ فروردین / عید سعید فطر و آغاز نوروز؛

۲ فروردین / آغاز عملیات فتح المبین - روز جهانی آب؛

۳ فروردین / روز جهانی هواشناسی؛

۷ فروردین / روز هنرهای نمایشی؛

۱۲ فروردین / روز جمهوری اسلامی؛

۱۳ فروردین / روز طبیعت - روز جهانی کتاب کودک؛

۱۴ فروردین / وفات حضرت عبدالعظیم حسنی (س)؛

۱۵ فروردین / روز ذخایر ژنتیکی و زیستی؛

۱۶ فروردین / روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای؛

۱۸ فروردین / روز سلامتی؛

۲۰ فروردین / روز ملی فناوری هسته‌ای - شهادت سیدمرتضی آوینی - روز هنر انقلاب اسلامی؛

۲۱ فروردین / سال روز شهادت سپهد صیاد شیرازی؛

۲۳ فروردین / روز ملی دندان پزشکی؛

۲۴ فروردین / شهادت امام جعفر صادق (ع)؛

۲۵ فروردین / بزرگداشت عطار نیشابوری؛

۲۹ فروردین / میلاد حضرت معصومه (س) و روز دختر - روز ارتش جمهوری اسلامی و نیروی زمینی.

فروردین ماه ۱۴۰۵

دکتر لیلا میرزایی
دانش آموخته فلسفه
تعلیم و تربیت

مدرسه

کیفی



مؤلف: دکتر ویلیام گلسر

ترجمه: دکتر علی صاحبی

(با همکاری فاطمه معین الغربایی)

سال انتشار: ۱۴۰۳ دهم (اول ۱۳۹۲)

ناشر: انتشارات سایه سخن



از زبان مؤلف آن بشنوید.

در مدرسه کیفی، مفهوم یادگیری نیز دگرگون می‌شود. یادگیری با کیفیت یادگیری ای عمیق، معنادار و مرتبط با زندگی واقعی است؛ نه حفظ طوطی‌وار مطالب برای امتحان. در چنین مدرسه‌ای، نمره هدف نهایی نیست، بلکه بازخوردی برای رشد محسوب می‌شود و مقایسه دانش‌آموزان جای خود را به توجه به پیشرفت فردی می‌دهد. دانش‌آموزان در این فضا مسئولیت یادگیری خود را می‌پذیرند، زیرا حق انتخاب دارند و پیامد انتخاب‌هایشان را تجربه می‌کنند. مدرسه کیفی همچنین تلاش می‌کند نیازهای اساسی انسان، از جمله نیاز به عشق و تعلق خاطر، قدرت و ارزشمندی، آزادی، تفریح و امنیت روانی، را در محیط آموزشی پاسخ دهد. نقش معلم در این الگو، از «کنترل‌کننده رفتار» به «رهبر یادگیری» تغییر می‌یابد؛ معلمی که به جای اعمال قدرت، الهام‌بخش است و به جای تنبیه، گفت‌وگو و حل مسئله را به کار می‌گیرد. از نگاه گلاسر، مدرسه کیفی نه یک برنامه کوتاه‌مدت و نه نتیجه صدور بخش‌نامه است، بلکه فرهنگی است که به تدریج و با تغییر نگرش مدیران، معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی شکل می‌گیرد؛ فرهنگی که در آن، کیفیت انسان‌ها مقدم بر کمیت نمره‌هاست. ❁

«مدرسه کیفی» در اندیشه دکتر ویلیام گلاسرها تنها یک الگوی آموزشی تازه نیست، بلکه تحولی بنیادین در نگاه به انسان، یادگیری و تربیت است. گلاسرها با تکیه بر «نظریه انتخاب» معتقد است که بخش عمده ناکارآمدی نظام‌های آموزشی، ریشه در استفاده گسترده از کنترل بیرونی دارد؛ یعنی تهدید، تنبیه، نمره‌محوری، اجبار و مقایسه. در مدرسه کیفی، یادگیری تحمیلی نیست، بلکه نتیجه انتخاب آگاهانه دانش‌آموز است. این مدرسه بر این باور استوار است که انسان‌ها تنها زمانی بهترین عملکرد خود را نشان می‌دهند که احساس کنند مورد احترام‌اند، شنیده می‌شوند و در فرایند یادگیری نقش فعال دارند. از این رو، رابطه انسانی با کیفیت میان معلم و دانش‌آموز، قلب تپنده مدرسه کیفی به شمار می‌آید. گلاسرها تأکید می‌کنند، بدون رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد، احترام و تعلق، هیچ برنامه درسی‌ای، حتی اگر بسیار غنی باشد، به یادگیری عمیق منجر نخواهد شد.

۱۲ فروردین ماه

جمہوری اسلامی ایران آرپی





پیر محمد